

بسم الله الرحمن الرحيم

دستاوردهای سازمان دانش بومی و فرهنگ شفاهی باختر ایران

گزارشی از بازرگانی و جامعه‌ی شهر و ایالت

کرمانشاه

در سده‌ی نوزدهم میلادی

نویسنده: یاسنت لوئی رایینو

ترجمه و گردآوری: محمدرضا (فریبرز) همزه‌ای

معرفی کتاب در: سایت ژیان‌گه زاگروس

www.zagrosecology.com

پاییز: ۱۳۹۹ خورشیدی

پیش‌گفتار بر گردان فارسی

مهم‌ترین دشواری بر سر راه پژوهشگرانی که در باره‌ی ایران کار می‌کنند، همانا کمیابی یا کم و بیش، نبود گزارش‌های تاریخی است. اگر چه گفته می‌شود نخستین کتاب تاریخ جهان، از سوی رشیدالدین ایرانی در زمان مغول به فارسی نوشته شده است. ولی کتاب‌های تاریخی فارسی، همگی با بیشتر در باره‌ی تاریخ فرمانروایان و جنگ‌های ایشان نوشته شده‌اند؛ توده‌های مردم جای ناچیزی در نوشته‌های تاریخی داشته‌اند.

در کتاب‌های تاریخی رسمی هم، بسیاری از جنبه‌های هنری، اجتماعی، اقتصادی و غیره، کم و بیش نادیده گرفته شده‌اند. همین کمبود گزارش‌های تاریخی است که پژوهشگران را نیازمند هر نوشته‌ای کرده است که به هر عنوانی، از سوی کسانی نوشته شده‌اند که تاریخ‌نگار دربار نبوده‌اند. ولی شمار این گونه کتاب‌ها، شاید به اندازه‌ی انگلستان دو دست نشود. نوشته‌هایی مانند سفرنامه‌ی ناصر خسرو قبادیانی، از دیدگاه بررسی‌های تاریخی دارای ارزشی بی‌مانند هستند. ولی این گونه کتاب‌ها آن چنان کم هستند که پژوهشگران ناگزیر بوده‌اند تا به دنبال هر منبع ممکن به تلاش پردازند. یادداشت‌های جهانگردان کارگزاران اروپایی، یکی از چنین منابع شمرده می‌شوند.

ولی همان‌گونه که آمد، نه تنها گزارش‌های تاریخی در باره‌ی جنبه‌های گوناگون زندگی اجتماعی، هنری و اقتصادی کمیاب هستند، بلکه آگاهی‌های موجود در باره‌ی جامعه‌های مردمی نیز کمتر یافت می‌شوند. هر چه که از پایتخت‌های هر دوران تاریخی دور می‌شویم، اندازه‌ی گزارش‌های به جا مانده کم‌تر و کم‌تر می‌گردد.

از این رو آگاهی‌های ما از جامعه‌های باختری ایران (که برای چندین سده از کانون‌های قدرت به دور بوده‌اند)، بسیار ناچیز می‌باشد. به همین جهت، هنگامی که با دشواری فراوان نگارنده به نسخه‌ای از گزارش‌های رایینو دست یافت، این کشف خرسندی فراوانی را ایجاد نموده و در بسیاری از نوشته‌های خود نیز از آن بهره‌مند گردید. برآستی می‌توان گفت که هنوز که هنوز است، کسی نتوانسته است با این ریزینی، کاری همانند آن را در باره‌ی اجتماع و اقتصاد کرمانشاه را تهیه نماید. اگر چه همین گزارش نشان از خواب بودن و بی‌خبری ایرانیان، در آن دوران را دارد و می‌توان پنداشت که با گردآوری چنین آگاهی‌های ریزینانه بوده است که انگلیسی‌ها توانستند به آن سادگی در کشورهای آسیایی و دیگر بخش‌های جهان رخته نمایند.

افزون بر این گزارش، رایینو گزارش‌های دیگری در باره‌ی اقتصاد کرمانشاه در سال‌های ۱۹۰۲ تا ۱۹۰۴ میلادی را تهیه نموده است که در آینده، آن‌ها نیز به فارسی برگردانده خواهند شد. باید یادآور شد که

راینو گزارش‌های دیگری در باره لرستان و مازندران نوشته که آن‌ها نیز از ارزش فراوان برخوردار هستند. گزارش راینو به مازندران، مدت‌هاست که به فارسی برگردانده شده است. به پنداشت نگارنده، اگر کارهایی مانند این نوشته‌ها در باره‌ی دیگر بخش‌های ایران وجود می‌داشت، ما شاید بدین گونه در تاریکی و ناآگاهی در باره‌ی اجتماع و اقتصاد کشور، در سده‌های گذشته نمی‌بودیم و نیاز به این همه گمانه‌زنی نمی‌داشتیم. با وجود این، خوانندگان باید دیدگاه انتقادی خود را، هنگام خواندن گزارش‌هایی که از سوی بیگانگان نوشته شده‌اند از دست ندهند و گرایش‌های گوناگون آن‌ها را هم‌چنان و در همه حال مد نظر داشته باشند.

آمارهای این کتاب، در باره‌ی بازرگانی و اجتماع و ایل‌های کرمانشاه، ما را به اندازه‌ی بسیاری به آن چه که در پایان دوران قاجار در این دیار می‌گذشته آشنا می‌سازد. یافتن این گزارش بیش از اندازه دشوار بود، با وجود این نگارنده بر آن شد که نمی‌تواند این گزارش را، برای همیشه برای خود نگاه دارد و می‌بایست آن را در اختیار فارسی‌زبانان و به ویژه کرمانشاهیان و دوستان کرمانشاه گذاشت؛ چه کسانی هم که به کتاب‌خانه‌های اروپایی دسترسی دارند، تا کنون نتوانسته‌اند از آن بهره‌گیرند. افزون بر این‌ها، این پژوهش ریزینه‌ها و روشمندی، این کتاب را یک گنجینه‌ی پربها و بی‌همتا برای کسانی می‌سازد که در پیوند با کرمانشاه و اقتصاد آن کار می‌کنند. بیشتر آمارهایی که در این گزارش آورده شده‌اند، دست یکم و از سوی خود راینو گردآوری شده‌اند. برخی دیگر از آمارها را نیز، او از روی کتاب مالیات حکومتی رونویسی کرده است.

راینو نماینده‌ی امپریال بانک ایران یا همان بانک شاهی بوده که نخستین بانک مدرن ایران می‌باشد. او در سال ۱۸۷۷ میلادی چشم به جهان گشوده و در سال ۱۹۵۰ از جهان رفته است. این نشان می‌دهد که او، این گزارش را در آغاز جوانی خود نوشته و برای همین نیز بسیار ستایش‌آمیز می‌نماید. افزون بر گزارش‌هایی که بیش از اندازه‌ی معمول جامع نوشته شده است، یک مقاله نیز در باره‌ی سکه‌های ایرانی دارد که دارای ارزش فراوان است.

نوشته‌های راینو:

H. L. Rabino di Borgomale, Coins, medals and seals of the Shahs of Iran, 1500-1941, ???

H. L. Rabino di Borgomale, Rulers of Gilan, in: Journal of Royal Asiatic Society, Vol. III, 1920.

H. L. Rabino di Borgomale, A Journey in Mazandaran (from Rasht to Sari), in: Geographical Journal 7, 1928.

گزارشی از بازرگانی و ساختار کلی شهر و استان کرمانشاه در سده‌ی نوزدهم میلادی نوشته‌ی اچ. ال. رایینو (نماینده‌ی امپریال بانک ایران)

کرمانشاه در نامه‌های رسمی به نام "دارالدوله کرمانشاهان" خوانده می‌شود. نام "کرمانشاهان" اکنون دیگر از کار افتاده و از این رو نام کرمانشاه هم برای شهر و هم برای استان به کار برده می‌شود. طول جغرافیایی کرمانشاه از سوی روساریو^۱ به قرار ۴۶ درجه داده شده ولی فلویر^۲ به قرار ۴۶,۵۹,۲۴ آورده شده است. عرض جغرافیایی نیز گوناگون داده شده است؛ از سوی مک دونالد کینیر^۳ به قرار ۳۴,۲۶,۴۵، از سوی روساریو^۴ به قرار ۳۴,۱۸,۴۵ و از سوی فلویر همانا به قرار ۳۴,۱۹,۱۴. به نوشته‌ی روساریو پلندی کرمانشاه از روی دریا ۵,۱۴۰ پا است، ولی دکتر اسکار مان^۴ به متر ۱,۱۴۰ را آورده است. ناهمسانی در این شماره‌های داده شده می‌تواند بدان سبب باشد که بخشی از شهر کرمانشاه روی تپه ساخته شده است. کرمانشاه مرکز استانی با همین نام است و بر روی زمینی بنیاد نهاده شده که به تپه‌های فتح علی خان، چیا سرخ و کمر زرد چسبیده است. این زمین بخشی از دشت کرمانشاه است. تپه‌ی چیا سرخ از کلبه‌های کوچکی پوشیده شده که در آن‌ها مردم گُرد از طبقه‌های پایین زندگی می‌کنند. این تپه پایان شهر از سوی جنوب است که از آن‌جا همان باغ‌های زیبایی آغاز می‌گردند که برای کسانی که از سوی بزرگراه بغداد می‌آیند، می‌توانند چنان چشم‌انداز بسیار زیبایی از شهر را در برابر خود داشته باشند. تپه‌ی دیگری در شهر هست که تپه‌ی "علاف خانه" یا "سرتپه"

¹ Rosario.

² Floyer.

³ Macdonald Kinneir.

⁴ Dr. Oskar Mann .

^۵ شهر به گونه‌ی شگفتی خالی از ساختمان‌های است که قابل توجه باشد و یا نشان از ثروت داشته باشند. این شهر یک مجموعه از ساختمان‌های کاه گلی یک طبقه‌ای است همراه با خیابان‌هایی پیچ در پیچ و باریک با یک بازار بزرگ و جادار. با وجود این، چیزی که شهر را از بی‌اهمیت و ارزش بودن نجات می‌دهد، جایگاه شهر از سوی خاور است که در سرایشب یکی از ستیغ‌های یک کوه قرار دارد؛ زنجیره‌ی کوهستانی که از سوی جنوب به سوی لرستان گسترده می‌شود.

در چهار میلی شرقی شهر و پس از گذر از رودخانه‌ی قره‌سو، کوهستان بیستون سربرافراشته؛ کوهستانی درخشان و تابان و ناهموار و پر فراز و نشیب در حالی که بلندیش به سه یا چهار هزار پا از روی دریا می‌رسد. بلندی خود شهر به پنج هزار پا از روی دریا می‌رسد. آب و هوا در زمستان سرد است و در بهار هوایی مانند انگلستان دارد. هوای گرم تابستان تنها دو ماه ناخوشایند است که در آن زمان مردم در صورت امکان به باغ‌های زیبایی پناه می‌برند که در سرایشب‌های جنوب شهر قرار دارند.

H. J. Whigham, Morning Post, July 11, 1902.

خوانده می‌شود. اگر از سوی جاده‌ی همدان نگریده شود، شهر دارای نمایی عادی و میانی و بدون هیچ گونه نشان یا جلوه‌ی برجسته است.

شماری مناره‌هایی که با ورق فلزی روکشی شده‌اند. یک نقاره‌خانه و دیوارهای سفید کاخ فرماندار، تنها نشانه‌ای هستند که کرمانشاه را به جای یک روستا بزرگ به شهر همانند می‌کنند.

"دشتی که شهر بر آن ایستاده شش پراکنده یل از شمال به جنوب پهنا و سی میل از خاور به باختر درازا دارد. در این دشت روستاهایی کوچک و کوتاه هستند که بیشتر از سی تا چهل خانه ندارند. از سوی شمال این دشت را کوهستان پراو مانند دیوار گرفته است. این دشت که در روستای بیستون ناگهان به پایان خود می‌رسد، نزدیک به بیست میل از شهر کرمانشاه دور است."^۶

دیوارهای شهر

گستره‌ی شهر نزدیک به ۸,۱۵۰ گام یا ۶,۷۷۵ متر است که می‌توان آن را در مدت یک ساعت و پانزده دقیقه پیاده پیمود. هنگامی که شهر به دست نادرشاه افتاد دیوارهای کهن آن دوباره بازسازی شدند. محمدعلی میرزا دولت‌شاه در زمان فرمانرانی فتح علی شاه به دور شهر با دیوارهایی را کشید که برج‌های آن‌ها دارای سوراخ‌های دیده‌بانی بودند. این دیوارها گستره‌ای نزدیک به سه میل بودند. ولی اکنون این دیوارها آن چنان ناپدید شده‌اند که حتا یک نشانه‌ی به جا مانده از آن‌ها را نمی‌توان پیدا کرد. تنها چیزی که ممکن است به چشم بخورد بخش‌هایی از برج‌های شهر هستند که اکنون به بخشی از خانه‌های مردم تنگدست در آمده‌اند.

دروازه‌ی شهر

شهر پنج دروازه داشته است: یکی دروازه‌ی کالسکه که به سوی جاده‌ی تهران بوده، دیگری دروازه‌ی قصاب‌خانه که آن هم به سوی جاده‌ی تهران قرار داشت. دروازه‌ی یهودی‌ها که آن هم به سوی جاده‌ی تهران دروازه‌ی چپ‌سرخ یا سرقبرآقا که به سوی بغداد گشوده می‌شده است. این دروازه‌ها امروز دیگر وجود ندارند، ولی نام آن‌ها هنوز هم به کار می‌رود که برای نشان دادن ورودی‌های شهر به کار می‌روند. کرمانشاه اکنون یک شهر باز و بی درب و دروازه است.

^۶ Gazetteer of Persia, 1880:

"کرمانشاه در ۲۵۰ میلی جنوب باختری تهران، ۲۵۲ میلی شمال باختری و باختر اصفهان و ۲۲۰ میلی شمال خاوری بغداد، ۳۰۳ میلی جنوب جنوب خاوری تبریز از جانب سنه و ۳۸۰ میلی زنجان." "چارواداران می‌گویند: - کرمانشاه به خانقین، سی و چهار فرسخ و خانقین به بغداد، بیست و هفت فرسخ؛ کرمانشاه به همدان، ۲۶ فرسخ؛ کرمانشاه به کردستان از راه سنه (سندج)، ۲۳ فرسخ؛ کرمانشاه به سلطان‌آباد، ۴۴ فرسخ.

یکی از ورودی‌ها که به سوی مسجد عمادالدوله است به نام دروازه‌ی شاه نجف خوانده می‌شود؛ ولی روشن نیست که آیا در گذشته این دروازه برای زایران بوده که به نجف و کربلا می‌رفتند و یا این که این نام را به آن جهت به آن دادند که محمدعلی میرزا دروازه‌ی تازه‌ای را داده بود تا برای شهر نجف بسازند و دروازه‌ی کهنه‌ی نجف را برداشته و در آن امکان از شهر کرمانشاه قرار داده بودند.

محلله‌های شهر

کرمانشاه که همه جا به نام شهری نیمه ویران شناخته می‌شد، چند سال پیش و به ویژه پس از آن که فرماندار جدید علاءالدوله به این جا آمده به گونه‌ای دگرگون شده است. همه‌ی بازارهای شهر پس از آن که بازاریان به مجازات شدید تهدید شدند، اکنون بازسازی گردیده‌اند. ساختمان‌های دولتی مانند کاخ استانداری و میدان توپخانه و سربازخانه‌ها و اکنون دوباره سروسامان یافته‌اند. شهر به سه محله بخش شده است که هر یک از آن‌ها کدخدای خود را دارد. کدخدای خود را دارد. کدخدای محله به صورت ارثی است که در دست خانواده‌هایی که اکنون بر سر کار هستند قرار دارد. در همه‌ی شهر یک کدخداباشی، شریف خان امین اممالک وجود دارد که سه کدخدای محله‌های شهر زیر دست او قرار دارند. محله‌های کرمانشاه عبارتند از: برزه دماغ، که محله‌ی سرته‌ی هم به آن متصل است که کدخدایش محمودخان امین الرعا یا است. دوم محله فیض آباد است که کدخدایش فتح علی خان می‌باشد. سوم میدان ملاعباس علی است که کدخدایش اکبرخان می‌باشد. هر محله دارای چند بخش است که بخش‌های اصلی عبارتند از: محله‌ی برزه دماغ؛ گذر چال حسن خان، گذر رجب علی خان، کوچه‌ی شیخ‌وندها، کوچه‌ی بهرام‌وندها. فیض آباد: ضرابی‌ها، گذر سید محمد رحیم، گذر اقاوند، محله‌ی یهودی‌ها. میدان ملاعباس علی: گذر قره‌باغی، سرته‌ی محمدعلی بگ، کوچه‌ی سه‌یاونده، محله‌ی چنانی.

بزرگان کرمانشاه در محله‌ی فیض آباد خانه دارند؛ چرا که این محله دارای خیابان‌های پهن‌تر بوده و از بازار شهر دور است. این بزرگان این محله را از آن جهت ترجیح می‌دهند که بیشتر خیابان‌هایی کرمانشاه تنگ و پرعذابند. خیابان ضرابی‌ها و خیابانی که از دروازه‌ی سراب به چال حسن خان می‌خورد، تنها خیابان‌هایی هستند که وسیله‌های نقلیه می‌توانند از آن‌ها بگذرند. همه‌ی رفت و آمد در شهر از غروب خورشید باز می‌ایستند و سه ساعت پس از غروب آفتاب تا بامداد تنها کسی می‌تواند از میان شهر بگذرد که جمله‌ی رمز عبور داشته باشد. دو جمله یا حرف عبور هست

⁷ Agavand.

⁸ Saiavandah.

که می‌توان آن را با در خواست از اردل باشی⁹ دریافت نمود؛ یکی برای گذر از میان شهر است و یکی نیز برای میدان توپخانه. یک جمله یا حرف عبور دیگر نیز هست که برای کاخ استانداری است کو ویژه‌ی ساکنان و وابستگان یا کارکنان خود استانداری است.¹⁰

در محله‌ی فیض آباد شماری خانه‌های زیبا به چشم می‌خورند که در میان آن‌ها خانه‌ی وکیل الدوله، خانه‌ی امام جمعه، خانه‌ی حاجی آقا، خانه‌ی ظهیرالممالک، خانه‌ی معتصم الدوله و خانه‌ی عمادالسلطنه را می‌توان نام برد. با وجود این هیچ چیزی از درون این خانه‌ها را نمی‌توان از بیرون دید؛ چرا که مانند همه‌ی خانه‌های شرقی دور آن‌ها با دیوارهای بلند بسته شده‌اند. بازرگانان شهر دارای خانه‌های خوب و راحتی هستند. برخی از خانه‌های بازرگانان بسیار بزرگ و گستره هستند، ولی بیشتر مردم شهر در خانه‌های کاه گلی کوچک و کلبه‌های رعیتی زندگی می‌کنند.

بازارها

بازار کرمانشاه بزرگ و جادار هستند، اگر چه در سنجش با بازار تهران خیلی تنگ‌ترند. این بازارها پر هستند از کالاهای گوناگون به ویژه نقش منچستر.¹¹ این بازارها با نزدیک شدن به نیمروز بسیار پر رفت و آمد و جاندار می‌شوند. کالاهایی که در این بازارها به فروش می‌رسند، همگی برای نیازهای روزانه هستند و جای یافتن و خرید کالاهای ویژه نیستند.

بازار اصلی کرمانشاه تز میدان توپخانه آغاز می‌شود و در دروازه‌ی سرقبر آقا پایان می‌یابد. بخش‌های پایانی بازار را "علافخانه" می‌نامند. بازارهای دیگر عبارتند از: بازار راسته‌ی رجب علی خان، بازار راسته‌ی چال حسن خان، بزازخانه‌ی عمادیه و بزازخانه‌ی شاهی.

در کرمانشاه دو گونه کاروانسرا هست؛ یکی برای زایران و کاروان‌ها و دیگر کاروانسرای بازرگان. در باره‌ی بازار زایران به سختی می‌توان شمار آن‌ها را به دست آورد. آن‌ها در همه‌ی شهر پراکنده هستند و خانه‌های خصوصی با فراوانی نیز برای این منظور به کار می‌روند؛ به ویژه هنگام بالا رفتن شمار زایران در شهر در میان کاروانسراهای بازرگانان مهم‌ترین آن‌ها که بیشتر بازرگانان مهم شهر در آن حجره دارند، همانان کاروانسرای وکیل الدوله است.

گرمابه‌های همگانی

⁹ Ardel Bashi.

¹ "Inmates of the palace." 0

¹ Hovels. 1

¹ Manchester Prints. 2

در کرمانشاه نزدیک به سی گرمابه‌ی همگانی هست. پنج یا شش گرمابه در میان این‌ها دارای درجه‌ی بالا هستند. ولی از آن‌جا که طبقه‌های کارگر شیعه نیستند و به موضوع حمام کردن توجه ندارند، در نتیجه گرمابه‌های شهر آن‌گونه که باید و شاید از سوی این بخش از توده‌های مردم بهره‌برداری نمی‌شوند.

مسجدها

بیشتر مردم شهرنشین کرمانشاه از کردانی هستند که پیش از این پیرو یارسان بودند. بهمین جهت مسجدی کهنسال را در این‌جا نمی‌توان یافت؛ از این‌رو مسجدهایی که اکنون وجود دارند،^{۱۳} بیشتر برای استفاده کسانی است که از دیگر بخش‌های کشور به این‌جا آمده و مقیم شده‌اند و نه برای مردم بومی این‌جا.

مذهب شیعه از زمان نادرشاه و در دوران قاجار در کرمانشاه گسترش یافته است. کهن‌ترین مسجد شهر همانا مسجد جمعه است که از سوی پدر بزرگ ظهیرالملک کنونی ساخته شد.

مدرسه‌ها و مکتب‌خانه‌ها

سه مدرسه در این‌جا هست که در آن‌ها افزون بر درس فارسی، گونه‌ای از زبان‌های فرانسه و انگلیسی به همراه جغرافیا و ریاضی آموزش داده می‌شوند. این مدرسه‌ها عبارتند از: مدرسه‌ی حسین علی خان، مدرسه‌ی کاشه موشی، مدرسه‌ی اسلامیة (شیخ محمد سعید). شهریه برای هر دانش‌آموز در این مدرسه‌ها ده تا سی قران در ماه است؛ ولی مدرسه کاشه موشی شهریه ندارد، چرا که هزینه‌های آن از سوی میسیون آمریکایی در همدان پرداخت می‌شود.

^{۱۳} مسجد‌های مهم شهر عبارتند از: مسجد جمعه که شبستان نیم سرپوشیده‌ی آن از سوی حاجی علی خان زنگنه ساخته شد و شبستان سرباز آن از سوی محب علی خان؛ مسجد و مدرسه‌ی حاجی شهبازخان؛ مسجد شاهزاده خانم نواب عالیه خواهر محمدعلی میرزا و زن زین العابدین خان پسر حسین قلی خان قاجار؛ مسجد عمادالدوله که به تازگی ساخته شده و دارای شماری ساختارهای زیباست و دارای یک ساعت بزرگ اسم که زمان را در شب و روز نشان می‌دهد. (از: ناصرالدین شاه، سفر به کربلا)

شماری مکتب‌خانه نیز هستند که در آن‌ها روش خواندن و نوشتن آموخته می‌شود. شهریه برای مکتب‌خانه‌ها بین نیم تا دو قران در ماه است. مردم بومی به مکتب‌خان دسترسی ندارند. به من گفته شده که از هر سی نفر از مردم بومی، بیست و نه نفر آن‌ها یکجا بی‌سواد هستند.

گورستان‌ها و امام‌زاده‌ها

همسان با دیگر شهرهای ایرانی، گورستان‌های کرمانشاه در درون شهر نیستند. در بیرون شهر دو گورستان بزرگ وجود دارد؛ یکی قبر آقا و یکی گورستان فیض آباد یا تپه‌ی قاضی‌بگ. این دو گورستان از هر چیزی دیدنی و جالب تھی هستند.

در شهر کرمانشاه و یا بیرون آن هیچ امام‌زاده‌ای نیست. تنها چیزی که وجود دارد ویرانه‌ای از یک تاق کوچک است که باز مانده‌ای یک گنبد^۴ کوچک می‌باشد که روی گوری ساخته شد که گفته می‌شود که گور سیدفاطمه بوده است. سید فاطمه یکی از نزدیکان حضرت معصومه بود که در سفر به سوی قم در این جا جان خود را از دست داده است. بر روی این تاق دو سنگ گور جای دارند که روی آن‌ها به خط کوفی بوده که نوشته‌های آن‌چنان از میان رفته‌اند که دیگر ممکن نیست خوانده شوند.

در سه و نیم فرسخی شهر و نزدیک کنشت، یک دهکده هست که به نام "پیرغیب" یا "پیر خبیر"^{۱۵} خوانده می‌شود. ولی اگر چنان چه زمانی در این جا برآستی مرقد یکی از نوادگان امامان شیعه هم بوده باشد، در زمان کنونی هیچ اثری از آن به جا نمانده است.

ساختمان‌های همگانی

ساختمان‌های همگانی که امروز چه به شکل سالم و چه به صورت ویرانه وجود دارند؛ همگی به دو تن از فرمانداران قاجار باز می‌گردد: محمدعلی میرزا دولت شاه و امام قلی میرزا عمادالدوله پسر دولت

¹ Cupola. 4

¹ Pir Khabir. 5

شاه. ذو ساختمان همگانی دیگر که جالب هستند یکی پلی است که بر روی قره‌سوزده شده و قصر و کیلیه.

چهارباغ که هم چنین باغ شازده و یا باغ محمدعلی میرزا خواند می‌شد و در نزدیکی سربازخانه‌ی شهر است. این باغ به پیروی چهارباغ دارای یک ساختمان بزرگ به نام تالار بود که بالای آن با آجرکاشی ساخته شده بود که البته دارای ارزش نبود. این ساختمان اکنون به ویرانی می‌رود. خود باغ زیبای آن که زمانی آب از میان جوب‌های بی‌شمارش می‌گذشت. آبروها اکنون رها گردیده و بیشتر درختان چنار بزرگ بریده شدند. آن چه از آن درختان به جا مانده بود برای درست کردن گاری جهت شماری توپ‌های کهنه‌ای به کار گرفته شدند که به تازگی از میان گمنامی جنگ‌افزارخانه بیرون آورده شده‌اند، به کار گرفته شدند.

دیوارهای شهر

همان گونه که یادآور شد دیوارهای شهر دیگر وجود ندارند.

کاخ حکومتی یا استانداری

کاخ استانداری که از میدان توپخانه پس از یک سرایشی به دروازه‌ی بزرگ آن آغاز می‌شود که پس از آن یک گذرگاه طاق‌دار بلند دارد. این کاخ دارای ۱۲ حیاط است که همگی با اطاق‌ها و

^{۱۶} ساختمان‌های دولتی شهر عبارتند از: ساختمان و باغ محمدعلی میرزا، قلعه‌ی حاجی کریم که به دلگشا شهرت دارد و ساختمان آن از سوی عمادالدوله یازسازی شده؛ دیوان‌خانه‌ی بزرگ برای دادگستری که ورودی آن به میدان توپخانه باز می‌شود؛ عمارت کشکول که ساختمان درازی (oblong building) که به دیوان‌خانه چسبیده است؛ عمارت بیدستان که در همان نزدیک است؛ عمارت کاخ با مناره‌ها که میان اندرون و آب انبار (Archaine) جای دارد؛ عمارت آب انبار در پشت دیوان‌خانه؛ اسطبل‌خانه و خانه‌های خصوصی میان عمارت کشکول و دیوان‌خانه؛ (خود دیوان‌خانه و عمارت کشکول و عمارت اندرون و عمارت بیدستان و عمارت کاخ؛ عمارت آب انبار، اسطبل‌ها، "خلوت" یا عمارت‌های خصوصی همگی با هم کاخ استانداری را تشکیل می‌دهند) با جنگ‌افزارخانه در جنوب باغ شازده؛ چاپارخانه در پشت باغ نامبرده؛ با میدان سربازخانه در جنوب کاخ استانداری؛ میدان توپخانه در نمای جلوی کاخ استانداری است؛ زندان در جنوب دیوان‌خانه؛ نقاره‌خانه در جنوب میدان توپخانه. (برگرفته از سفرنامه‌ی ناصرالدین شاه)

آپارتمان‌های گوناگون احاطه شده‌اند. در زیرنویس پیشین بیان شده است که هر دسته از ساختمان‌های گوناگون دارای نام ویژه‌ی خود هستند. تنها ساختمان دیدنی در میان این‌ها ساختمان دیوان‌خانه و تالار است که دارای دو سنگ یک تکه از سنگ آذرین یا سنگ سماق^{۱۷} است که از کوه بیستون آورده شده‌اند. این گونه سنگ آذرین در ایران کمیاب انگاشته می‌شود. ساختمان دیدنی دیگر همانا حوض خانه^{۱۸} بود که اکنون ویران شده است.

توپخانه

توپخانه درست در جلوی کاخ فرمانداری جای دارد بیشتر بازارهای شهر در این جا پایان می‌یابند. میدان توپخانه نزدیک به ۹۶ پا پهنا و ۲۴۰ پا درازا دارد. این میدان به اندازه‌ی زیادی مدیون حاکم کنونی است که دستور داده تا آن را کامل بازسازی کنند و یک باغ کوچک هم در آن بسازند. اکنون دو توپ بر روی سکو، در دو سوی میدان جای دارند و یک حوض هم در میان آن‌هاست. توپ‌ها و خمپاره‌اندازها روی سکوی پستوها دور تا دور میدان جای دارند.^{۱۹}

هر روز غروب در میدان رژه‌ی نظامی انجام می‌گیرد. پس از غروب آفتاب و پس از اجرای طبل و نقاره از نقاره‌خانه که در جنوب میدان سروصدایشان خاموش می‌شود؛ آن‌گاه گروه ارکستر ارتش آغاز به نواختن موسیقی می‌کند و مردم شهر هم در قهوه‌خانه‌ها گرد می‌آیند و تا دو ساعت پس از آن ادامه دارد تا این که دوباره همه جا را سکوت در بر گیرد.

سربازخانه‌ها

سربازخانه‌هایی که من دیده‌ام، می‌توان گفت که کلبه‌های کوچک غیرمسکونی هستند که نزدیک به کاخ استانداری یک میدان بزرگ را در بر می‌گیرد که از سه سو ردیف‌هایی از اطاق‌های کوچکی را در بر گرفته که بیشتر از هر چیز به بخش میانی کاروانسراهای شاه عباسی همانند است. در سوی چهارم نیز داری سه ردیف اطاق است و از بالای این‌ها می‌توان برج‌های بلند اندرون و کاخ استانداری را دید. در سال ۱۹۰۲ میلادی هنگامی که من به کرمانشاه آمدم، همه‌ی این‌جا چنان در حال ویرانی و نابودی بودند که به سختی می‌توان آن را بازگو نمود. ولی اکنون پس از انجام نوسازی‌هایی چند، میدان دوباره

¹ Porphyry. 7

¹ Tank room. 8

¹ Other guns and mortars are in recesses round the square.

برای مشق نظامی سربازان جدید به کار می‌رود و از اطاق‌هایش نیز سربازان به سر می‌برند. دو ردیف لالای اطاق‌ها سمت چهارم میدان سربازخانه و برج‌های اندرون تاکنون بازسازی نشده‌اند.

میدان دارای ۴۸۰ پا درازا و ۲۵۰ پا پهنا است. در این سربازخانه ۱۲۸ اطاق وجود دارد که هر یک از آن‌ها برای سکونت پنج یا شش سرباز در نظر گرفته شده است. تا همین نزدیکی‌ها از یک بخش از اطاق‌های سربازخانه برای نگهداری الاغ‌های سربازان بهره گرفته می‌شد.

جنگ‌افزارخانه

جنگ‌افزارخانه در جایی است که از دیدگاه استراتژی نامناسب است. این جنگ‌افزارخانه در جایگاهی برپا شده که دورتادورش را ساختمان‌ها و دکان‌ها گرفته‌اند. می‌توان گفت که به جای زرادخانه این جا را می‌توان یک انبار یا فروشگاه ارتشی نامید. (نک به پیوست شماره ۳)

ویلای دلگشا

در معنی صفت "دلگشا" را می‌توان به چیزی داد که دل را سبک می‌کند.

این جایگاه در گذشته ملک کسی به نام حاجی کریم بوده و از این رو گاهی این مکان به نام قلعه‌ی حاجی کریم نیز خوانده می‌شود. دلگشا دارای دو گروه ساختمان است که نخستین گروه دارای یک حوض در میانه و شمار بسیاری اطاق بسیار بزرگ به دور آن است. از این جا می‌توان وارد حیاط دیگر و یک باغ کوچک شد. ساختمان‌های آن در سه سو بنا شده‌اند و سمت چهارم نیز باز است. در میانه‌ی این مجموعه یک حوض هست به همراه درختان گل و میوه. سوی شمال باختری این مجموعه یا شهرک باز بوده و مشرف است به یک دره و باغ‌هایش. در این جا چشم‌انداز بسیار زیبایی در برابر بیننده وجود دارد. یک ایوان باریک هم در این جا ساخته شده که از آن جا همه‌ی چشم‌انداز را می‌توان جلوی خود داشت. (سفرنامه‌ی ناصرالدین شاه به کربلا) این شهرک امروزه یک ویرانه است.

مسجد عمادالدوله

گفته می‌شود که مسجد عمادالدوله به خوبی بازسازی شده است. کاشی‌هایی که در بخش درونی مسجد به کار رفته رد خود کرمانشاه ساخته شده‌اند. ولی هنر ساختن چنین کاشی‌هایی در کرمانشاه اکنون به گذشته پیوسته است.

ویلا و باغ عمادیه

ساختمان عمادیه در کناره‌ی رود قره‌سو ساخته شده است. این رودخانه در هنگام کمبود آب دارای بیست سنگ آب است. در هنگام بهار غیر ممکن است که بتوان در بخش‌هایی کم عمق آن به آب زده و گذر نمود. از آن سوی رودخانه دشتی آغاز می‌شود که به کرمانشاه می‌رسد. شهر از این‌جا دارای دورنمای خوبی است. ک باغ در سمت اندرون (خانه‌های زنان) وجود دارد، به همراه حوض‌هایی با آب فراوان که تا دروازه‌ی شهر در پایان سمت دیگر شهر پیش می‌رود. اندرون دارای ساختار مناسبی است و اطاق‌های فراوانی دارد و ساختمان زیبایی است. این‌جا دارای پنج گرمابه است. من از ساختمان دیدن کردم که در آن خواجه‌ها و خدمتکاران نیز دارای خانه‌های جداگانه هستند. بیرونی (طاق‌های پذیرایی) دارای ساختمان‌های زیبای سه طبقه هستند که در کنار رودخانه‌ی قره‌سو جای دارند. این‌جا دارای اطاق‌های پذیرایی زیبایی در هر دو سوی هستند و درب اطاق‌ها به گونه‌ای در جهت باختر ساخته شده‌اند که از چهار ساعت پیش از غروب تا پایان غروب آفتاب در آن‌ها نور خورشید می‌تابد. (سفرنامه‌ی ناصرالدین شاه در سفر کربلا).

نوادگان عمادالدوله ترجیح دادند که بگذارند تا این ساختمان به ویرانی برود؛ و گرنه می‌بایستی هر بار هزینه‌ی پذیرایی چندین روزه‌ی استانداران جدیدی را پردازند که می‌خواستند پیش از ورود به شهر در آن‌جا بمانند؛ چرا که هزینه‌ی این استانداران و همراهانشان در پایان به گردن صاحبان این خانه می‌افتاد.

ویلا و استخر تاق بستان

ویلا و استخر تاق بستان در یک و یک چهارم فرسخی شهر کرمانشاه جای دارد. این‌جا برای گردش و تعطیلی مردم شهر مورد استفاده قرار می‌گیرد. ویلای تاق بستان به وکیل الدوله تعلق دارد. این ویلا تشکیل شده از طبقه‌ی همکف یک سردابه بزرگ که در زیر آن یک حوض کوچک هست که از آن در زمستان و بهار به اندازه‌ی بسیار فراوانی آب بیرون زده و در میان دو خزانه‌ی یزرگ می‌ریزد.

اندازه‌ی هر یک از این خزانه‌ها ۱۲۰ گام مربع است. چشم‌انداز این استخرهای آب در هنگامی که پر هستند بسیار خوش جلوه و زیبا می‌باشد. ولی در هنگام تابستان که خالی می‌شود به ویرانه مانند است.

به دستور عمادالدوله پله‌هایی بر روی صخره‌ی کوه کنده شده‌اند که به سوی طاق‌هایی می‌رود که پیکره‌های ساسانی را در بردارند.

پل قره‌سو

پل قره‌سو دارای شش طاق است و بسیار استوار ساخته شده و خوب نگهداری شده‌اند. همه‌ی ساختمان پل از آجر ساخته شده است. ساختمان این پل به دستور شیخ علی خان ساخته شده؛ یعنی همان کسی که در زمان یکی از پادشاهان صفوی نخست وزیر بود. آئین شیخ علی خان جد ظهیرالملک کنونی می‌باشد. این پل در راه بزرگ میان کرمانشاه و بیستون جای دارد و فاصله‌اش تا کرمانشاه یک فرسخ و تابستون پنج فرسخ است.

گسر و کیلیه^{۲۲}

این یک پل هوایی کوچک است که بسیار ابتدایی ساخته شده و دستور ساخت آن را که آقای دمرگان پیشنهاد نمود به وکیل الدوله بر می‌گردد. این به جای همان جعبه‌ی گلی^۳ ساخته شده^۴ که به یک ریسمان آویزان بود^۵ کشیده می‌شد و مردم را از این نقطه گل آلود از روی قره‌سو گذر می‌داد و مسیر به وکیلیه و تاق بستان ره می‌نمود. دولت گذشتن وسیله‌های نقلیه از روی آن را قدغن نموده است. اسب‌ها هم گاه‌گاهی به سختی می‌توانند از روی آن بگذرند. در زمستان می‌بایست برای گذشتن رودخانه را دور زده و از روی پل قره‌سو گذر نمود.

پل خسرو

² Pace square. 0

^{۲۱} شیخ علی خان در زمان سلیمان، شاه ناتوان صفوی و در پایان سده‌ی هفدهم میلادی، وزیر شاه گردید. (همزه‌ای)

² Gizr 2

² Muddy boxes. 3

² Bishop 4

² Hauling on a rope. 5

پل خسرو کمی پایین تر از پل وکیلیه است. این پل بسیار استوار ساخته شده که از آن تنها بخش پایینی ستون‌های دست نخورده به جا مانده است. روینای پل همه‌ی چیزهایی را دارد که برای گذر از آن در زمستان به آن‌ها نیاز فراوان است. آن بخشی که از این پل به جا مانده، نشان از یک معماری خوب دارد که بی گمان در زمان فرمانروایی ساسانیان ساخته شده است. اگر ما بپذیریم که شهر کرمانشاه در گذشته بسیار به تاق بستان نزدیک بوده، پس می توان گفت که این پل بایستی سرراه قصر شیرین بوده است.

باغ‌ها

باغ‌های بسیار زیبایی در جنوب شهر و نزدیک به سراب وجود دارند. در شمال شهر هم شماری باغ رد فاصله‌های دورتر هست و درختان میوه و سپیدار هم بسیار فراوان هستند که متأسفانه مقدار زیادی درخت هر سال برای چوب‌شاه بریده می‌شوند و شمار کمی از درختان می‌توانند به اندازه طبیعی خود رشد کرده و بلند شوند.

وکیلیه

وکیلیه یک ویلاست در کنار رودخانه‌ی قره‌سو و در سه چهارم فرسخی از شهر. این ویلا از آن وکیل الدوله است که دستور داده که پل^۶ را از این جا بر روی رودخانه بزنند. این جا محل گردش و تفرج مردم کرمانشاه در فصل در بهار است.

آب

در کرمانشاه به اندازه‌ی فراوان آب وجود دارد؛ ولی در کل آب آن سنگین و سخت هضم است. آب نوشیدنی شهر از سراب گرفته می‌شود. این چشمه بیشترین بخش باغ‌های جنوب شهر را آبیاری می‌کند. افزون بر آن، دو چشمه‌ی دیگر هستند به نام‌های چشمه‌ی ابراهیم ظهیر (ظاهر؟) و چشمه‌ی سینه‌ی گل زرد. آب حوض‌خانه‌ها از کاریز آغنی،^۷ آب‌جبه‌خانه،^۸ آب دولت‌خانه و نهر مهدی‌خانی گرفته می‌شوند.

² Gizr. 6
² Agani. 7
² Djaba. 8

با وجود این که رودخانه‌ی قره‌سو از میان دشت کرمانشاه می‌گذرد، آب آن برای آبیاری به کار برده نمی‌شود. دلیل این است که سطح آب برای آبیاری زیاد مناسب نیست. ولی برآستی امکان این که از آن بهره گرفته شود آسان است. با وجود این، از زمانی که از کوهستان روان شده، کسی بر آن نشده تا جهت بهره‌برداری از این رودخانه برای آبیاری تلاش کرده باشد. افسانه‌ای وجود دارد که می‌گوید هنگامی که خسرو (برخی می‌گویند یزدگرد) نامه حضرت پیغمبر را در آن انداخت آب این رودخانه از هراس پایین رفت.

دفتر تلگراف

دفتر تلگراف یکی از حیاط‌های کاخ حکومتی را که درش به توپخانه باز می‌شود را گرفته است. کرمانشاه بر روی خط تلگرافی تهران بغداد است. ایستگاه‌های تلگرافی عبارتند از: تهران، خان‌آباد، توبران، زره، همدان، اسدآباد، کنگاور، کرمانشاه، کرد، سرپل ذهاب، قصر شیرین، خانقین، قزل رباط، شهربان،^۹ بعقوبه (بعقوبیه). یادآور می‌شود که خط نلگراف دارای یک سیم است.

پیام‌ها می‌توانند برای تهران و خانقین و بغداد فرستاده، باید به خط لاتین نوشته شوند. در ایستگاه‌های دیگر، بایستی زبانی که تلگراف به آن نوشته می‌شود زبان همان کشور می‌باشد.

هزینه‌ی تلگراف داخلی برای هر ده حرف ۲,۷۵ قران است. برای بغداد بهای هر یک حرف تلگراف ۲,۰۵ قران است. برای فرستادن یک تلگراف "فراش" تلگرام‌خانه هم ده شاهی می‌گیرد. برای فرستادن تلگراف به اروپا بهتر است که پیام به تهران فرستاده شود و از آن جا دوباره ارسال شود. پیام‌هایی که از راه خط ترکیه فرستاده می‌شود چنان به هم ریخته‌اند که هنگام دریافت بیشتر وقت‌ها دیگر فهم‌پذیر نیستند. مدیر تلگراف‌خانه در کرمانشاه شاهزاده بشیرالدوله است.

گمرک‌خانه و پست‌خانه

اکنون اداره‌ی پست‌خانه به دست کارکنان گمرک‌خانه داده شده است و برای همین دفتر پست را به کاروانسرای گمرک‌خانه در پیرامون شمال شهر برده‌اند. نامه‌هایی که برای همدان و تهرافن فرستاده

² Shahreban.

می شوند، در روزهای سه شنبه برده می شوند و نامه هایی که برای بغداد فرستاده می شوند را، در روزهای چهارشنبه می برند. نامه های تهران در روز شنبه دریافت می شوند، نامه های بغداد در روز یکشنبه. هم چنین پستی هم برای هرسین هست که روز چهارشنبه به را می افتد و در روز سه شنبه در هرسین دریافت می شود. پست بغداد به چهار روز نیاز دارد تا مسافت میان کرمانشاه بغداد را بپیماید. پست خانه ی تهران کرمانشاه دارای شش اسب است و پست خانه ی کرمانشاه بغداد دارای تنها دو اسب است. نامه های هرسین را یک قاصد پیاده می برد. در زمستان پست خانه برای اسب هایش به قرار زیر از دولت کاه و جو دریافت می کند:

| شهر | مقدار جو | اندازه | مقدار کاه | اندازه |
|----------|----------|--------|-----------|--------|
| کرمانشاه | ۷,۲۶۰ | من | ۷,۲۶۰ | من |
| کنگاور | ۷,۲۶ | " | ۷۲۶ | " |
| اسدآباد | ۷۲۶ | " | ۷۲۶ | " |

اکنون اداره ی گمرک خانه در دست بلژیکی هاست. یک گمرک خانه در قصر شیرین هست و سربازان به نگهبانی جاده ها می پردازند و از این جلوگیری می کنند که چارپارداران برای پرداختن مالیات گمرک خانه را دور بزنند. گمرک خانه یک دفتر هم در سنه (سندج) کردستان دارد و یکی دیگر نیز در بانه. این سه گمرک خانه را نیز از سوی اداره ی گمرک کرمانشاه مدیریت می شوند. من گزارش کار گمرک خانه را در پاراگرافی خواهم آورد که در پیوند با بازرگانی کرمانشاه خواهد آمد.

بازرگانان بر آن هستند که بهای کالاها بایستی بر پایه ی بهای بازار محاسبه شود. ولی پس از رسیدن به آن چه که می خواستند اکنون می گویند که کالاهایی که در بازار فروخته می شوند، مالیات خود را پرداخته اند و به همین جهت کالاها باید از گمرک خانه مالیات خود را با نرخ بازار بپردازند که مبلغ آن از آن چه برای گمرکی پرداخته می شود کمتر خواهد شد.

حکومت

حکومت کرمانشاه مانند حکومت دیگر شهرهای بزرگ ایران از پست‌های زیر تشکیل گردیده است: (۱) حاکم (۲) نایب حاکم (۳) رییس دفتر یا وزیر مالیات (۴) کارمندان (۵) منشی باشی، (۶) لشکرنویس (ارتش و ستاد)، (۷) رییس اطاق تحقیقات (دادگستری) (۸) رییس تجارت (بازرگانی) (۹) فراش باشی، (۱۰) اردل باشی، (۱۱) کشیک باشی، (۱۲) تفنگ‌دار باشی، (۱۳) گلر آغاسی باشی، (۱۴) صندوق‌دار (۱۵) شاطر باشی، (۱۶) کلانتر، (۱۷) کدخداها و داروغه‌های بازار.

حاکم از سوی حکومت تهران برگزیده می‌شود؛ ولی او می‌تواند معاون یا دستیار خود یا قایم مقام و دیگر مسئولان را برگزیند.

حاکم کنونی علاء الدوله با توان خود توانسته آرامش را در ایالت برقرار کند و برای زیباسازی و پاکیزگی شهر نیز تلاش نموده است. به دستور او همه‌ی بازار را سفید کرده‌اند و همه‌ی کاروانسراها را بازسازی نموده‌اند. هم‌چنین به دستور علاء الدوله ساختمان‌های حکومتی سروسامان داده شده‌اند و خیابان‌ها و بازارهای شهر همگی در شب با چراغ روشن می‌شوند. این چیزی است که نه تنها در شهرهای دیگر ایران قابل تصور نیست، بلکه حتا در خود تهران هم بی‌مانند است. سپاهیان هر روز برای مشق نظام به بیرون آورده می‌شوند. یک مدرسه‌ی کوچک سواره نظام و توپخانه باز شده است که زیر نظر مدرسان کالج تهران آموزش داده می‌شوند. فرزندان طبقه‌ی اشراف وادار شده‌اند که در این مدرسه نام‌نویسی و شرکت کنند. نتیجه‌ی این کار بی‌گمان خوب خواهد بود؛ ولی اگر چنانچه اجازه داده شود تا این حاکم برای چند سال در مقام خود باقی بماند.

³ Accountant. 0

³¹ نام دست‌اندرکاران حکومت کرمانشاه در زمان کنونی عبارتند از: "فراش‌باشی" کسی است که مسئول همه‌ی خدمتکاران است؛ "تفنگ‌دار باشی" کسی است که مسئول حمل تفنگ حاکم است، در هنگامی که حاکم برای شکار یا تیراندازی می‌رود؛ "کشیک‌باشی" رییس محافظان حاکم است و هنگامی که حاکم بیرون می‌رود، کشیک‌باشی در کنارش با اسب می‌راند؛ "گلر آغاسی باشی" کارش این است که مردم شهر را به حاکم تازه معرفی نماید و یا این که همین کار را زمانی انجام می‌دهد که حاکم در ولایت به سفر می‌پردازد و با مردم سرشناس روستاها آشنا می‌گردد؛ "صندوق‌دار" رییس ماموران دریافت مالیات و غیره است؛ "کلانتر" رییس کدخداهاست. می‌توان گفت که کدخداها همانا شهرداران بخش‌های اصلی شهر هستند؛ "داروغه‌ی بازار" مسئول بازارها در شب هستند؛ "شاطر باشی" رییس کسانی است که هنگام بیرون آمدن حاکم، به دنبال اسب او می‌دوند؛ "رییس اطاق تحقیقات"، اداره‌ی دادگستری را در دست دارد و "رییس تجارت" در میدان‌هایی که در پیوند با بازرگانی و اقتصاد هستند به کار می‌پردازند.

³ Secretary and Staff. 2

در زمان نوشتن این کتاب آدم می‌تواند به سفر در همه جای ایالت کرمانشاه در میان عشایر بپردازد، بدون این که ترس داشته باشد که مورد حمله‌ی راهزنان قرار گیرد و یا این که او را لخت کنند. همه‌ی این‌ها نتیجه‌ی ترسی است که نام علاءالدوله در میان عشایری به وجود آورده که همیشه ناآرام هستند.

کارگزار

برای این که در این جا یک سرکنسول ترک وجود دارد، وزارت خارجه از سوی یک کارگزار نمایندگی می‌شود.

کارگزار کنونی میرزا حسن خان نوایی نبیل الدوله است / کارهای گذرنامه در دست کارگزار است. جهت گذرنامه برای بغداد و کربلا مبلغ یک قران دریافت می‌شود و برای رواید به مدت شش ماه مبلغ ۱۲,۶۰ قران دریافت می‌گردد. در این جا گذرنامه برای کشورهای دیگر نیز صادر می‌شود و مبلغ پرداختن از یک قران تا بیست یا سی قران است که بر پایه‌ی گونه‌ی سفر تفاوت می‌کند.

کلیمیان مستقیم زیر حمایت کارگزار هستند و کارهای حقوقی ایشان نیز در دست اوست.

کنسول‌گری ترک

در این جا یک کنسول‌گری ترک هست که به کارهای مرزی می‌پردازد. گفته می‌شود که این کنسول‌گری دارای در آمد هنگفتی از راه کارهای گذرنامه‌ای و از راه عبور جنازه برای دفن در کربلا باشد. در میان این‌ها سال گذشته ۷,۰۰۰ جنازه برای دفن به کربلا برده شده است.

بهای کارهای کنسول‌گری ترک به قرار زیر است:

برای رواید یک تومان؛ برای چارپاردارها ۲,۵ قران در شش ماه؛ برای هر جنازه دو تومان؛ مهر کردن تابوت‌ها یک قران.

جنازه‌ها در کنسول‌گری از سوی یک کارمند نهادشتی بازرسی می‌شود و در صورتی که مسکلی برای حمل جنازه به خانقین و کربلا نباشد، گذرنامه صادر شده و تابوت مهر می‌شود. در خانقین تابوت را دوباره باز می‌کنند و باز مبلغ نیم لیره‌ی ترکی دریافت می‌گردد.

نمایندگی انگلستان

یک نفر نماینده‌ی انگلستان نیز در این جا هست که نامش حاجی عبدالرحیم وکیل الدوله پسر حاجی آقا حسن وکیل الدوله می‌باشد. وکیل الدوله یکی از بزرگ‌ترین مالکان کرمانشاه است. مهمان‌نوازی وکیل الدوله در میان همه‌ی جهانگردان (اروپایی) که از این بخش از ایران گذر می‌کنند زبانزد است.

جمعیت

بسیار مشکل است که شمار درست مردم کرمانشاه را گمان زد. با وجود این، نخست به چشم نمی‌آید که شهر دارای چنین جمعیت بالایی باشد. من تردید ندارم که شهرنشینان را شصت هزار نفر بنویسم و حتی شاید مقداری از این بیشتر باش یا کمتر. باید یادآور شد که کردان چسبیده بهم زندگی می‌کنند و به گونه شگفتی بهم گرد می‌آیند. کردان در خانه‌های گلی خود زندگی می‌کنند که دارای سه اتاق کوچک است و گفته می‌شود که در هیچ کجای ایران تا این اندازه آدم در یک خانه زندگی نمی‌کنند. ناصرالدین شاه آگاهی درستی از این موضوع داشت هنگامی که نوشت: "شهر کرمانشاه دارای هفت هزار خانه است." او هم چنین نوشته: شهرنشینان کرمانشاه آمیخته‌ای از کلهر و زنگنه و شماری گوران و دیگر ایل‌هاست. شهر قریمی و دارای جمعیت خارجی هم هست و شمار همه‌ی شهرنشینان به هفتاد هزار می‌رسد. در بیشتر فصل‌ها جمعیت به جهت آمد و شد زائران بسیار افزایش می‌یابد. "در این جا با وجود این که هر خانه با پنج سرنشین تخمین زده می‌شود، ناصرالدین شاه تا آن جا پیش می‌رود که جمعیت یک خانه در کرمانشاه را ده نفر تخمین می‌زند.

بزرگان

بزرگان کرمانشاه از شاهزادگان قاجار هستند؛ نوادگان محمدعلی میرزا دولتشاه و فرزندان و شماری هم از سران ایل‌های گُرد.

^{۳۳} کرمانشاه شهری است که دارای ۵۰ هزار نفر جمعیت بوده و بر سر راه کاروان میانرودان به ایران است و فاصله‌اش با بغداد ۲۲۰ میل و تا تهران ۳۳۰ میل است. از آن جا که در ایران سرشماری وجود ندارد، آماری که داده شده یک تخمین بیش نیست. در میان مردم بومی هم تنها یک ایده‌ی بسیار ناروشن در این مورد وجود دارد. ایرانیان کرمانشاه بیشتر دوست دارند که شماره‌ی صدهزار را ابراز کنند؛ چرا که این شماره‌ای است که به یاد می‌ماند و تخیلی است. آقای براون که یک گزارش برای بانک شاهی در دو سال پیش نوشته، شمار شهرنشینان را حتی سی هزار آورده است. ولی آقای براون در همه‌ی موردها تخمین‌های بسیار بااحتیاط زده است. وزیر گمرک که در بهترین جایگاه برای رسیدن به یک شماره‌ی درست می‌باشد، شهرنشینان کرمانشاه را ۵۰ هزار تخمین زده است. افزون بر این، یک جمعیت بزرگ زائر نیز هست که هر نیم سال ممکن است به شمار مردم شهر ده در صد بیفزایند.

H. J. Whigham, "Morning Post", July 11, 1902.

نفوذ بزرگان قاجار در کرمانشاه بسیار ناچیز است؛ ولی سران ایل‌های کرد نفوذ خود در شهر و در ایالت را نگهداشته‌اند.

روحانیان

روحانیان اگر چه در زمان دو حاکم پیشین دارای قدرت بودند، در زمان کنونی نفوذ خود را از دست داده‌اند. مهم‌ترین روحانیان و مجتهدان شهر عبارتند از: امام جمعه (میرزا اسداله)، محمدصالح مجتهد فرزند حاجی آقا، آقاهادی مجتهد و پسرش آقا رحیم مجتهد، آقا عبدالقاسم مجتهد، آقاهادی فرزند شیخ عبدالرحیم مجتهد.

بازرگانان

بیشتر بازرگانان کرمانشاه برآستی نمایندگان دوستان خود در همدان و بغداد هستند. در کرمانشاه نزدیک به دویست بازرگان هستند که کارشان بیشتر در پیوند با کالاهای منچستر است که یا یک راست از منچستر و یا از راه بغداد وارد می‌کنند. شکر را از مارسی (فرانسه) وارد می‌کنند. تریاک و جنگ‌افزار و پوست بز و فرش را نیز به بغداد و یا انگلستان صادر می‌کنند.

در این جا نزدیک به بیست کلیمی شهروند عثمانی زندگی می‌کنند که در بخش مهمی از صادرات و واردات دست دارند.

بازرگانان کاشانی از آن شهر تنباکو، کالاهای ابریشمی بومی و کالاهای مسی را وارد می‌کنند که بهای آن‌ها به صد هزار تومان می‌رسد. به جای این‌ها ایشان *prints* و کالاهای خارجی را که از بغداد دریافت می‌کنند، به کاشان می‌فرستند. بازرگانان یزدی از آن شهر حنا و ابریشم به بهای بیست هزار تومان وارد کرده و به همین اندازه کالاهای خارجی به یزد می‌فرستند. بازرگانان اصفهانی *prints* بومی و کالاهای پنبه‌ای مانند قلمکار، *prints* لحاف، عبا و دیگر کالاهای پارچه‌ای، هم‌چنین گز و گیوه از اصفهان وارد می‌کنند. به جای این‌ها کالاهای منچستری آهن، چای، چرم گاو، پشم، گلیم و گز علفی^{۳۴} را به اصفهان صادر می‌کنند و واردات آن‌ها نزدیک به صد هزار تومان است و صادرات آن‌ها نزدیک از این بیشتر می‌باشد. نتیجه‌ی این شده که برات اصفهان همیشه در بازار عرضه می‌گردد.^{۳۵}

بازرگانان همدانی نفته، برنج، پرینت روسی، کالاهای شیشه‌ای و سخت افزار از رشت می‌آورند. صادرات آن‌ها به همدان عبارتند از: خرما از مندلی، مازو، گریس،^{۳۷} روغن، چرم گاو، چای، ادویه، آهن، سرب، کالاهای منچستر و شیشه برای پنجره. صادرات به همدان بیشتر از واردات از آن جاست.

³ The great prickly cupped oak (Quercus valorika) : Haim's Shorter Persian-English Dictionary= Hamzeh'ee

³ Billson Isfahan are always offering in Bazaars.

³ Gall nuts.

شماری بازرگانان همدانی کارشان تنها نمایندگی برای انجام کارهای گمرکی و ارسال جنس به همدان است.

صادرات به سلطان آباد نزدیک به دویست هزار تومان است که برای شکر، چای، ادویه، کالاهای قماش می‌باشد. واردات به مبلغ سی هزار تومان نمی‌رسد و بیشتر شامل فرش، صمغ و تریاک است.

بانک و بانکداری

شماری بانکدار در کرمانشاه وجود دارند که بیشتر کارشان دادن وام در برابر گرو است.

بانک بازرگانی ایران به نام "شرکت امتعه‌ی عمومی" از یک سال گذشته یک نمایندگی در این جا ایجاد کرده است. از ماه مارس ۱۹۰۲ میلادی بانک شاهی ایران هم یک شعبه در کرمانشاه باز نموده است.

صرافان کرمانشاه تنها پول قرض می‌دهند و یا واسطه هستند و نفوذی بر روی بازار ندارند. صرافان سالانه مبلغ ۳۰۰ قران مالیات می‌پردازند.

دین

در شهر کرمانشاه می‌توان به شیعیان، اهل حق، بابی، شماری سنی و جدید الاسلام، کلیمی و مسیحی برخورد نمود.

مسلمانان

بخش بزرگتر شهرنشینان کرمانشاه شیعه هستند که پیش از این پیرو یارسان بودند. حاجی علی خان که حاکم کرمانشاه بود مسجد جمعه را ساخته و از مردم خواست تا در آن به نماز پردازند. بیشتر ایل‌های کوچ‌نشین پیرو یارسان هستند و بسیاری هم شیعه می‌باشند. شماری نیز در نزدیک مرزهای عثمانی سنی هستند.

کلیمیان

هم‌چنان که پیش از این یادآور شد در این جا بیست بازرگان کلیمی کار می‌کنند که همگی اهل بغداد هستند و به گونه‌ای موقت در این جا به سر می‌برند. هم‌چنین کلیمیان ایرانی که در این جا زندگی

³ Grease.

می‌کنند، ۱۵۰ خانه‌وار هستند که شمارشان به ۷۵۰ نفر می‌رسد. کلیمیان ایران بیشتر به خرده‌فروشی و دست‌فروشی سرگرم کار هستند.

مسیحیان

شمار مسیحیان کلدانی که در این شهر اسکان کرده‌اند، به سی نفر می‌رسد. یکی از این کلدانیان وارد کار بازرگانی شده است، ولی دیگران همگی در گیر تولید عرق و شراب هستند که گونه‌هایی بسیار کم کیفیت هستند.

زبان

زبان شهرنشینان کرمانشاه کردی است. گویش شهر بسیار به گویش سنجایی و گویش کلهر نزدیک است. بدبختانه کردها بر این پندار هستند که بکارگیری واژه‌های فارسی هنگام سخن گفتن نشان از بافرهنگی آن‌ها خواهد بود. پیامد چنین آمیختن زبانی چنین خواهد بود که واژه‌های این زبان کردی که زبانی ناشناخته است از میان خواهند رفت.

کارهای انجام شده از سوی اسکار مان از کتابخانه‌ی سلطنتی برلین به زودی خواهد توانست به ما دورنمایی روشن از زبان کردی و گونه‌ها و شاخه‌ها و گویش‌هایش را بدهد.^{۳۸}

فراورده‌های شهر و ایالت کرمانشاه

ایالت کرمانشاه میان ۳۴ درجه در عرض جغرافیایی و ۴۴ درجه طول جغرافیایی جای دارد. (5 to 48 OE)

مرزهایش از سوی باختر و جنوب به ولایت بغداد (قلعه سبزی) و لرستان کوچک یا پشت کوه می‌خورد. سمت شمال و خاور به کردستان و منطقه‌ی حکومتی کنگاور (گردنه‌ی بیدسرخ) می‌خورد. منطقه‌ی حکومتی کنگاور و اسدآباد به تازگی به زیر مدیریت ایالت کرمانشاه در آمده است.

روستا و روستایان

^{۳۸} نک به پیوست ۲.

ایالت کرمانشاه دارای شمار بسیاری روستاست که در بیشتر آن‌ها کردها و لرها زندگی می‌کنند. این ایالت به جهت تولید زیاد غله بسیار پرآوازه شده و هم‌چنین به سبب گله‌ها و رمه‌هایش.

تولید گندم و جو

از آن‌جا که خاک این ایالت پرمایه بوده و در هر فصل از سال نیز آبش فراوان است، بخش بزرگ‌تر این ایالت یا زیر کشت کشاورزی می‌رود و یا چراگاه‌هایی هستند گسترده و پردامنه.

به جهت کوه‌های بی‌شمار که سرچشمه‌های بارانی فراوان هستند، بخشی از زمین‌های کشاورزی به شکل دیم و بدون آبیاری کشت می‌شوند. دیگر زمین‌ها نیز آبی هستند و به سادگی آبیاری می‌شوند و از این‌رو نیاز به سرمایه‌گذاری فراوان نیستند. کاریز در این بخش از ایران بسیار کمیاب است. زمین‌های دیم که یک سال برای کشت غله به کار گرفته می‌شده، سال دیگر بدون کشت گذاشته می‌شود. ولی در مورد زمین‌های آبی چنین است که یک سال در آن غله کشت می‌شود و سال دیگر صیفی‌کاری می‌کنند و در آن هندوانه، خربزه، خیار و غیره کشت می‌گردد.

در گزارش‌های موجود ما می‌خوانیم که تولید اضافه غله در کرمانشاه بسیار بالاست و بهمین جهت بها نیز پایین می‌باشد.

در سال ۱۸۷۵ میلادی کاپیتان ناپیر نوشت: تخمین‌هایی که از سوی چندین آگاه بومی زده شده است، تولید اضافه غله در کرمانشاه ۳۸۰,۰۰۰ (سیصد و هشتاد هزار) خروار (۱۳۹,۳۳۳ تن)^{۳۹} گندم و جو بوده که آماده‌ی فرستاده شدن به بازار پس از برداشت سال گذشته (۱۸۷۵) تا ماه نوامبر گندم خریدار نداشت. گفته می‌شد که بسیاری از مالکان انبارهایش از گندم سال‌های پیش پر بود و ناچار بودند که انبارهای غله پر است از گندم سال جاری است.

و با بهای پایین خرواری هشت قران است.

آن‌ها را برای خوراک گله به کار می‌برند و یا حتا آتش می‌زنند تا جا برای انبار برداشت سال جدید باز شود.^{۴۰}

^{۳۹} ۳۸۰,۰۰۰ خروار برابر است با ۱۱۰,۰۹۳ تن و نه ۱۳۹,۳۳۳ تن. معیار وزن در کرمانشاه من تبریزی است؛ از این‌رو یک خروار برابر است با ۶۴۹ lbs.

^{۴۰} در ایالت کرمانشاه انبار غله به دو گونه انجام می‌گیرد. یک روش از راه کندن گودل‌های بزرگ و پوشاندن کف آن با گاه است. آن‌گاه غله را در میانه‌ی گودال می‌ریزند و روی گودال را با گاه گل می‌پوشانند. هر گودال برای ۶ تا ۹ خروار غله گنجایش دارد و می‌توان برای سال‌های فراوان غله را در آن‌ها نگهداری نمود؛ مگر این که از سوی حشره‌ها

آقای پیس در سال ۱۸۹۹ میلادی نوشت: بزرگ‌ترین صنعت کرمانشاه و همسانگانش همانا کشاورزی است. بیشتر مردم در کار کشت و کار زمین‌های کشاورزی خود سرگرم هستند. گندم و جو همیشه به اندازه‌ی بسیار فراوانی بر داشت می‌شده و به گونه‌ی شگفت‌انگیزی ارزان بوده است. برای نمونه در سال ۱۸۷۵ میلادی گندم به بهای خرواری ۸ قران فروخته می‌شد.^{۴۲}

ولی در سال ۱۸۸۵ میلادی بهای هر خروار بالا رفته و به ۲۶ قران در هر تن رسید.^{۴۳} (11.2s.6d.)

در سال ۱۸۹۷ میلادی هنگامی که من در کرمانشاه بودم بها به ۵۰ قران رسیده بود و حتا هنگامی که با سنجش با هر جای دیگر ایران زمستان سال ۹۸-۱۸۹۷ میلادی سال خشکی بود و پیامدش پایین آمدن کلی برداشت غله بود و سبب کمبود بزرگ غله گردید. چنان که بهای آن با ۱۲۵ قران برای هر خروار بالا رفت. در سال‌های عادی پس از رفع نیاز داخلی جمعیت سیصد و پنجاه هزار نفری خود می‌تواند ۱۸۰ هزار خروار (هشتاد هزار تن)^{۴۴} غله صادر نماید.

آقای اچ. جی. ویگهام در مقاله‌ی خود که به تاریخ ۱۱ جولای ۱۹۰۲ در مجله‌ی Morning Post چنین می‌نویسد: طبیعت به ویژه در چند میدان کرمانشاه را مورد مهر خود قرار داده است. این ایالت در کانون پربارترین و ثروتمندترین سرزمین تولید غله در ایران و حتا شاید در همه‌ی خاورمیانه جای دارد. دلیل ساده‌ای در پشت این فراوانی است: در زمستان‌ها برف و در بهاران باران چنان فراوان می‌باشد که در همه‌ی سال از کمبود آب برای آبیاری جلوگیری می‌نماید. کمبود آب در بیشتر بخش‌های میانرودان و ایران همیشه جلوه گر است. با وجود این خود کوهستان‌ها هیچ دشواری در راه کشاورزی ایجاد نمی‌کند. چرا که بلندی‌های کوه‌ها چنان مناسب با هم به وجود آمده‌اند که در میان آن‌ها دره‌های گسترده‌ای جای گرفته‌اند با دشت‌های خوب و زمین‌های بس پربار و حاصل خیز. هر کجا که طبیعت به این گونه مهربان بوده، آدم‌ها هم دیگر کاری نکرده‌اند تا از آن سود ببرند. راه‌ها و

از میان برود. روش دیگر در کرمانشاه، استفاده از انباری‌هاست. این انباری‌ها گاهی به سبب ورود آب باران به درون آن‌ها خسارت می‌بینند.

^{۴۱} گزارش دیپلماتیک و کنسولی شماره‌ی ۲۲۶۰ اصفهان و حومه ۱۸۹۹-۱۸۹۷ میلادی.

^{۴۲}(About 7s. a ton)

ولی در سال ۱۸۷۵ میلادی یک لیره برابر بود با ۲۷ قران. در نتیجه اگر یک لیره برابر با ۲۷ قران باشد و هر یک خروار بهایش ۸ قران باشد و هر خروار می‌شود ۶۵۰ ال بی اس و ۲,۲۴۰ ال بی اس برابر است با یک تن و یک تن برابر است با 1 l.os. 6d.

^{۴۳} یعنی هر تن از ۲۴,۸ قران به ۲۶ قران رسیده است: همزه‌ای

^{۴۴} ۸۰,۰۰۰ تن. ۱۸۰,۰۰۰ خروار برابر است با ۶۲,۱۰۰ تن و نه ۸۰,۰۰۰ تن. معیار وزن در کرمانشاه من تبریزی است و از این

رو یک خروار برابرست با ۶۴۹ ال بی اس.

جاده‌های ایران هم‌چنان نامناسب هستند و ممکن نیست که تولید فراوان غله‌ی کرمانشاه را به بازارهای تهران از یک سو و یا بازارهای بغداد از سوی دیگر فرستاد. هنگامی که من در کرمانشاه بودم، برداشت غله‌ی آن سال چنان خوب پنداشته می‌شد که گندم برآستی به خرواری ۸ قران فروخته می‌شد و جو به خرواری ۱۰ قران. یک قران هم اکنون برابر است با ۴,۵ D و یک خروار برابر است با ۶۵۰ ال بی اس.^{۴۵} از این رو می‌توان با یک حساب ساده روشن کرد که بهای گندم کمی بیشتر از ۷ D برای CWT بود و جو درست ۹ D برای هر CWT.

این آمارها را نمی‌توان نادر شمرد، در حالی که می‌توان دید که بهای غله به گونه‌ی شگفت‌انگیزی پایین است. از سوی دیگر در همین زمان بهای غله در بغداد که تنها ۲۲۰ میل از کرمانشاه دور است، بیشتر از شش برابر در سنجش با کرمانشاه بوده است. من تفاوت زیادی را حتا در سلطان‌آباد دیدم چرا که در آنجا بهای گندم ۲ S و ۶ D برای هر CWT بود. در تهران بهای غله ۱۲ برابر بهای غله در کرمانشاه بود و گندم به بهای ۱۲ تومان برای هر خروار فروخته می‌شد (9s. a cwt).

فاصله‌ی کرمانشاه تا تهران ۳۳۰ میل است. با وجود این، بهای غله دوازده بار بیشتر است. اگر چنانچه راه آهن بود تا غله را به تهران حمل کند، هزینه‌ی آن ۷ D برای هر CWT می‌شد. این بهای خود کالا در بازار محلی می‌باشد. از این رو می‌توان دریافت که در زمان خشکسالی بزرگ در تهران و هنگامی که ایرانیان ناچار بودند که به بهای بسیار بالا گندم از روسیه بخرند. غله‌های فراوان کردستان روی زمین به هدر می‌رفتند. افزون بر این پدیده‌ی نارساس باور نکردنی، باید یادآوری کرد که صادر کردن دانه‌های خوراکی مورد تحریم قرار گرفت و برای همین کشاورزان کرمانشاه نتوانستند تولید افزون خود را به بغداد بفرستند. هزینه‌ی حمل اگر چه بسیار بالاست، باز هم به نسبت مناسب می‌باشد.

با وجود این که برداشت‌های کشاورزی این ایالت بسیار بالاست، ولی برداشت سال گذشته بویژه بی‌مانند بود؛ به گونه‌ای که اندازه‌ی تولید افزوده بر مصرف داخلی به دو‌یست پنجاه خروار می‌رسید. با وجود این که امید می‌رفت که تولید امسال نیز بالا باشد، ولی بدبختانه چنین نشد و از این رو بهای غله در شهر کرمانشاه از خرواری ۱۰ قران در ۲۰ مارچ ۱۹۰۲ میلادی به ۱۵ و ۱۸ قران در ۲۰ آگوست ۱۹۰۳ که تفاوت بها بستگی به دوری و نزدیکی روستا از شهر کرمانشاه دارد و یا دوری از مرز و یا از جاده‌ی بغداد. تحریمی^{۴۶} که به تازگی تمدید شده، مورد چشم‌پوشی قرار گرفته و دور زده می‌شود و اجازه داده شد تا حاکم کرمانشاه هم تلاش خود را در این راستا به بهترین گونه بکند. در آن چه که امروز می‌گذرد، این تحریم پیامدی خوب از هر گونه که باشد نمی‌تواند داشته باشد؛ چرا که نه می‌توان

^{۴۵} هر ۲,۲۴ ال بی اس یک گرم است: همزه‌ای.

^{۴۶} با وجود این که تحریم وجود دارد، کاروان‌های غله در راه خود به سوی بغداد از مرز می‌گذرند.

غله و دانه‌های خوراکی را به دیگر بخش‌های کشور صادر نمود و نه این که مالکان آماده هستند که کالای خود را پس از کسر کردن هزینه‌ی حمل، به بهایی بفروشند که تنها ۲ تا ۳ قران در خروار برایشان بماند. بهای غله در ارزان‌ترین بهای خود هنگامی است که به تازگی برداشت شده باشد و مالکان و روستاییان هر کدام بخش خود را بر داشته باشند. در این زمان روستاییان ناچارند که سهم خود را هر چه زودتر بفروشند تا بتوانند ذخیره‌ی زمستانی خود را خریداری کنند.

بهای جو به گونه‌ی چشم‌گیری در ماه‌های زمستانی بالا می‌رود؛ بویژه هنگامی که کاروان‌های بزرگ زائران از راه خود به سوی کربلا از این ایالت می‌گذرند.

جدول زیر هزینه‌های صادر کردن غله به بغداد را در زمان کنونی نشان می‌دهد. برای هر خروار (یا صد من):

جدول ص. ۱۸

یا در هنگام نوشتن این کتاب در آگوست ۱۹۰۲ میلادی هزینه‌ی صادر کردن بیشتر از سه برابر بهای خود غله در کرمانشاه است.

گله

کردان کوهستان و ایالت کرمانشاه بخش بزرگی از نیاز گوشت گوسفند بازارهای شهرهای تهران، همدان، قم و بغداد را تامین می‌کند. آن‌ها همه‌ی رمه‌های خود برای فروش به آن سرزمین‌ها می‌برند. به تازگی آن‌ها گرایش بیشتری به فروش گله‌های خود در ترکیه را پیدا کرده‌اند.

کردان به پرورش شمار بزرگی استر، اسب و شتر می‌پردازند. چراگاه‌های کرمانشاه گسترده و علف و گیاه فراوان است. اسب‌های آن‌ها دارای بخش بزرگی از نژاد اسب عربی است و اگر خوب خوراک داده شده باشند، می‌توانند به بهای گرانی در بازار فروخته شود. استرهای آن‌ها نیرومند هستند و برای همین بیشتر چارواداران چارپایان مورد نیاز خود را از این ایالت خریداری می‌کنند.

برای خریدن اسب باید به سراغ کوچ‌نشینان رفت؛ چرا که شمار کمی از اسب‌های آن‌ها برای فروش به شهر کرمانشاه آورده می‌شود. از سوی دیگر به سبب مالیات سنگین که از سوی مسئولان عثمانی گرفته می‌شود، تنها شمار کمی اسب از کرمانشاه به بغداد صادر می‌گردد. از میان روستاها می‌توان استرهایی ار خرید که کمتر از چهار سال سن دارند. پس از این سن، چارواداران استرها را برای باربری می‌برند.

یک استر خوب پرورش یافته، می‌تواند بهایی میان ۵۰ تا ۱۰۰ تومان داشته باشد. در این ایالت به پرورش شمار فراوانی الاغ نیز پرداخته می‌شود.

کم و بیش در همه جای کوهستان‌های این ایالت گله‌های بز و گوسفند به چشم می‌خورند، که از آن‌ها سالانه ۲۵ هزار سر به بغداد، همدان و تهران صادر می‌گردند. در این ایالت پرورش گاو بیشتر از اندازه‌ی مورد نیاز و برای فروش انجام نمی‌گیرد.

پشم

بزرگ‌ترین فراورده‌ی این ایالت پس از گندم، پشم می‌باشد. رمه‌های بزرگ کردها و لرها در تپه‌های سرسبز این ایالت در خال چرا هستند و تا اندازه‌ی فراوانی پشم کم‌رنگ تولید می‌کنند. این پشم می‌تواند با کمی توجه در کار پرورش بهینه‌سازی شود.

این پشم‌ها در صنعت‌های گوناگون مانند فرش‌بافی به کار می‌روند که در آن‌ها تنها زن‌ها به کار سرگرم هستند. آن‌ها هم‌چنین برای درست کردن چادر، خورجین، ریسمان و نخ به کار می‌روند که به بغداد و لرستان صادر می‌گردند. با وجود این، پس از بهره‌گیری از پشم برای نیازهای بومی، باز هم سالانه یک میلیون ال بی اس پشم از راه بغداد صادر می‌گردد. ولی توجه بسیاری برای پاک کردن پشم به کار نمی‌رود و هیچ دستگاه پرسی در این جا پیدا نمی‌شود؛ چه دستگاه دستی و چه هیدرولوژیکی (آبی). برای همین از سوی لنگه‌های بار بسیار پر حجم می‌شوند و از سوی دیگر هم باید همه‌ی صادرات با شتر انجام گیرد.^{۴۷}

با وجود این که گزارش بالا سال‌ها پیش نوشته شده است، ولی چگونگی کار هم‌چنان چون گذشته است؛ جدا از این که اندازه‌ی صدور پشم آن‌گونه که در گزارش اداره‌ی گمرک آمده، همه‌ی آن‌چه که سال گذشته صادر گردید ۴۵۸,۹۸۲ ال بی اس، به بهای نزدیک به پنج هزار لیره بود.

تریاک

تریاک تنها در همسایگی شهر کاشته می‌شود و تولید هم کم است؛ یعنی ۳۰۰ جعبه. حتا در سال ۱۸۸۵ میلادی تولید تریاک تنها ۱۸۰ جعبه بود. دیگر تریاک‌ها از شهرهای بروجرد، نهاوند و همدان نیز می‌آیند: هر جعبه ۲۰ تا ۲۲ من وزن دارد که می‌شود ۱۳۰ تا ۱۴۳ ال بی اس و بهای آن ۲,۸۰۰ تا ۳,۲۰۰ قران می‌شود (۵۶ تا ۶۴۱ لیره).^{۴۸}

⁴ Gazetteer of Persia.

^{۴۸} گزارش از: Preece.

کشت تریاک در صحنه و چندین روستای دیگر انجام می‌گیرد که اندازه‌اش کم است. پس از آوردن تقاضای بومی برای تریاک در شهرها و روستاها، نزدیک به یک صد تا یک صد و پنجاه جعبه یمنز آماده‌ی بازار می‌گردد. بقیه تریاک بازار در نهاوند، بروجرد و همدان و حتا از اصفهان آورده می‌شود. در این جا گنجایش پیشرفت فراوان در کشت تریاک وجود داد، ولی کشاورزان بسیار تنگدست هستند و سرمایه‌ی مورد نیاز برای هزینه‌ی گردآوری تریاک را ندارند. از سوی دیگر بازرگانان با این کشاورزان اطمینان نمی‌کنند تا وام کافی در اختیارشان بگذارند.

یک جعبه تریاک که می‌توان گفت یک لنگه بار است، در دو صندوقچه از جنس روی که هر یک حاوی ۷۰ تکه‌ی تریاک بوده و به وزن ده مثقال می‌باشد.

در سال گذشته صادرات تریاک از راه بغداد ۲۰,۵۰۹ من بود که بهایش نزدیک به ۶۵,۰۰۰ تا ۷۰,۰۰۰ لیره می‌رسید. این تریاک برای بازارهای انگلستان و چین بوده است. بخش مهم‌تر برداشت تریاک به هنگ کنگ فرستاده می‌شود.

صمغ، سفز، کتیرا

کتیرا یا gum tragacanth به اندازه‌ی فراوانی برای صادرات به کار برده می‌شود. پس از این که زمان برداشت غله به پایان رسید، مردم شهر و روستاهای کرمانشاه در همه‌ی ایالت پراکنده شده و به جستجوی صمغ می‌پردازند. همه‌ی آن چه که یافته شده برای دسته و بسته‌بندی به شهر فرستاده شده و از آن جا صادر می‌گردد. بهای دریافتی پاداش بسیار خوبی است و چنین می‌نماید که این شاخه‌ی در حال گسترش است.^{۴۹}

کل صادرات صمغ به بغداد در سال گذشته به ۱۳۶,۹۷۲ من بود که می‌توان گفت که به بهای چهل هزار لیره فروخته شده است.

کتیرای درجه‌ی دوم به بهای منی ۸ تا ۱۲ قران فروخته شد.

گزعلفی

کرمانشاه یک گونه‌ی ویژه گز فرا می‌آورد (تولید می‌کند) که دارای چونی یا کیفیت بالای نیست.

گز گوتی

⁴ Preece, 1899.

گزیگوتی که در این جا در بازار یافت می‌شود، همگی از اصفهان آورده شده‌اند. شماری جعبه گزیگوتی هم در این جا فرآورده می‌شود.

گزی علفی به بهای منی سه و نیم قران فروخته می‌شود که برای کارهای پزشکی از آن‌ها بهره‌گیری می‌شود. کردها به این کالا گرایش داشته و دوست دارند.

دیگر فراورده‌های کرمانشاه عبارتند از: روغن که از کره‌ی پاک شده به دست می‌آید. کیسه‌های بسته‌بندی، چادر سیاه از موی بز و سایه‌ی چوبی و تسبیح سفالی که ایرانی‌ها بسیار دوست دارند.

در کرمانشاه به ساخت نمد هم پرداخته می‌شود و در ازای شمار بالای کارگاه‌های گیوه‌بافی هست.

اگر چه اکنون صنعت فرش‌بافی از میان رفته است، ولی جالب خواهد بود که در این جا گزارش‌هایی را که جهانگردان در این راستا آورده‌اند، در پایین یادآور نمود. پس از آن چند گوشزد نیز در باره‌ی چگونگی این صنعت در زمانه‌ی کنونی انجام می‌گیرد.

"فرش‌های کرمانشاه کالایی هستند که به اندازه‌ی فراوانی به دارایی و ارزش این ایالت می‌افزایند. هیچ کدام نمی‌تواند پر جلوه‌تر و پر بارتر و نرم‌تر و زیباتر از دیگران باشد و یا رنگ‌ها درخشان‌تر و تابان‌تر از دیگران باشد. ولی این‌ها تنها نشانه‌های برتری‌های فرش کرمانشاه نیست؛ چرا که آن‌ها با وجود ارزششان، بهایشان پایین‌تر دارند و بسیار بادوام هستند. فرش‌های کرمانشاه در روستاها و در چادر کوچ‌نشینان از سوی زنان و بچه‌ها بافته می‌شوند. کرمانشاه به جهت فرش‌های بارزش و زیبایش همیشه ستایش می‌شده است؛ ولی امروزه به سختی می‌توان به چنین فرش‌هایی دسترسی پیدا نمود. این صنعت برآستی در این زمان ناشناخته شده است. این در حالی است که روزانه هزاران انگشت درگیر بافتن آن فرش‌های زیبای بودند که نمونه‌ی نامدار هنر دستی ایرانیان است. عامل‌های این فرود اسفناک بازرگانی و هنر فرش کرمانشاه را باید در یغماگری و درنده‌خویی زنجیره‌ی حاکمان این سرزمین یافت و در طاعون و وبا که این سرزمین را در بر گرفت.^{۵۱}"

دو سال پس از انتشار نوشته‌ی بالا در سال ۱۸۸۷ بانو بیشاپ چنین نوشت: کرمانشاه به جهت قالیچه‌ها و فرش‌هایش پرآوازه شده است. در این جا ۲۵ تا ۳۰ گونه فرش وجود دارد که هر یک نام ویژه‌ی خود

^{۵۱} تنها محل اقامت برای ایل‌های کوچ‌نشین چادر سیاه است که از موی بز بافته می‌شود، روپوش‌هایی از موی بز که بر روی تیرک‌هایی کشیده شده و دارای ساختاری جالب است؛ چادر سیاه به چند بخش تقسیم شده که از آن جمله دیوانخانه یا اطاق پذیرایی است، اندرونی و بیرونی برای زنان و مردان، آشپزخانه، اسطبل و کپر برای گاو.

^۵ Gazetteer of Persia, 1885. ^۱

را دارد.⁵ بانو پیشاپ در این نکته گمراه شده است؛ برای این که در هنگام سفر او به کرمانشاه صنعت فرش در این ایالت دیگر وجود نداشته است.

اکنون در کرمانشاه شماری فرش‌های خوب و ظریف بافته می‌شود؛ ولی این ایالت نتوانسته است مانند دیگر بخش‌های کشور پیشرفت نماید و در نتیجه اکنون طرح‌های فرش دیگر بسیار کم شده‌اند و بهمین جهت تنها دو طرح وجود دارد. یکی از طرح‌ها هراتی نام دارد و هم چنین طراح شناخته شده‌ی شال. "چنین نمی‌نماید که مردم کرمانشاه رنگ انیلین را به همان اندازه‌ی کردن مورد بهره‌برداری قرار داده باشند."^{۵۲}

گاهی فرش‌های با ارزشی از سوی زنان گوران بافته می‌شوند. گلیم‌هایی که بسیار ستایش برانگیز هستند در هرسین، کردند و چندجای دیگر بافته می‌شوند. صنعت فرش در زمان کنونی کم و بیش ناپدید شده است. کردها بیشتر دوست دارند که به بافتن گلیم بپردازند. گلیم زودتر بافته می‌شود و آسان‌تر فروخته می‌شوند و کمتر ممکن است از سوی حاکمان و سران ایل از بافندگان به زور گرفته شده و بالا کشیده شوند.

اهمیت بازرگانی کرمانشاه

شهرهای کمی در ایران هستند که در زمان کنونی از دیدگاه بازرگانی مانند کرمانشاه چنین به شکوفایی رسیده باشند. این با وجود فضای سرکوبگرانه‌ای است که از سوی حاکمان به وجود آورده شده و با وجود جاده‌های بد و ناامن این ایالت، کرمانشاه دروازه‌ی ورود همه‌ی کالاهایی بود که از راه بغداد از انگلستان، هند و خلیج فارس به ایران وارد می‌شدند.

از آن‌جا که دیگر نمی‌توان به جاده‌ی لرستان وابسته بود، در عمل این تنها راه برای باختر ایران است. از این راه دیگر بخش‌های کشور، مانند کردستان، همدان و عراق تامین می‌گردند. کرمانشاه امروزه حتا با بازرگانان اروپایی اصفهان نیز به رقابت می‌پردازد.

زمانی بخشی از بازرگانی از تبریز می‌گذشت؛ ولی امروز کالای کمی از آن شهر می‌آید. کالاهای روسی مانند نفتا، کالاهای شیشه‌ای و سخت افزار، چنانچه در بازار فروخته می‌شود، از شهرهای همدان ورشت می‌آیند.^{۵۳}

⁵ Preece, 1899.

2

⁵ Preece, 1899.

3

کرمانشاه اهمیت بازرگانی خود را پس از گشایش کانال سوئز، رفته رفته به دست آورد؛ چرا که کرمانشاه یک شهر مرزی است که بر سر راه بازرگانی بغداد-تهران جای دارد. نارسایی بزرگی که در این مسیر بازرگانی وجود دارد تاخیرهای زود به زودی است که به جهت پایین رفتن سطح آب رودخانه در آخر تابستان میان بصره و بغداد ایجاد می‌شود.^{۴۴} آب رودخانه امسال پایین تر از سال‌های گذشته در این فصل است و کشتی‌هایی که بیشتر از سه و نیم پا آب می‌کشند، نمی‌توانند از آن بگذرند. اکنون مدتی است که کالاها در حال روی هم ریخته شدن در بصره هستند و تاخیرهای فراوان ممکن است از هم‌اکنون تا ماه نوامبر پیش‌بینی گردد.^{۵۵}

بی‌گمان بازرگانی روسیه در حال پیشرفت است. می‌توان دریافت در مورد بسیاری از نیازهای مردم، اگر کالاها روسی نتوانسته‌اند بازارهای کرمانشاه را اشغال کنند، تنها به علت هزینه‌ی حمل آن‌ها از همدان به کرمانشاه بوده که ۴۰ قران برای هر خروار است.

در صورتی که بخواهم بازارهای شمال باختری و مرکزی ایران را برای خود نگاه داریم، بایستی سود ملی انگلستان در این بخش از ایران استوار نگاه داشته شود.

ممکن است گفته شود که شکر از ماری می‌آید و در نتیجه چنانچه زمانی شکر روسیه به کرمانشاه برسد، سود ملی ما نباید به هم بخورد. ولی به یاد داشته باشیم که در صورت گم شدن بازرگانی از راه بغداد به آن معنی خواهد بود که سود کشتیرانی ما کاسته می‌شود.

من نمی‌خواهم به سنجش میان نمودارهای صادرات و واردات این ایالت در سال‌های گوناگون پردازم. من تنها جدول آقای پریس^۶ برای سال ۱۸۹۶ میلادی و متوسط سه سال پس از آن یعنی ۱۸۹۴، (۱۸۹۵، ۱۸۹۶) که گزارش شماره‌ی ۲۲۶۰ در بر می‌گیرد را پیوست می‌کنم. افزون بر آن در آمد واردات و صادرات برای سال‌هایی پیش از ۲۰ مارچ ۱۹۰۱ و ۲۰ مارچ ۱۹۰۲ را می‌آورم که از سوی بارن ودل^۷ به مهربانی در اختیار من قرار گرفت. بارن ودل رییس کل گمرک کرمانشاه می‌باشد.

واردات

^{۵۴} اگرچه تاخیر بصره ناراحت کننده است، ولی یک نارسایی ناجور شمرده نمی‌شود. اگر کالاها هم نتوانستند بدون تاخیر برسند، خود بازرگانان در سفارش کالا دست نگاه می‌دارند تا بازار کرمانشاه دچار لبریزی نشود. شترهای عربستان به جهت گل و لغزندگی جاده‌ها در زمستان نمی‌توانند سفر کنند. تنها به اندازه‌ی کمی شکر در زمستان وارد می‌شود؛ چرا که در این فصل امکان نم‌زدگی بسیار است.

⁵ D, Brown, June, 1901. 5

⁵ Preece. 6

⁵ Baron Wedel. 7

مهم ترین رقم های واردات و صادرات برای سال های یادشده، یعنی ۲۰ مارچ ۱۹۰۱ تا ۲۰ مارچ

۱۹۰۲ عبارتند از: کل واردات به کرمانشاه از راه بغداد در این سال به مبلغ ۴۶,۷۴۹,۹۷۹ قران بود. ارزش برابری ارز در این سال ۵۴ قران برای یک لیره می شده که بر این پایه ارزش کل واردات ۸۶۵,۷۴۰ لیره بوده است.

رقم های اصلی واردات که به مبلغ کل بالا رسیده عبارت هستند از:

جدول ص ۲۲

واردات از انگلستان برای عرضه به کردستان، همدان، سلطان آباد و خرم آباد و همه ی بخش های آنها بوده است. پرینت منچستر و چای از راه کرمانشاه هم چنین به اصفهان و تهران فرستاده می شود، ولی دشوار است که یک رقم ریزینانه از بازرگانی داخلی به دست آورد.

شکر مارسی با توجه به هزینه ی حمل نمی تواند در همدان با شکر روسی برابری کند، ولی به سلطان آباد می رود.

کالاهای اتریشی بیشتر برای استفاده داخلی است.

پوست گاو از بغداد به همدان رفته و در آن جا دباغی شده و در ایران فروخته می شود.

پوست گوسفند بغداد نیز در همدان دباغی می شود و پس از آن از راه رشت و تبریز به روسیه فرستاده می شود.

در جدولی که در پیوست می آید دیده می شود که واردات از انگلستان به مبلغ ۶۸۴,۵۲۲ لیره است و از هند ۴۶,۰۱۳ و از کشور فرانسه ۶۷,۹۵۷ لیره.

صادرات از راه کرمانشاه ۹,۸۶۷,۴۷۷ قران (۱۸۲,۷۳۱ لیره) بود که از آن ۱۲۰,۰۰۰ لیره به انگلستان و هند می رود و ۳۸,۵۷۵ لیره به فرانسه.

مهم ترین رقم صادراتی تریاک است که ۱۳۳,۳۰۸ / ۵ ال بی اس به مبلغ ۳,۵۱۱,۶۸۷ قران (۶۵,۰۳۱ لیره). پس از آن صمغ به مبلغ ۲,۱۲۱,۹۴۸ قران (۳۹,۲۹۵ لیره)، پشم ۲۶۵,۱۷۰ قران (۴,۹۱۰ لیره) که به انگلستان می روند و مبلغ ۸۴۶,۸۲۲ قران (۴,۹۱۰ لیره) برای فرش که تتمه ی این حساب آخری به آمریکا می رود. بخشی از فرش ها از سلطان آباد می آیند؛ آنها در آن جا زیر نظر شرکت تولید ایران بافته می شوند. بقیه یا فرش کهنه هستند و یا فرش های ساروق. بسیاری از فرش های کهنه هستند و با

فرش‌هایی که به بغداد می‌آیند، بافت لرستان، ملایر و بخش‌های نزدیک آن شهر هستند. فرش عادی می‌تواند در بازارهای مصر، سوریه، بغداد و بمبئی به خوبی فرخته شود.

فرانسه کالاهای ابریشمی به ارزش ۲,۰۸۱,۸۵۴ قران (۳۸,۵۵۳ لیره) دریافت می‌دارد.

رقم‌های صادراتی دیگر عبارتند از خشکبار برای بازار بغداد به ارزش ۲۴۸,۲۳۸ قران (۴,۵۹۷ لیره) کار شده و نشده به ارزش ۳۲۴,۲۷۱ قران (۶,۰۰۵ لیره).

خشکبار از همدان، ملایر و عراق می‌آید، ولی توجه کافی به کار بسته‌بندی آن‌ها نمی‌شود.

پنبه‌ی بومی و کالاهای پشمی مانند قلمکار، عبا و غیره است. ابریشم یزد و ابریشم کاشان به بازارهای بغداد فرستاده می‌شوند. اندازه‌ی چشم‌گیری مواد رنگرزی آنیلین^۵ که با کارگیری آن نزدیک بود که صنعت فرش را نابود سازد، تا همین تازگی‌ها از بغداد وارد می‌شد. ولی مسئولان گمرک به یک اقدام جدی دست زدند؛ به گونه‌ای که قاچاق این ماده‌ی رنگرزی را، به یک کار پرهزینه و پردردسر برای دست‌اندرکاران آن (که بیشتر از کلیمیان ایرانی بودند) تبدیل نمود.

روشن است که اگر خط راه آهن بغداد ساخته شود و تا خلیج فارس گسترش یابد، اهمیت کرمانشاه به عنوان دروازه به ایران بسیار افزایش خواهد یافت. هنگامی که دیده شود که دوری بغداد از راه شط العرب و دجله ۵۱۰ میل است؛ در حالی که از هوا^۶ دوری آن شهر تنها ۳۰۰ میل می‌باشد. اکنون هزینه‌ی بار کالا از بصره به بغداد برابر است با هزینه‌ی بار از لندن به بصره. پس می‌توان پنداشت که کشیدن راه آهن به خانقین و خلیج فارس با ارزان شدن هزینه‌ی بار و ترابری، چه نیروی پیشرفت شگفت‌انگیزی را به بازرگانی کرمانشاه خواهد داد. در سال ۱۹۰۰ میلادی هزینه‌های بار کشتی به لندن از یک لیره ۵ اس تا یک لیره ۱۲ اس ۶ دی برای هر تن بود؛ این نرخ که از بصره تا لندن هم‌چنین هزینه‌ی بار کشتی به کشتی در بصره را نیز در برداشت. در حالی که هزینه‌ی بار از رودخانه را که میان بغداد و بصره انجام می‌شد، در بر نداشت و بایستی جداگانه پرداخت می‌شود که مبلغ آن از ۱۰ اس ۸ دی تا یک لیره ۱۹ اس یک دی برای هر تن است. هزینه‌ی بار از لندن و منچستر به بغداد از ۳ لیره ۱۰ اس تا ۴ لیره برای هر تن است که هزینه‌ی بار از بصره تا بغداد را نیز در بر می‌گیرد.^{۶۱}

⁵ Aniline. 8
⁵ Crow flies. 9
⁶ Transshipping. 0

^{۶۱} گزارش کنسولی برای سال ۱۹۰۰ میلادی، شماره‌ی ۲۷۰۷ سری‌های سالانه.

جایگاه استراتژیکی و بازرگانی کرمانشاه، این شهر را دارای اهمیت فراوان می‌سازد. کرمانشاه از شهرهای مهم مانند تبریز، انزلی، تهران و اصفهان کم و بیش به یک اندازه دور است.

کاروان‌هایی که از کرمانشاه به شهرهای دیگر می‌روند، عبارتند از:

جدول ۲۴

دریافت‌های گمرک‌خانه‌ی کرمانشاه

هنگامی که تقاضا بالاست، بها نیز بالا می‌رود. اندازه‌ی آن چه که گمرک کرمانشاه به دست می‌آورد، سالانه بیشتر شده است. در سال ۱۸۸۱ میلادی این گمرک مبلغ ۲۰۰,۰۰۰ قران اجاره‌ی آن بود. برای سالی که پایانش ۲۰ مارچ ۱۸۹۷ میلادی بود، وکیل الدوله مبلغ ۴۸۰,۰۰۰ قران اجاره پرداخت. سال پس از آن که با ۲۰ مارچ ۱۸۹۸ میلادی پایان یافت، کارگزار عبدالخالدهان گمرک‌خانه را به مبلغ ۶۰۰,۰۰۰ اجاره کرد.

آخرین مبلغ پرداخت شده ۶۷۰,۰۰۰ قران بود که از سوی شاهزاده نصرت‌الدیوان، گمرک را برای سالی اجاره کرد که در ۲۰ مارچ ۱۸۹۹ میلادی پایان یافت.

در ۲۱ مارچ ۱۸۹۹ میلادی گمرک کرمانشاه به مدیریت بلژیکی‌ها در آمد. دریافتی آن‌ها در همان سال نخست مبلغ ۹۰۰,۰۰۰ قران بود که در آمد، راهداری را نیز در بر داشت. مالیات گمرکی در آن سال ۲ در صد برای ایرانیان بود و ۵۰ و ۶ در صد برای خارجیان با پوست گوسفند هم در هر حال ۵ در صد بود. صادرات به بغداد برای آن سال ۷,۳۸۵,۵۴۰ قران بود؛ در حالی که واردات به ۲۸,۴۱۶,۷۲۲ قران رسید. صادرات از کرمانشاه به شهرهای داخلی ایران به مبلغ ۱,۰۳۶,۰۷۷ قران رسید. از آن سو واردات از شهرهای ایران به کرمانشاه ۳,۱۷۳,۷۶۵ قران بود. پیامد دریافت سالی که ۲۰ مارچ بود؛ چه مالیات گمرکی برای داخل کشور برداشته شد. گمرک در پایان سال پیش از ۲۰ مارچ ۱۹۰۲ میلادی، ۳,۰۴۱,۸۵۱ قران دریافتی داشت. در این سال مبلغ ۵ در صد یک سان برای بومی و بیگانه در نظر گرفته شد؛ البته به جز برای شهروندان عثمانی که می‌بایستی ۶ در صد برای واردات و ۱۲ در صد برای صادرات می‌پرداختند. در دو سال آخر مبلغ راهداری را در بر داشت و یا مبلغ ۱۱۰ قران (۲۲ شاهی) برای هر چهل من.

هوایی

یک گونه مالیات دیگر هست که هوایی خوانده می‌شود و بر کالاهایی است که به کشور وارد و با از آن خارج می‌شوند. در سال‌های گذشته محوطه‌ی گمرک از آن دولت بود و برای نگاهداری کالا در آنجا کرایه دریافت می‌گردید و دولت مسئول جلوگیری از دزدیده شدن کالاها بود. این محوطه اکنون مدتی است که به بخش خصوصی فروخته شده است و گمرک هم در مورد کالاهایی که در آن محوطه گذاشته شده‌اند، خود را مسئول نمی‌داند. با وجود این، هزینه‌ای هم‌چنین از سوی حاکم پرداخت می‌شود و کسانی نیز به کار گمارده می‌شوند تا از کاروان‌ها نگاهداری کنند. این‌ها برابر هر ۱۲ بار مبلغ یک قران مالیات دریافت می‌کنند.

ارز

ارز رایج در کرمانشاه سکه‌های تازه و به ویژه دوهزاری است؛ سکه‌های یک قرانی اگر سوراخ نشده باشند، سه در صد بیشتر ارزش دارند؛ ولی سکه‌های کهنه یک تا یک و نیم در صد کم‌تر ارزش دارند. سکه‌های مسی هنوز هم رایج هستند و نرخ آن‌ها ۶۱ "پول" برای هر قران است. گفته می‌شود که هنوز به اندازه‌ی ده هزار تومان پول مسی در دست مردم است. سکه‌های نیکل یا ورشو که در سال پیش به مبلغ سه هزار تومان در کرمانشاه به جریان انداخته شد، از سوی دیگر مردم به خوبی پذیرفته شده و در روستاها آن‌ها را به پول مسی برتری می‌دهند. پیش از این که دولت در تهران سازمان سکه‌زنی خود را بنیاد بگذارد، کرمانشاه سازوکار سکه‌زنی خود را داشت. سکه‌هایی که در کرمانشاه زده شدند، بسیار خوب از آب در می‌آمدند.

از مقاله‌های آقای پچان^{۶۲} می‌توان دریافت که در سال ۱۸۶۶ میلادی و یا ۱۲۸۲ هجری، قران‌های کرمانشاه دارای ۴,۹۷ گرین،^{۶۳} تاز کی ۸۸۰ و ارزش ۰/۹۷۱۹ فرانک بود.

از آنجا که سکه‌های کرمانشاه بهتر از دیگر سکه‌های زده شده در ایران بود، در نتیجه در مورد دوم همه‌ی آن‌ها دوباره ضرب خورده‌اند. ولی بیشتر سکه‌ها در این بخش از ایران خراب شده‌اند؛ چرا که کردها آن‌ها را برای جامه‌های زنان و دختران سوراخ می‌کنند.

در کرمانشاه به اندازه‌ی بسیار بالایی جریان سکه وجود دارد و مقدار زیادی هم هر هفته به تهران فرستاده می‌شود. با وجود این، مقدار فراوانی سکه از سوی زائران دست به دست شده و از روستا به روستا می‌رود تا این که در پایان برای خرید پارچه و غیره به شهر آورده می‌شوند.

^{۶۲} Pechan.

^{۶۳} برابر است با ۰/۰۶۴۸ گرم. (همزه‌ای)

نیاز زغال شهر کرمانشاه از سوی لرها تامین می‌شود.

بخش دوم:

ایالت کرمانشاه (بخش‌ها و ایل‌ها)

روستاهای ایالت کرمانشاه مانند دیگر ایالت‌های ایران یا خالصه هستند، یعنی از آن حکومت و یا تیول، یعنی زمین‌های حکومت که مادام‌العمر به کسانی به جای حقوق یا مزد به کسانی داده شده است. یا این که آن‌ها ملکات هستند، یعنی از آن مالکان خصوصی هستند و یا از آن خرده مالکان، یعنی روستاییان مالک تکه‌های کوچک زمین می‌باشند.

برپایه‌ی گزارش رسمی حکومتی مبلغ مالیات دریافتی در سال ۷۲,۰۰۰ تومان است؛ ولی در عمل خیلی بیشتر از این دریافت می‌گردد. همیستاد مالیات بر زمین پایه‌اش بر روشی است که در کتابچه‌ای کهن نهاده شده و هم چنین تخمینی کلی و بررسی انجام گردیده در سی سال پیش، پیامد این روش چنین بوده که بسیاری از روستاهای ثروتمند هیچ مالیاتی نمی‌پرداختند. در حالی که روستاهایی که در حال ویرانی بودند ناگزیر شدند تا مالیات سنگینی بپردازند.

زمین‌داران دارای درآمدهای زیر است:

سهم زمین داران در برداشت زمین های آبی، یک سوم و گاه یک چهارم است؛ در حالی که سهم زمین داران در برداشت زمین های دیم یک پنجم.

زمین داران تنها زمین و آب را می دهند و روستاییان نیروی کار و چارپایان. افزون بر این زمین داران شش در صد از برداشت زمین هایی را دریافت می کنند که از آن خود روستاییان است. این زمین داران هم چنین مبلغی اضافی را می گیرند که اندازه ی آن برپایه ی قرار میان روستاییان و زمین داران دگرگون می گردد.

برخی هزینه هایی که بر پایه ی یک جفت گاو و یا "سرجفت" حساب می شود عبارتند از:

یک تومان و دو یا سه باهیزم یا گاه.

یک من روغن و پنج قران پول یا

یک بره و پنج قران

گاهی مبلغ اضافی به اندازه ی کمی است مانند او قران و یک مرغ یا یک چهارم یک من روغن.

هر گاه زمین داران به ساخت و ساز می پردازند، روستاییان نیز به بیگاری برده می شوند، البته بدون پرداخت مزد.

هنگامی که افزون بر زمین و آب، زمین داران هم چنین بذر و چارپایان را برای کشت در اختیار کشاورزان می گذارند، آنگاه سهم روستاییان تنها یک چهارم برداشت خواهد بود.

برای باغ یک سوم تولید به باغدار یا مالک باغ داده می شود.

بیشتر روستاهای ایالت کرمانشاه از گویشوران کردی و لری هستند. جمعیتی از گویشوران ترکی در سنقر زندگی می کنند و هم چنین در روستای تولی^۴ دژ پای کوه پرو.

ایالت کرمانشاه دارای ۱۹ بلوک یا بخش است که عبارتند از:

کرمانشاه، وسطام، میان دربند یا بیلوار، پشت دربند یا بالا دربند، دینور، کلیایی، صحنه، کنگاور، اسدآباد، هر سین، درو فرمان، چمچمال، ماهیدشت، گوران، ذهاب، ایوان، هلیلان.

⁶ Tavalabi.

آگاهی‌هایی که در پایین آورده می‌شود، از سوی دکتر اسکار مان انجام گرفته که در عین حال در محل به بازمینی آگاهی‌هایی نیز دست زده است که در دسترس من است. دوستان دیگری بوده‌اند که در این راستا به یاری من آمده‌اند؛ ولی دوست ندارند که نامشان در این جا بیاید.

بلوک کرمانشاه

این شهرستانی است که خود شهر کرمانشاه کانون یا مرکز آن است. سرزمینی که میان نیم فرسخ و نزدیک به دو فرسخ از شهر جای گرفته، به نام "بالاده" خوانده می‌شود و زیر نظر یا مدیریت محمودخان قرار دارد که خود رییس انبارهای غله‌ی حکومتی است. گفته می‌شود که "بالاده" دارای ۶۰ روستا و دهکده می‌باشد.

دره‌ی تنگی که در جنوب کرمانشاه و پوشیده از باغ‌های میوه است، "سراب" خوانده می‌شود که بخش شده میان "سراب سعید"، "سراب همته" و "سراب قنبر".

سراب دارای پانصد خانوار است که در حوضه‌ی قضایی شریف خان امین الممالک قرار دارد.

روستاهای حومه‌ی کرمانشاه دارای چراگاه نیستند و گله‌های خود را به چوپانکره^۶ می‌دهند که خانواده‌های چوپان از برخی از ایل‌ها می‌باشند. آن‌ها گله‌ها را به چراگاه‌های هلیلان برای چرا می‌برند و برای کارشان حقوق دریافت می‌کنند.

بلوک وسطام

این یک بخش کوچک در شمال کرمانشاه است که از کاوبنده صالح^۷ تا حاجی آباد و از قره‌سو تا کنشت و کوه پراو را در بر می‌گیرد.

همگی این بخش کم و بیش از آن حاجی عبدالرحیم و کیل الدوله است.

پایروند

این یک ایل کوچک است با پانصد خانه که به پنج شاخه یا تیره بخش شده که با نام کدخداهایشان شناخته می‌شوند: سرتیپ خان، نسور بگ^۸، حسن خان، سلیمان خان و احمدقلی بگ.

⁶ Hemmeteh 5

⁶ Chupankera. 6

شاید از این "چوپان‌کرا"، چوپان‌های کرایه‌ای مراد است. (همزه‌ای)

⁶ Kaubendeh Saleh. 7

⁶ Nassur Bag. 8

ایل پیروند در تابستان‌ها بیشتر در کوهستان پراو هستند و در زمستان به گرمسیر کلهر نزدیک قصرشیرین و قلعه سبزی می‌روند که در آن‌جا ایشان چراگاه اجاره می‌کنند. هم اکنون حاکم آن‌ها ایرج میرزا مفتخرالسلطنه است.

جدول

بلوک میان دربند

این شهرستان از خود شهرستان کرمانشاه آغاز گردیده و تا ایالت کردستان در شهرستان کلیایی و پشت دربند را در بر می‌گیرد.

حاکم این شهرستان محمدخان احمدوند فتح الممالک است و بیشتر مردمان این منطقه احمدوند بهتویی هستند. محال زیر دربند که بخشی از این منطقه می‌باشد، یک دشت است که از آب رازآور آبیاری می‌شود. این دشت دارای ۲۳ یا ۳۰ دهکده می‌باشد که هر دهکده ۱۰ تا ۳۰ خانه را در بر می‌گیرد که یکی از آن‌ها "کاکلیستان" نام دارد. این‌جا ایستگاه میان راهی کاروان‌ها بر سر جاده‌ی سندج (سنه) که فاصله‌ی آن از کرمانشاه ۱۶ میل می‌باشد.

شهرستان "میان دربند" که هم‌چنین "یلوار" خوانده می‌شود.

بلوک پشت دربند

این بلوک هم‌چنین "بالادربند" خوانده می‌شود و در شمال شهر کرمانشاه است.

حاکم "پشت دربند" نصراله خان دیسکرانی است. مردم این‌جا از ایل کلیایی و احمدوند و احمدوند بهتویی از تیره‌های ایل بزرگ همه‌وند هستند که در کشور عثمانی زندگی می‌کنند. (در گویش جافی همد برابر است با احمد).^{۷۱}

⁶ Kaklistan. 9

⁷ Of Diskeran. 0

^{۷۱} تا آن‌جا که من آگاهی دارم این یک اشتباه بسیار گسترده است که هنوز بر سر زبان می‌باشد. گمان می‌رود که ریشه‌ی این اشتباه را در خودنمایی‌های میرزابنویس‌های دوران قاجار باید جستجو نمود که اکنون اداره‌های دولتی نیز آن را برداشته‌اند. نخست این که در گویش جافی و یا دیگر گویش‌های کردی میانه "حمه" را برای "محمد" به کار می‌برند و نه برای "احمد". ایشان حرف "ح" را نیز مانند عرب‌ها باز می‌گویند. این نام "همه‌وند" نمی‌تواند از "احمدوند" گرفته شده باشد. کردهای جنوب این روش و صدا را ندارند؛ در حالی که در فارسی باستان واژه‌ی "هماوند" وجود دارد. نام‌ها را نباید ترجمه کرد و برای همین، نام‌هایی مانند "چغا کبود" برای "چیاکاو" یا "عثمانوند"

گفته می‌شود که این ایل سی سال پیش دست به تاراج سرزمین‌های مرزی عثمانی زده و مندلی را نیز تسخیر نمود.

احمدوند بهتویی چهارصد خانوار هستند که زیر نظر ظهیر الملک زنگنه است. رئیس ایل محمد خان فتح الممالک می‌باشد. آن‌ها صد سوار را می‌توانند در اختیار حکومت بگذارند.

تابستان‌ها در شش فرسخی دهکده‌های خود می‌مانند و به کشت زمین‌های خود می‌پردازند؛ ولی در زمستان به گرمسیر خود در نزدیکی قصر شیرین می‌روند.

مردم احمدوند بهتویی شیعه هستند.

بلوک دینور

حاکم: خدادادخان

این بلوک دارای ۵۰ دهکده است. دارای یک دشت گسترده می‌باشد. بر سر جاده‌ی کرمانشاه به تبریز که با تنگ "مله‌ماس" آغاز می‌گردد و در تنگ دینور پایان می‌یابد.

بیشتر دهکده‌ها از آن اعظم الدوله هستند و شماری نیز از آن منصورالسلطنه.

در گذشته در این بلوک کشتزارهای گسترده‌ی برنج وجود داشته که در سه سال گذشته به سبب خشکسالی از کار افتاده‌اند.

مردم این بلوک بسیار تنگدست نیز می‌باشند و از ایل‌های کلیایی، جلیل‌وند، مافی و نانکلی هستند.

شمار فراوانی کلیمی در این بلوک زندگی می‌کنند، ولی از خانواده‌های کهن ارمنی دیگر حتا یک خانواده یافت نمی‌شود. روستایی به نام "ارمنی جان" نام ایشان را نگاه داشته، ولی روستاییان این روستا نیز همگی مسلمان هستند.

جلیل‌وند

یک ایل کرد است بین دویست تا سیصد خانوار.

برای "سایه‌وند" نمی‌توانند درست باشند. دگرگون کردن و یا برگرداندن نام‌های تاریخی برای آیندگان و پژوهشگران دشواری‌های فراوان ایجاد می‌کند. (همزه‌ای)

جلیل‌وندها یک جا نشین هستند قنبرعلی خان، نوروزعلی خان مجیدالنظام، پیرعلی خان، خدادادخان از سران این ایل هستند که هر یک از این‌ها یا از پسران و یا از بستگان عین علی خان هستند. جلیل‌وندها شیعه هستند.

مافی یا معافی (یعنی معاف از مالیات)

مافی در گذشته یک ایل نیرومند بود که امروزه پراکنده شده است. مافی‌ها، جلیل‌وندها و نانکلی‌ها هنگامی کهدر فزوین مورد ستم قرار می‌گیرند به کرمانشاه می‌آیند و هنگامی که در کرمانشاه بر آن‌ها ستم می‌رود، به فزوین پناه می‌برند.

این ایل‌ها بسیار تنگدست هستند. بسیاری از خانواده‌ها هنگام سرگردانی و آوارگی ناچار شدند که در سرزمین ایل‌های دیگر یکجانشین شوند و از این رو رفته رفته شمار آن‌ها تا این اندازه کوچک شد. در سال ۱۸۸۱ میلادی آقای پلاودن^۷ از شماری از کردان مافی در "قلعه یاور" یاد کرده که بر سر جاده‌ی سنندج در ۲۳ میلی کرمانشاه است. من خودم در باره‌ی ۷۰ خانوار مافی شنیده‌ام که نزدیک ذهاب زندگی می‌کردند. با وجود این دیگر ایلی به این نام در ایالت کرمانشاه زندگی نمی‌کند.

مافی‌ها شیعه هستند.

نانکلی

یک ایل کرد است که در میان دربند و پشت در بند زندگی می‌کنند. گفته می‌شود که شمار آن‌ها به سیصدخانوار می‌رسد و پنجاه سواره نیز در اختیار حکومت می‌گذارند. آن‌ها نیز دی حوضه‌ی ظهیرالملک زنگنه هستند و رئیس آن‌ها پسر او مقتدر السلطان است. نانکلی‌ها یکجانشین هستند و به کشاورزی می‌پردازند. روستاهای آن‌ها در شش فرسخی کرمانشاه جای دارند.

نانکلی‌ها شیعه هستند.

کندوله

با وجود این که کندوله بخشی از دینور است، ولی این روستا در حوضه‌ی حقوقی ظهیرالملک است. کندوله خالصه است؛ یعنی زمین‌هایش از آن حکومت می‌باشد و مالیاتش به جای هزینه اجتماعی گروه‌های سربازی بخشیده می‌شود که کندوله در اختیار حکومت می‌گذارد.

⁷ T. C. Plowden.

کندوله زیستگاه یکی از شاخه‌های ایل زنگنه می‌باشد. در نزدیکی آن نیز بزارود^۳ به چشم می‌خورد که یک قلعه از آن ظهیرالملک بوده و دارای ۵۰ خانه است. بزارود در بلندی ۱,۶۱۱/۲۰ متر از دریا ایستاده است.

روستاهای دینور

| | | | |
|------------------------|---------------|-------------------------|---------------|
| Kerej | کرج | Aliabad | علی‌آباد |
| Cheraghabad | چراغ‌آباد | Kurtawi Sufla | کرتوی سفلی |
| Babakamal | بابا کمال | Kingh | کینغ |
| Shir Khan | شیرخان | Chesmeh Kamar | چشمه کمر |
| Balajub Bala | بالاجوب بالا | Aznow | ازناو |
| Balajub Sufla | بالاجوب سفلی | Chesmeh Begler | چشمه بگلر |
| Zibajub | زیبا جوب | Armenidjan | ارمنی جان |
| Kolajub | کله جوب | Hassanabad | حسن‌آباد بالا |
| Mohammadabad | محمدآباد | Bala | حسن‌آباد سفلی |
| Safir Khani | سفیرخان | Hassanabad Sufla | قبله یک |
| Dowletabad | دولت‌آباد | Kablayek | امین‌آباد |
| Deh Asiab | ده آسیاب | Aminabad | ده خنجان خان |
| Semakestan | سمکستان | Deh Khanjan Khan | طاهرآباد بالا |
| Viraneh | ویرانه | Tahirabad Bala | طاهرآباد سفلی |
| Alisiah | عالی سیاه | Tahirabad Sufla | سید شهاب |
| Kavmishan Bala | گاومیشان بالا | Seyyed Shuhab | خیرآباد |
| Kavmishan Sufla | گاومیشان سفلی | Kheirabad | سالارآباد |
| Shurbulakh | | Salarabad | |

⁷ Bozarud.

| | | | |
|---------------------|--------------------|----------------------|------------|
| Salmanabad | سلمان آباد | Kolajub | کله خوب |
| Chalab | چلب | Azizabad | عزیز آباد |
| Zamani | زمانی | Deh Ali Naghi | ده علی نقی |
| Chubineh | چوبینه | Chemneh | چمه |
| Karakaj | کره کاج (قره کاج؟) | Keitassabad | قیطاس آباد |
| Sultanabad | سلطان آباد | Yengidjeh | ینگجه |
| Noineh | نویینه | Shahmar | شاه مار |
| Herireh | حریره | Jeihunabad | جیحون آباد |
| Rashidabad | رشید آباد | Ahmadabad | احمد آباد |
| Karkessar | کار کسار | Mariam Negar | مریم نگر |
| Kurtawi Bala | کرتوی بالا | Dasteh Gerdeh | دسته گرده |

بلوک کلیایی

کانون شهری آن سنقر است.

حاکم بلوک کلیایی اعظم الدوله فرزند ظهیر الملک زنگنه است. بلوک کلیایی در شمال و خاور کرمانشاه جای دارد و در شمال با ایالت کردستان، در باختر با اسدآباد، در جنوب به دینور و در باختر به پشت دربند هم‌مرز می‌شود. این بلوک در "گرده کانو"^۴ آغاز می‌گردد و دو دره را رد بر می‌گیرد که یکی "گوه رود" که موج‌دار و لخت است؛ افزون بر شماری روستا و دشت بزرگی از کشت‌های غله و ذرت^۵ دره‌ی دیگر همانا دره‌ی "شاجورود" است که شهر سنقر در آن جای دارد که دارای آب فراوان بوده و پوشیده از روستاها و باغ‌های و چنارستان. گفته می‌شود که در این بلوک ۱۵۳ روستا وجود دارد که ۲۰ روستای آن بیشتر از صدخانه دارند. انداره‌ی میانگین روستاها ۳۰ خانوار است.

مردم این بخش به اندازه‌ی فراوانی به کشت و صدور غله می‌پردازند که بیشتر به همدان و سرزمین‌های خشک آن سویس. علف و سوخت در این بلوک فراوان می‌باشد. ایل‌های کوچ‌نشین‌گرد این سرزمین چراگاه‌های گسترده در دست دارند و پرورش شمار بسیاری اسب و استرهای کوچک و پرتوان می‌پردازند.^۶

افزون بر غله هر ساله تا اندازه‌ای هم پنبه کشت می‌شود. بیشتر مردم این بخش کلیایی هستند.

سنقر

شهر کشاورزی در حال شکوفایی که ۲۰۰ خانوار جمعیت دارد. دوری سنقر از شهر کرمانشاه ۵۵ میل بوده و بر سر راه تبریز جای گرفته است. باغ‌های سنقر تا نزدیک "دله خانه"^۷ گسترده شده‌اند. شماری فرش نیز در این جا بافته می‌شود.

کلیایی

یک ایل کرد است که شمارشان به ۴,۰۰۰ خانوار می‌رسد. سران ایشان امین اللشکر و حیدرعلی خان سرتیپ هستند. دارایی ایشان نزدیک به ۱,۰۰۰ دهکده است که از یک سو تا اسدآباد و از سوی دیگر تا کردستان گسترده هستند. این‌ها درون حوضه‌ی قضایی سنقر قرار دارند و در مورد درآمد نیز به آن‌جا پاسخگو هستند.

پلاودن^۸ که در سال ۱۸۸۱ میلادی از کرمانشاه گذشته است، می‌گوید که این ایل در گذشته بسیار ثروتمند بود؛ تا این که در پیامد سودجویی علی قلی میرزا صرام الدوله به تنگدستی دچار گردیدند. این

⁴ Gardakanu 4
⁵ Corn land. 5
⁶ Captain Napier, 1875. 6
⁷ Dalakhana. 7
⁸ T. C. Plowden. 8

مرد پسر امام قلی میرزا عمادالدوله بود که از سوی پدر حاکم کلیایی شد و به تاراج مردم و ستم به ایشان از هر سو دست زد. در زمان‌های گذشته این ایل هنگ سربازان پیاده را در اختیار حکومت می‌گذاشت که به هر دلیلی این امتیاز از آن‌ها گرفته شد.

صوفی‌وند

این ایل با کلیایی در پیوند است. آن‌ها زمانی بر آن بودند که شهروند عثمانی هستند که البته ایران توانست از دید حقوقی این مورد را به سود خود به پایان برساند.

کلیایی‌ها شیعه هستند و به شماری تیره بخش می‌شوند گنخ بت متک سرانشان شناخته می‌شوند. دو تیره که چنین نیستند، یکی "فعله خوری" است که دوپست خانوار دارد و میرمحمدخان و ولی خان سران آن می‌باشند. دومی همان تیره‌ی صوفی‌وند است که ۱۵۰ خانوار دارد. درآمد خالص بلوک کلیایی ۱۷,۰۰۰ تومان در سال ۱۹۰۲ میلادی بود.

بلوک صحنه

این بلوک به دو بخش جداگانه بخش می‌شود.

۱- صحنه و بخش‌های وابسته‌اش که در گذشته خالصه بودند و اکنون به عنوان تیول به وزیر دفتر تهران و فرزندانش داده شده است. کانون شهری آن شهر صحنه است که در صول جغرافیایی "E ۲۴" ۳۳*۴۷ جای داشته و بلندی آن از روی دریا ۴۶/۵۵۹ متر می‌باشد. صحنه یک شهر کوچک ولی در حال پیشرفتی است که دوریش از کرمانشاه ۳۷ میل بوده و بر جاده‌ی همدان- کرمانشاه و میان کنگاور و بیستون جای دارد.

این شهر در پای زنجیره‌ای از تپه‌های صخره‌ای ایستاده که در آن‌ها غارهای باستانی چندی یافت می‌شوند. کاروانسرای که از سوی حاجی نیروان^۹ ساخته شد کم و بیش در حال ویرانی می‌باشد. هنگامی که تیلور و فریر^۸ به دیدن صحنه آمدند، این‌جا در حال شکوفایی بود و ۵۰۰ خانوار شهرنشین داشت. ولی هنگامی که روزاریو پس از خشکسالی بزرگ از این‌جا دیدن نمود، بیشتر از صد خانوار در آن زندگی نمی‌کردند.^{۸۱}

7 Hajji of Nirwan 9
8 Taylor & Ferrier. 0
8 Rozario. 1

خانوارهای چندی از سیدهای آتش بگی از پیروان کردن یارسان نیز در این شهر زندگی می‌کنند. این شهر که دورش را باغ‌های فراوان، گفته می‌شود که هم اینک شمار شهرنشینانش به ۲۰۰ خانوار می‌رسد.

۲- روستاها و دهکده‌هایی که از آن‌ها خدایان خدایانده‌لو هستند. گفته می‌شود که شمار روستاها به ۲۰۳ دهکده می‌رسد. خدایانده‌لوها مسئول گردآوری مالیات از سوی اداره‌ی حسابداری کرمانشاه هستند.^{۸۲} خدایانده‌لو یک ایل کوچک است از ۵۰۰ خانوار که سران آن‌ها عبدالرحمن خان، علی اکبرخان و خلیل خان هستند. سرزمین آن‌ها میان صحنه و دینور جای دارد.

بلوک کنگاور

حاکم: موبد الدیوان، پسر نصر الدیوان، معاون حاکم کرمانشاه.

ای بلوک به اندازه‌ی فراوانی حاصلخیز است و دارای ۳۵ روستا و شماری دهکده می‌باشد.

گفته می‌شود که شهرنشینان کنگاور بیشتر از ایل‌های افشار و خزل هستند. این‌ها ایل‌هایی یکجانشین و شیعه هستند.

این بلوک در مارچ ۱۹۰۲ میلادی به ایالت کرمانشاه داده شده و بهمین جهت برای من ممکن نشد که آگاهی‌هایی کافی در باره‌ی آن گردآوری نمایم.

کنگاور بر سر جاده‌ی کرمانشاه-همدان و در ۵۵ میلی شمال خاوری کرمانشاه جای دارد. شهر بر روی شماری تپه‌های صیعی و ساختگی بنا گردیده و بیشتر از هر چیز به جهت معبدی پرآوازه گردیده که گمان می‌رود که معبد آن‌هایتا باشد.

در کنگاور دفتر تلگراف هست.

در سال ۱۸۷۳ میلادی پس از خشکسالی بزرگ، از ۲,۵۰۰ خانوار، تنها ۱,۰۰۰ خانوار به جا مانده بود. در زمان کنونی شمار شهرنشینان به ۱,۸۰۰ خانوار می‌رسد.

عرض جغرافیایی کنگاور N ۲۴' ۲۹" * ۳۴ است و در ۶,۰۲۰ پایی دریا ایستاده است.

دکتر اسکار مان بلندی شهر از دریا را ۱,۶۴۲/۴۰ متر می‌داند.

⁸ The Kh. are responsible for the revenue direct to the accountant's department of Kerrmanshah.

⁸ Hamlet.

بلوک کنگاور با اسدآباد، کلیایی، نهاوند و خزل هم‌مرز می‌باشد.

کرزن^۴ در آمده این بلوک را چنین گزارش کرده است:

۱۷,۶۷۱ قران نقدی، گندم و جو ۵۲۷ خروار و کاه ۱۵۹ خروار.

هزینه‌ها:

حق الحکومه ۵۰۰ قران، "تخفیفات" ۱۳۶ قران و ۸ خروار غله، "صرف تمیر"^۵ ۲۵ قران، ۷ خروار غله.

بلوک اسدآباد

این بلوک در مارچ ۱۹۰۲ میلادی به ایالت کرمانشاه افزوده شد.

کانون شهری آن اسدآباد است که سعدآباد^۶ نیز خوانده می‌شود و بر سر جاده‌ی کرمانشاه-همدان جا داشته و از آن جا تا همدان ۲۵ میل راه است.

اسدآباد در یک دشت گسترده جا می‌گرفته و دارای ۵۰۰ خانوار شهرنشین دارد. دور تا دور شهر را باغ‌های میوه‌ی بیشماری دیواروار گرفته است. در اسدآباد یک دفتر تلگراف هست.

روستای زاغه بر سر جاده‌ی همدان-اسدآباد ایستاده و از آن بلوک اسدآباد است. از این روستا تا همدان ۱۱ میل راه می‌باشد و دارای شماری کشتزارهای پربار خوب است.

بلوک اسدآباد با همدان، کنگاور، نهاوند و کلیایی هم‌مرز است. از آن جا که روشن نیست که کنگاور و اسدآباد هم‌چنان در ایالت کرمانشاه باقی خواهند ماند و یا نه، من هم تلاش بسیاری برای گردآوری آگاهی‌های بیشتر در باره‌ی این دو ننموده‌ام.

بر پایه‌ی گزارش کورزن^۷ در آمد بلوک اسدآباد عبارت است از ۲۳,۴۳۵ قران پول و ۲,۵۷۲ خروار گندم و جو. هزینه‌های این بلوک ۷۵۰ قران حق الحکومه است، ۴۰۰ قران "تخفیفات" و ۲۶۰ قران صرف تمیر.^۸

^۴ Curzon. 4
^۵ Sarf-i-Tamir. 5
^۶ Saadabad. 6
^۷ Curzon. 7
^۸ Sarf-i-Tamir. 8

بلوک هرسین

کانون شهری: هرسین.

حاکم: شاهرخ میرزا.

بلوک هرسین دارای روستاهای فراوان و شماری ایل کوچ‌نشین است. شهرنشینان هرسین بازماندگان ایل لکی هستند که یکجانشین شده‌اند و امروز دیگر از تیره‌های ایل پیشین هیچ آگاهی در دست نیست. کوچ‌نشینان لک که هنگام تابستان در بلوک خاوه و ایشر در لرستان زندگی می‌کنند، گاهی وارد بلوک هرسین می‌شوند.

ایل‌های لک نامبرده به قرار زیر هستند:

ایل دلفان که ساکن خاوه هستند، کاکاوند که توشمال آن کرم‌اله خان سرتیپ می‌باشد و سرزمین آن‌ها از همه بیشتر به هرسین نزدیک است.

ایتی‌ون یا ایوتی‌وند = توشمال: سرتیپ خان.

مومه‌ون = توشمال: نظرعلی خان و رضا قلی خان.

سلسله ساکن ایشر، حسن‌ون یا حسنه‌ون = توشمال: سید مهدی خان.

یوسف‌ون = توشمال: محمد تقی خان.

کرم‌علی.

فلک دین‌ون.

کولی‌ون = توشمال: مهدی خان.

بیرنه‌ون = رییس: پسر حیدرخان.

این‌ها سرزمینشان از بروجرد تا خرم‌آباد گسترده است و گفته می‌شود دارای ۸,۰۰۰ تفنگ هستند.

طهران امرایی = رییس: نظرعلی خان فتح‌الله‌شکر در طرهان مرزهای ایالت کرمانشاه در نیم فرسخی خاور هرسین کشیده می‌شوند.

یادداشت‌هایی در باره‌ی روستاهای هرسین:

هرسین (بلندی از روی دریا ۱,۶۷۱/۷۵ متر) و شمار خانوارهایش ۵۰۰ است.

هرسین دارای آب فراوان است و باغ‌های میوه‌ی بسیار دارد که میوه‌هایشان به کرمانشاه صادر می‌گردد.

در هرسین گلیم‌های بسیار خوبی بافته می‌شود.

اسحاق‌وند (ایساک‌ون).^{۸۹}

نام این روستا از نام یکی از ایل‌های کهن لک گرفته شده است و دارای چهل خانوار است. این روستا بر جاده‌ی میان هرسین و گره‌بان بوده و سه فرسخ از شهر هرسین دور است.

بیشتر روستاییان از پیروان یارسان هستند.

در میان مردم هرسین تاکنون چنین بوده که در هنگام جوانی به خدمت حکومت در تهران در می‌آیند و برای همین کمتر از سوی حاکمان محلی مورد ستم قرار می‌گیرند؛ چرا که ایشان به آسانی خواهند توانست به مقام‌های بالاتر در تهران شکایت ببرند.

بلوک چمچمال

این بلوک از رود گاماسیاب آبیاری می‌گردد و دارای ۲۵۰ دهکده است. این بلوک در باختر کرمانشاه جای دارد و گستره‌اش از روستای "مازلیان" تا روستای "چهر" است.

کانون این بلوک بیستون است که اقامتگاه میرزا علی خان است که هم حاکم و هم رئیس گاردهای جاده می‌باشد.

زمین‌داران این بلوک از شاهزادگان، روحانیان و بزرگان کرمانشاه هستند؛ ولی بیشتر روستاها از آن وکیل الدوله و ظهیر الملک و اعظم الدوله پسر ظهیر الملک هستند.

ساکنان بیشتر روستاها از ایل‌های زنگنه و زوله می‌باشند.

زوله – یک ایل کوچ نشین با هزار خانوار جمعیت می‌باشد که دارای هشت تیره است که با نام کدخداهایشان شناخته می‌شوند. جایگاه چادر زدن ایل زوله از چمچمال تا اسدآباد می‌باشد. در تابستان

⁸ Issakwan.

9

⁹ Hamlet.

0

به کشت زمین‌های کشاورزی خود می‌پردازند و در زمستان به گرمسیرهای کلهر، سنجابی و ایوانی رفته و به اجاره‌ی چراگاه برای گله‌هایشان پردازند و همان‌جا هم در دوران سرد زمستان اقامت می‌کنند.

ایل زوله پیرو مذهب شیعه است.

در گذشته برای سال‌های فراوانی ایل زوله زیر نظر حاجی عبدالرحیم و کیل الدوله بود؛ ولی به تازگی جای او را جمال‌الدین میرزا محتشم الدوله گرفته است.

بیستون در عرض جغرافیایی $34^{\circ} 23' 4'' N$ و طول جغرافیایی $47^{\circ} 21' 4'' E$ بلندی از روی دریا $1,437/70$ متر، دوری از شهر کرمانشاه ۲۱ میل بر سر جاده‌ی همدان و هم‌چنین بر سر جاده‌ی تبریز. بیستون دارای ۳۰ خانه است و یک کاروانسرای بزرگ. رودخانه‌ی گاماسیاب که قره‌سورا در بر می‌گیرد، از نزدیکی آن می‌گذرد. یک پل آجری خوب هم در بیستون هست که به تازگی از سوی علاء الدوله بازسازی شد.

حاجی‌آباد - نام روستایی است بر سر جاده‌ی کرمانشاه بیستون، در دو فرسخی بیستون. در میدان روستا هم تکه‌هایی بسیاری از ستون‌های باستانی ریخته شده‌اند. هم‌چنین در نزدیک روستا، معدن سنگ‌های سماک یا آذرین وجود دارد.

کورانی - روستایی است در نزدیکی حاجی‌آباد و جمعیت سی خانواری از کورانی‌ها دارد. این‌ها بازمانده‌ی ایلی با همین نام هستند که از سوی کریم‌خان به فارس برده شدند.

بلوک دروفرمان

این بلوک در خاور کرمانشاه جای دارد و دارای ۵۰ روستا و دهکده است. حاکم این بلوک محمود خان رییس انبارهای غله است که در کرمانشاه زندگی می‌کند.

مردم این بلوک مانند هر سینی از بازماندگان ایل‌های لک هستند. آن‌ها پیرو یارسان هستند.

یک ایل یکجانشین کوچک به نام احمدوند هست که گفته می‌شود که از شیراز آمده‌اند. روشن نیست که آیا آن‌ها از شیراز آمده‌اند و یا این که پس از برده شدن آن‌ها به شیراز از سوی کریم‌خان دوباره به سرزمین خود باز گشته‌اند. این‌ها به تلاش‌گری و باهوشی نامور شده‌اند. رییس آن‌ها حاجی خان کلانتر است.

برخی از روستاهای این بلوک:

گره‌بان- که اقامتگاه سید عزیزاله آقابخش، یکی از سران کردان یارسان می‌باشد که از سوی پیروانش جلوه‌ی ذات حق شمرده می‌شود. بیشتر پیروان آن‌ها در مازندران، گیلان و آذربایجان زندگی می‌کنند و هرازگاهی برای زیارت به این جا می‌آیند. روستای گره‌بان دارای ۵۰ خانوار جمعیت است.

چمن اسماعیل- در جاده گره‌بان و در دو فرسخی آن جای دارد. چمن اسماعیل ۲۰ خانوار جمعیت دارد.

باغیله^۹ از زتدی‌های هستند و خود را از بازماندگان کریم خان می‌دانند.

چهر- بلندیش از دریا ۱,۴۲۰/۴۰ متر و اقامتگاه یکی از تیره‌های ایل زنگنه می‌باشد.

درآمد سالانه‌ی بخش دورفرمان از روی دفتر حساب حکومتی

| غله | | | مبلغ | | روستا | |
|-----|----|-------|-------|------|---------------|--------------|
| سیر | من | خروار | دینار | قران | | |
| ۰ | ۳۰ | ۴ | ۵۶۰ | ۵۱ | Angez | انگز |
| ۰ | ۰ | ۱۲ | ۸۹۰ | ۲۵۳ | Hessarsefid | حصار سفید |
| ۰ | ۷۹ | ۷ | ۵۵۰ | ۱۲۵ | Bozgardar | بزگودار |
| ۰ | ۲۵ | ۵ | ۸۰۲ | ۵۹ | Jam-ashuran | جامه شوران |
| ۰ | ۰ | ۱۰ | ۷۱۰ | ۱۳۷ | Dukkaneh | دوکانه |
| ۰ | ۰ | ۵ | ۸۵۶ | ۴۲ | Kumishei Ulia | کومیشای علیا |
| ۱۳ | ۴۷ | ۸ | ۳۴۰ | ۱۳۵ | Siabid Ullia | سیا بید علیا |
| ۰ | ۰ | ۷ | ۰ | ۱۹۰ | Siabid Suffla | سیا بید سفلی |
| ۰ | ۶۹ | ۱۱ | ۸۵۷ | ۳۶۴ | Ammeh | آمه |

⁹ Baghileh.

| | | | | | | |
|-----|-----|-----|------|-----|---------------------|-----------------|
| ۰ | ۶۲ | ۷ | ۹۱۴ | ۳۴۹ | Kumishei Suffla | کومیشای سفلی |
| ۰ | ۷۵ | ۸ | ۷۱۴ | ۱۲۴ | Gakieh | گاکیه |
| ۰ | ۷۵ | ۳ | ۴۱۲ | ۲۱ | Tubreh Riz | توبره ریز |
| ۸ | ۴۱ | ۱۹ | ۷۷۸ | ۳۳۶ | Sar-i-pol-siah | سرپل سیاه |
| ۰ | ۳۰ | ۵ | ۶۴۲ | ۲۲۵ | Sangin-siah | سنگین سیاه |
| ۰ | ۵۰ | ۴ | ۳۰۰ | ۲۷ | Gushburan | گوشبران |
| ۰ | ۰ | ۹ | ۰ | ۷۰ | Siah Gazi | سیاه قاضی |
| ۷ | ۶۶ | ۱ | ۸۴۱ | ۹ | Gavgushan | گاوغوشان |
| ۰ | ۰ | ۱۰ | ۰ | ۱۵۲ | Teppeh Zard | تپه زرد |
| ۰ | ۶۶ | ۲ | ۶۳۱ | ۶۷ | Kanjur | کنجور |
| ۰ | ۵۰ | ۳ | | ... | Gurbaghestan Suffla | غورباغستان سفلی |
| ۰ | ۵۰ | ۷ | ۳۶۳ | ۳۲ | Chega-Arganunshah | چغا ارغنون شاه |
| ۰ | ۰ | ۳ | ۴۴۵ | ۳۵ | Hajjialian | حاجیالیان |
| ۰ | ۷ | ۱۰ | ۰ | ۵۵۰ | Pushtakesh | پوشتکش |
| ۰ | ۵۰ | ۶ | ۴۰ | ۱۰۹ | Shahdeman | شادمان |
| ... | ... | ... | ۰ | ۲۸۰ | Bafalek | بافلک |
| ۰ | ۰ | ۱۰ | ... | ... | Faraman | فرمان |

| | | | | | | |
|----|----|-----|-----|-------|---------------|------------|
| ۰ | ۳۰ | ۱۲ | ۶۶۰ | ۲۸۶ | Baver | باور |
| ۰ | ۰ | ۱۲ | ۲۵۵ | ۲۶۶ | Kaboudeh | کبوده |
| ۱۴ | ۷۱ | ۴ | ۴۶۹ | ۴۷ | Karateppah | قره تپه |
| ۰ | ۸ | ۲ | ۵۴۱ | ۲۴ | Kahrar Suffla | کهرار سفلی |
| ۰ | ۰ | ۱ | ۸۲۴ | ۱۸ | Kolajub | کولاجوب |
| ۰ | ۲۵ | ۱۶ | ۵۰۰ | ۴۰۴ | Chub-daraz | چوب دراز |
| | | | | | | |
| ۳ | ۱۰ | ۲۴۳ | ۸۹۴ | ۴,۸۰۱ | جمع | |

بلوک ماهیدشت

کانون اصلی شان کاروانسرای ماهیدشت می باشد که نخستین منزلگاه از سوی کرمانشاه است.

حاکم: حاجی آقا جان که پاسخگو در مورد درآمد حکومت است.

ماهیدشت روستایی در چهارفرسخی کرمانشاه و در یک دشت با همین نام است. این روستا دارای ۸۰ خانوار جمعیت و دارای یک کاروانسرای شاه عباسی زیبا است. کاروانسرای ماهیدشت به تازگی از سوی علاءالدوله بازسازی شده است.

از این جا بر رودخانهی مریک^۹ یک پل آجری زده شده است. روستای ماهیدشت در زیر نظر کدخدا سلیم می باشد.

دشت ماهیدشت ۱۰ میل پهنا دارد و ۷۰ میل درازا. افزون بر رودخانهی مریک شمار فراوانی کاریز و کانال این دشت را آبیاری می کنند.

⁹ Merik.

در دشت ماهیدشت به عنوان یکی از پربارترین دشت‌های ایران ستایش می‌شود. گفته می‌شود که دو سوم غله‌ی شهر کرمانشاه را ماهیدشت تولید می‌کند. بهای غله‌ی ماهیدشت برای هر خروار چهارقران بیشتر از غله‌ی برداشت شده از دیگر بخش‌های ایالت می‌باشد.

این دشت دارای ۴۰۰ روستا و دهکده است که برای انجام بهتر کارهای مالیاتی به ماهیدشت زنگنه در سمت راست رود مریک و ماهیدشت کلهر در سوی چپ آن بخشبندی شده است.

من لیست در آمد حکومتی ماهیدشت زنگنه را به پیوست می‌آوردم. باید یادآور شد که در این لیست، آبادی‌های کوچک آورده نشده‌اند و آن‌ها در میان روستاهای بزرگ آمده‌اند.

گفته می‌شود که جمعیت دشت ماهیدشت شش هزار خانوار از مردم کلهر، زنگنه و سنجابی هستند. بیشتر این خانوارها در زمستان، روستاهای خود را ترک کرده و به ایل خود در نزدیک مرز می‌پیوندند. آن‌ها گله‌ها و اسب‌های خود و گله و اسب‌های کسانی که در روستا می‌مانند را با خود به گرمسیر می‌برند. گرمسیر سنجابی‌ها در کوهستان‌های شمال دشت ماهیدشت جای دارد. در سوی جنوبی دشت هم گروهی از کلهرها گرمسیر خود را دارند.

زنگنه

یک ایل کرد کرمانشاهی است، با جمعیتی نزدیک به ۲,۵۰۰ خانوار

رییس ایل زنگنه محمدرضاخان ظهیرالملک است که پدر بزرگش مصطفی قلی خان حاکم کرمانشاه پیش از محمدعلی میرزا بود.

ایل زنگنه دارای تیره‌های زیر است:

طایفه‌ی کندوله - رییس حسن خان؛

طایفه‌ی نامیوند - سران: حاجی رستم خان و مهدی خان سلطان؛

طایفه‌ی کرکوکی - رییس علیخان سلطان؛

طایفه‌ی چهری - رییس: محمد تقی خان یاور؛

طایفه‌ی شمشیر چوبی - رییس: محمد حسن ایل‌بگی؛

طایفه‌ی بختیاروند.

کندوله‌ای و چهری در روستای کندوله و در روستای چهر یکجانشین شده‌اند.

دیگر تیره‌های زنگنه، گرمسیرهای خود را در دشت ماهیدشت و تالان دشت^۹ دارند. سردسیر آن‌ها نزدیک شیروان است. به جهت حکومت ملایم و برابر خواهانه‌ی خانواده‌ی ظهیرالملک، آن‌ها توانستند قدرت سیاسی ایل را، برای زمانی پیش از دو سده برای خود نگاه دارند. این یک پدیده‌ی شناخته شده است که مردم زنگنه وابستگی بسیاری به سران ایل خود دارند و آماده هستند چشم بسته از دستور آن‌ها پیروی کنند.

ظهیرالملک به عنوان سرتیپ ایل زنگنه و هم چنین ایل‌های نانکلی، احمدوند بهتویی و عثمانوند، یک هنگ پیاده را فرماندهی می‌کند. هم‌چنین ۱۵۰ سواره نظام همراه هنگ نامبرده که با نام هنگ زنگنه شناخته شده، به گونه‌ی زیر شکل گرفته است:

| شماره‌ی گروهان‌ها | هنگ زنگنه | |
|-------------------|----------------|------------|
| ۲ | Kendouleh | کندوله |
| ۲ | Namivand | نامیوند |
| ۱ | Osmanavand | عثمانوند |
| ۱ | Kerkuki | کرکوکلی |
| ۱ | Shamshir Chubi | شمشیر چوبی |
| ۱ | Chehri | چهری |

سواره نظام به گونه‌ی زیر شکل گرفته‌اند:

نانکلی: ۵۰ سواره؛ احمدوند بهتویی: ۱۰۰ سواره.

بیشتر سرزمین زنگنه ملکيات است، ولی کندولی خالصه می‌باشد.

⁹ Talandasht.

زمین‌های زنگنه در آمدی برای حکومت ندارد؛ چرا که در آمد به دست آمده از این زمین‌ها، هزینه‌ی یک هنگ نظامی می‌شود که ایشان در اختیار دولت می‌گذارند. افزون بر آن ظهیرالملک ناگزیر است سالانه برای تراز کردن هزینه‌ی خود به سوی حکومت کرمانشاه دست دراز کند.

مردم زنگنه شیعه هستند.

عثمان‌وند

یک ایل کوچک لر است، با ۴۰۰ خانوار جمعیت. این ایل زیر نظر ظهیرالملک می‌باشد. این ایل هم صد سرباز در اختیار هنگ او قرار می‌دهد.

سردسیر عثمان‌وند نزدیک روستای عثمان‌وند و در نزدیکی دشت ماهیدشت است. گرمسیر آن‌ها در هلیلان می‌باشد. مردم عثمان‌وند از پیروان یارسان هستند.

سامره

صد سال پیش سیدهای سامره بغداد را ترک نموده و در دشت سامره پناه گرفتند. در زمان کنونی آن‌ها نزدیک به صد خانوار هستند و توانسته‌اند که در سی تا چهل دهکده خود را جایگزین کنند. آن‌ها هم چنین دهکده‌هایی را در دست دارند که شیخ علی خان زنگنه برای خدمت به زائران وقف نموده بود. سیدهای سامره سیعه هستند.

در دشت کرمانشاه هم چنین می‌توان ایل‌های کوچکی را یافت که دارای هیچ گونه اهمیتی نیستند. از این گونه ایل‌ها می‌توان از تیره‌های محمودوند، از ایل جاف فتاح بگی نام برد و یا از تیره‌ی ترکاشوند که دارای صد خانوار است. از این گونه ایل‌ها را هم چنین می‌توان در کوهستان پرو یافت. آن‌ها در زمستان از ایل‌های دیگر چراگاه اجاره می‌کنند و برای دوران سرما، خود نیز در آن‌جا می‌مانند.

شهرزولی^{۹۴} تیره‌ای زیرفرمان زنگنه است و جمعیتی ۲۵ خانواری دارد.

خرماوی^{۹۵} ایل کوچکی است که از لرستان به این‌جا می‌آیند.

زوله زنگنه - تیره‌ی کوچکی است که بخشی از ایل زنگنه می‌باشد. این تیره شماری سرباز را در اختیار یکی از هشت گروهان در هنگ زنگنه می‌گذارد. این گروه شاید دارای پیوند نزدیک با ایل بزرگ

^{۹۴} شهرزوری؟ (همزه‌ای).

^{۹۵} خرم آبادی؟؟؟ (همزه‌ای). Khormavoi^۹

زوله باشد. یعنی همان ایلی که از چمچمال تا اسدآباد چادر می‌زنند. این ایلی با نام زوله‌ی مامو شناخته می‌شود و ایلی نامبرده پیشین به نام زوله‌ی زنگنه خوانده می‌شود.

بختیاروند- یکی از تیره‌های ایلی سنجابی است، ولی پیوند خود با آن ایلی را بریده‌اند. بختیاروندها که خود را به شکل ایلی کوچکی نگاه داشته‌اند و در روستاهای زیر زندگی می‌کنند:

سیه سیه؛ تم تم؛ بردا،^{۹۷} گومیشتر،^{۹۸} که چهل سوار را در اختیار حکومت می‌گذارند و زیر نظر ظهیرالملک هستند. رئیس آن‌ها رضا سلطان می‌باشد.

برخی از بختیاروندها در روستاهای بلوک کرمانشاه یا بالاده اسکان یافته‌اند، مانند سراب لیلوفر،^{۹۹} شاهینی و مانند آن.

این ایلی در مرز ایالتی کرمانشاه، کردستان و نزدیک "میان دربند" نیز یکجانشین شده‌اند.

درآمد ماهیدشت زنگنه برپایه‌ی کتاب‌های حکومتی به قرار زیر است:

درآمد ماهیدشت زنگنه برپایه‌ی دفتر حساب حکومتی

| غله ^{۱۰۰} | | | مبلغ | | Village | روستا |
|--------------------|-----|-------|-------|-------|---------------|-----------|
| سیر | من | خروار | دینار | قران | English: | فارسی |
| ۲۹ | ۹۷ | ۶۶ | ۳۷۴ | ۱,۵۸۴ | Lalaban | لاله بان |
| ۲۰ | ۳۷ | ۱ | ۸۰۲ | ۴۱ | Dar-u-Darafsh | درو درفش |
| ۱۶ | ۸۷ | ۱۵ | ۵۷۰ | ۳۸۵ | Kemajar | کمه جار |
| ... | ... | ... | ۶۴۵ | ۳۴۷ | Kolasawari | کله سواری |
| ۲۷ | ۰ | ۷ | ۵۸ | ۱۰۰ | Zendahar | زندهار |

⁹ Zouleh Mammoo. 6

⁹ Birda. 7

⁹ Gumishtar. 8

^{۹۹} سراب نیلوفر؟؟؟

^{۱۰۰} غله: دو سوم گندم، یک سوم جو.

| | | | | | | |
|----|----|----|-----|-------|--|------------------------------|
| ۲۶ | ۴۹ | ۵ | ۷۳۷ | ۱۳۲ | Aliabad | علی آباد |
| ۲۲ | ۲۳ | ۱۶ | ۳۳۷ | ۳۱۸ | Kezkabri | کزکبری |
| ۰ | ۲۵ | ۶ | ۴۵۰ | ۱۱۲ | Kandumban | کندوم باد |
| ۳۲ | ۱ | ۷۶ | ۲۵ | ۱,۴۸۳ | Rubat(Caravanserai Mahidasht) | رباط |
| ۲۱ | ۱۹ | ۱۵ | ۵۴۴ | ۴۲۲ | Bitgul and Milaka | بیتگول و میلکه |
| ۲۰ | ۹۰ | ۱۷ | ۲۹۰ | ۱۹۹ | Se Chega, Chega Zard and Chega Pahneka | سه چغا چغازرد چغاپهنکه |
| ۰ | ۵۰ | ۷ | ۶۶۶ | ۲۳۴ | Balmani (Samereh Seyyeds) | بلمانی |
| ۲۹ | ۷۷ | ۲ | ۳۴ | ۶۶ | Rahimabad | رحیم آباد |
| ۲۰ | ۳۳ | ۱ | ۴۴۳ | ۲۷ | Hazera | هازرا |
| ۲۰ | ۷۲ | ۱۰ | ۸۶۶ | ۱۹۴ | Zaleka | زالکه |
| ۰ | ۰ | ۴ | ۷۵۰ | ۱۰۴ | Amarat | امارات |
| ۲۰ | ۱۵ | ۰ | ۲۶۹ | ۵ | Haft-Ashian | هفت آشیان |
| ۳۲ | ۲۰ | ۱ | ۶۱۱ | ۳۶ | Elliasi | الیاسی |
| ۳۲ | ۷۴ | ۳ | ۵۷۰ | ۱۰۵ | Namiavan | نامیاوند |
| ۰ | ۷۵ | ۳ | ۴۵۰ | ۱۰۹ | Hajjiabad | حاجی آباد |
| ۱۳ | ۳۳ | ۳ | ۸۶۳ | ۳۵۷ | Dayar | دیار |
| ۰ | ۳۳ | ۱ | ۴۹۴ | ۱۸ | Shurabeh | شورابه |

| | | | | | | |
|------|----|----|-----|-------|-----------------------------|----------------------|
| ۰ | ۵۰ | ۲۶ | ۱۵۳ | ۶۴۳ | Khorremabad and Zarrinchega | خرم آباد و زرین آباد |
| ۰ | ۰ | ۴۰ | ۰ | ۳۹۲ | Masroui Jaff | مسرویی جاف |
| ۰ | ۵۰ | ۷ | ۳۵۵ | ۱۰۲ | Rafikabad | رفیق آباد |
| ۰ | ۰ | ۷ | ۰ | ۱۰۳ | Khorneh | خورنه |
| ۰ | ۰ | ۲ | ۰ | ۵۰ | Bawan | باوان |
| ۰ | ۵۰ | ۲۲ | ۶۶۶ | ۱,۱۱۸ | Surkhachega | سرخه چغا |
| ۳۰ | ۵ | ۱۷ | ۵۱ | ۷۶۲ | Kabud Khani | کبودخانی |
| ۰ | ۲۵ | ۳ | ۹۰۰ | ۷۳ | Sis-Chega | سیس چغا |
| ۰ | ۲۵ | ۳ | ۹۰۰ | ۷۳ | Dowletabad | دولت آباد |
| ۳۶,۵ | ۷۲ | ۰ | ۶۰۷ | ۹۴ | Chalabi | چلبی |
| ۳۳ | ۱ | ۱ | ۶۹۴ | ۱۲۸ | Mir Azizi | میرعزیزی |
| ۰ | ۰ | ۷ | ۴۸ | ۱۰۱ | Chega Balek | چغا بلک |
| ۰ | ۷۵ | ۳ | ۰ | ۷۴ | Kumechei Ullia | کومچای علیا |
| ۰ | ۷۵ | ۳ | ۰ | ۷۴ | Kumechei Suffla | کومچای سفلا |
| ۱۳ | ۸۳ | ۰ | ۸۳۳ | ۲۴ | Yengidjeh | ینگیدجه |
| ۶ | ۶۶ | ۱ | ۹۷ | ۹۳ | Golam Kabud | گلام کبود |

| | | | | | | |
|----|----|----|-----|-----|----------------|-------------------|
| ۰ | ۵۰ | ۲ | ۸۵۱ | ۶۰ | Pushtehrizeh | پشته ریزه |
| ۰ | ۰ | ۵ | ۰ | ۱۴۶ | Bagh Tighun | باغ تیغون |
| ۰ | ۵۰ | ۲ | ۸۹۵ | ۵۸ | Kahrzi | کهرزی |
| ۰ | ۰ | ۵ | ۵۸۰ | ۷۲ | Tutchuk | توتچوک |
| ۰ | ۸۰ | ۱۶ | ۴۹۸ | ۸۶۹ | Dukushkan | دوکوشکان |
| ۰ | ۰ | ۱۰ | ۸۱۲ | ۱۲۷ | Nur | نور |
| ۰ | ۵۰ | ۳ | ۴۶ | ۴۷ | Shurab Karkuki | شوراب کرکوک |
| ۰ | ۰ | ۳ | ۵۳۲ | ۶۹ | Kamera | کمر |
| ۰ | ۰ | ۵ | ۱۰۲ | ۱۶۲ | Kharregab | خرگاب |
| ۰ | ۰ | ۱۰ | ۷۴ | ۴۰۸ | Tahaneh | تهنه |
| ۰ | ۵۰ | ۲ | ۳۸۰ | ۶۴ | Vienjy | وینجی |
| ۱۶ | ۶۶ | ۱۶ | ۴۹۳ | ۲۰۷ | Kolajub | کلاچوب |
| ۰ | ۵۰ | ۲ | ۱۷۶ | ۳۲ | Fazlalihaj | فضالی حاج |
| ۰ | ۵۰ | ۲ | ۹۴۸ | ۴۷ | Seidshakar | سیدشکر |
| ۰ | ۵۰ | ۲ | ۶۴۸ | ۴۹ | Karaouangah | کر آونگاه |
| ۲۶ | ۶۶ | ۶ | ۴۰ | ۴۱ | Sungursaghi | سنگورساغی |
| ۰ | ۰ | ۴ | ۵۲ | ۴۱ | Karibeh | کریبه (غریبه؟) |

| | | | | | | |
|----|----|----|-----|-----|---------------|-------------|
| ۰ | ۰ | ۵ | ۲۰۰ | ۱۲۲ | Jeirunbulakh | جیرون بلاخ |
| ۰ | ۵۰ | ۲ | ۲۶۲ | ۱۵۲ | Kurga Khosroy | کورگا خسروی |
| ۰ | ۵۰ | ۷ | ۰ | ۷۵ | Kargan | کرگان |
| ۰ | ۸۰ | ۱ | ۶۹۸ | ۳۰ | Barafrakh | بارافراخ |
| ۰ | ۰ | ۵ | ۴۴۷ | ۷۰ | Hulamush | هوله موش |
| ۲۰ | ۹۹ | ۲ | ۹۰۳ | ۷۴ | Shahbedagh | شاه بداغ |
| ۰ | ۷۰ | ۰ | ۰ | ۲۰ | Kherssak | خرسک |
| ۱۶ | ۴۳ | ۳ | ۸۱۰ | ۶۱ | Halilan | هلیلان |
| ۰ | ۲۴ | ۲۰ | ۴۰۰ | ۴۹ | Gurrsheban | گورشبان |
| ۰ | ۶۶ | ۲ | ۶۶۵ | ۵۳ | Gandaben | گندابه |

بلوک هارون آباد

کانون شهری این بلوک هارون آباد است که در عرض جغرافیایی $N 36^{\circ} 6' 34''$ و بلندی از روی دریا ۴,۸۰۰ پا. این روستای است که در ۳۶ میلی جنوب باختری کرمانشاه و ۲۰ میلی تا کردند جای دارد.

این روستا بر سر یکی از سر چشمه‌های رود کرخه ایستاده است. شهرنشینان این روستا تنها در هنگام تابستان در آن زندگی می‌کنند.

هارون آباد که از سوی کردها "هارونیه" خواننده می‌شود، دارای ۷۰ خانوار جمعیت است. هارون آباد بر روی ویرانه‌های شهر ساخته شده که گفته می‌شود، به دستور هارون الرشید بنیاد نهاده شده بود.

حاکم این بلوک داودخان ایلخانی شمس الممالک می‌باشد که هم اکنون رییس ایل کلهر هم هست.

همه‌ی "ده نشینان" و "صحرائشینان" در این بلوک همگی کلهر هستند.^{۱۱}

جنوب دشت هارون آباد دشت "راوند" خوانده می‌شود که بیشتر ایل کلهر چراگاه‌های تابستای خود را در آن جا دارند.

کلهر - گفته می‌شود که ایل کلهر به همراه یکجانشینان سرزمینشان جمعیتی دوازده هزار خانواری دارد. ایل کلهر به ۱۵ تیره بخش می‌شود که هر یک دارای رییس یا کدخدای جداگانه می‌باشد. آن‌ها یک هنگ سرباز در اختیار حکومت می‌گذارند که هزینه‌ی نگاهداری آن از مالیات آن‌ها کم می‌شود. کلهر نیرومندترین ایل کرمانشاه است؛ چرا که گفته می‌شود که اگر نیاز باشد و یا برای رسیدن به آرمان خودشان می‌توانند تا چهار هزار جنگجوی سواره را آماده رزم کنند. این چهار هزار جنگجو، گفته می‌شود دارای جنگ‌افزارهایی خواهند بود که از روی مارتینی^۲ و یا پی‌بادی^۳ ساخته شده‌اند.

برای دو سده مهم‌ترین خانواده‌های ایل کلهر، شهبازی، حاجی‌زاده، محمدعلی‌خانی و کاظم‌خانی بودند.

سران ایل همیشه از میان دو خانواده‌ی نخست برگزیده شدند که البته داودخان نخستین استثناء در این راستا بوده است.

کلهرها سردسیر خود را در شش تا دوازده فرسخی شهر کرمانشاه دارند. گرمسیر آن‌ها در شمال شهر عثمانی مندلی است که از زمین‌های همسایه آن شهر آغاز می‌گردد و تا مرزهای قصرشیرین می‌رسد.

زمین‌های کلهر در گرمسیر و سردسرد بسیار پربار هستند و برداشت کشاورزی بالایی دارند و زمین‌های آبی آن‌ها بسیار گسترده است. در میان زمین‌های کلهر یکی هم دشت گیلان می‌باشد که چهار فرسخ در شش فرسخ گسترش داشته و با ۶۰ کانال آبرسانی آبیاری می‌شود. دیگری دشت قلعه شاهین در خاور کوهستان پایکولی، در همین کوهستان تا دکان داود گسترش دارد. این زمین‌ها در آغاز سده‌ی گذشته از سوی سران کلهر خریداری شدند. (قلعه شاهین در سرزمین رییس گُرد در تنگ و درنه جای داشت که در زمان قرارداد ۱۶۳۹ میلادی در هنگام فرمانروایی سلطان مراد چهارم عثمانی و شاه صفی در ایران در ذهاب و سرزمین‌های نزدیک آن حکومت می‌کرد).

^{۱۱} "ده‌نشینان" و "صحرائشینان" هر دو واژه‌هایی هستند که از سوی خود رابینو به کار رفته‌اند. (همزه‌ای)

^۱ Martini. 0 2
^۱ Peabody. 0 3

برخی دیگر از زمین‌های کلهر عبارتند از: دیره، شیان، مندرک، کفرآور، چله، دشت راوند، دشت شاهینی، شوان، کمرزرد و دیگر از این گونه. گفته می‌شود که این ایل دارای ۷۰ روستا و دهکده است که دارایی خاندان‌های حاجی‌زاده و محمد علی خانی هستند.

خاندان محمد علی خانی همه‌ی دارایی خود را به حاجی آقا حسن، نماینده‌ی انگلستان و پدر نماینده‌ی کنونی انگلستان فروختند. نیاکان خاندان حاجی‌زاده و شهبازی همه‌ی دارایی خود را به صورت وقف برای بازماندگان خود درآوردند و بهمین جهت قابل فروش نیستند و از این رو آن‌ها هنوز هم مالک زمین هستند.

کلهرها شیعه هستند.

زمین‌هایی که در دسترس ایل کلهر است "ملکیات" هستند.

هنگ کلهر به گونه‌ی زیر شکل می‌گیرند:

| نام گروهان | شماره‌ی گروهان |
|---------------------------------|----------------|
| خالدی..... | ۱ |
| شیانی..... | ۱ |
| کاظم خانی..... | ۱ |
| هارون آبادی، شاهینی و شوان..... | ۱ |
| کوچیمی و کله جوبی..... | ۱ |
| کله پا..... | ۱ |
| چارزباری..... | ۱ |
| بداغبگی و الوندی..... | ۱ |

هنگ کلهر دارای دسته‌ی موسیقی نیست.

آقای پلاودن^۵ در سال ۱۸۸۱ میلادی داستا جالب زیر را در باره‌ی تاریخ خاندان شهبازی آورده است:

"خاندان شهبازی بر این پندار است که آن‌ها در زمان‌های دور از اصفهان به این‌جا کوچ کرده‌اند. (جنرال مک گرگور^۶ بر این باور است که کلهرها از دوران‌های دور باستان به بخش‌های زاگروس که مشرف به ذهاب است آمده‌اند. محمدعلی خان رییس ایل کلهر چهل سال پیش (یعنی در ۱۸۴۰ میلادی از دنیا رفت و سه پسر به نام‌های محمدحسین، محمدحسن و زین العابدین را از خود به جا گذاشت. نخست پسر بزرگ جانشین پدر شد، ولی پی از چند زمانی کناره گرفت و پسر دوم محمد حسن خان به جای او نشست. ولی پسر سوم زین العابدین با دادن رشوه به سیاست مردان، کار کرد که برادر دوم را برای مدت دو سال در کرمانشاه زندانی کنند و پس از آن او را به تهران بفرستند. برای مدت دو سال و نیم، زین العابدین رییس ایل بود که در این مدت نشان داد که شخصی با اراده، ولی حاکمی سخت‌گیر و مستبد است. او با پسر خود رضاقلی خان درگیر شد و او را بیرون کرد؛ تا به تنهایی زندگی خود را بگذراند. تا این‌که زین العابدین و شماری از نزدیکانش در تنگه‌ی اسماعیل‌بگ، نزدیک هارون‌آباد غافل‌گیر شده و به انتقام کشتن یکی از سران ایل به نام اسدبگ، از پا در آورده شد. این در زمانی رخ داد که عمادالدوله حاکم کرمانشاه بود. او محمدحسن خان را از تهران خواست و او را حاکم ایل کلهر نمود. محمدحسن خان برای سال‌های فراوان در این مسند باقی ماند تا این‌که برادرزاده‌ی او به نام رضاقلیخان که در این زمان بزرگ شده بود، از فرصت جابجایی حکومت در کرمانشاه استفاده نموده و توانست سبب کنار گذاشتن عمویش شده و خودش به جای او بنشیند. این در شش یا هفت سال پیش (یعنی ۱۸۷۴ میلادی) رخ داد. با وجود دگرگونی‌های فراوانی که در حکومت کرمانشاه چند سال گذشته، رضاقلی خان توانست تا بهار امسال (۱۸۸۱ میلادی) به عنوان حاکم کلهر باقی بماند. در این هنگام به جهت شکست سیاست او در برابر احمدوندها، او را از جایگاهش برداشتند و عمویش محمدحسن خان را از تهران خواسته و بار دیگر به جای پیشین خود گذاشتند. محمدحسن خان بار دیگر مقام خود را از دست داده و باز هم رضاقلیخان برادرزاده‌اش به جای او نشست. آن‌گاه در زمان نایت‌الحکومت حسین خان حسام‌الملک، رضاقلیخان به اصفهان فرستاده شد.

در این زمان، یعنی در سال ۱۸۸۵ میلادی، کرمانشاه بخشی از حکومت بزرگ ظل‌السلطان دستور داد تا او را از اصفهان به تهران ببرند و در آن‌جا زندانی کنند؛ تا این‌که او در همان زندان جان سپرد. برادرش محمدعلی خان که همراه او در زندان بود، هنگام مرگ برادر از زندان گریخته و به میان ایل کلهر رفت. کلهرها هم اعلام کردند که هیچ ریسی را به جز او نخواهند پذیرفت. پس آن‌ها فرخ خان را که از سوی حاکم کرمانشاه، رییس ایل شده بود، بیرون کردند و محمدعلی خان که اکنون به نام

^۱ T. C. Plowden. 0

5

^۱ Lieut.-General McGregor. 0

6

محمدعلی خان ایلخانی خوانده می‌شد؛ عنوان حاکم کلهر را به دست آورد. به زودی این جایگاه او نیز از سوی حکومت تهران نیز تایید گردید. محمدعلی خان تا ماه آگوست امسال به ایل خود فرمان می‌راند تا این که داودخان خالدی سهام الممالک را به جای او گذاشتند.

آنچه که من از یک دوست خود در باره‌ی خاندان شهبازی شنیدم چنین است:

"نزدیک ۱۷۳ سال پیش دز یک غروب، کسی به نام منوچهر خان که رییس شماری ز خانوارهای کلهر بود در چادر خود خوابیده بود که از صدای پای استواری بیدار شد. هنگامی که از چادر خود بیرون رفت، در آنجا دوازده نفر ایستاده بودند که از او خواستند تا در آن شب آن‌ها را بپذیرد. منوچهرخان که مرد نیکوکاری بود، چادر خود را به ایشان داد و گوسفندی را برایشان سربرید و به اندازه‌ی توان خود از ایشان پذیرایی نمود. روز دیگر دوازده مسافر برای مهماندار خود و بازماندگان او از خدا طلب خیر و خوشی نمودند. تاکنون کسی گمانی به خود راه نداده در باره‌ی این که، این دوازده مسافر همانا دوازده امام بودند و یا در باره‌ی این که ثروت و دارایی خاندان حاجی‌زاده، همانا به آن غروب باز می‌گردد.

منوچهرخان هفت پسر داشت که همه‌ی آن‌ها به زیارت مکه رفتند و از این رو نوادگانشان حاجی‌زاده نام گرفتند. یکی از این هفت پسر شهبازخان نام گرفت و از این رو خانواده‌اش شهبازی خوانده می‌شود."

در باره‌ی پدر و نیاکان منوچهرخان هیچ آگاهی در دست نیست. کسی که داستان بالا را برای من گفت، نمی‌توانست بگوید که آقای پلاودن^۱ از کجا در باره‌ی آمدن آن‌ها از اصفهان شنیده است.

جدولهای ص. ۴۹ و ۵۰

بلوک گوران

کانون شهری: گهواره.

فرماندار: حسین خان منصور الملک.

بلوک گوران سرزمین ایل گوران است که از یک سو در خاور ده دشت ماهیدشت و از سوی شمال - باختری به هارون نشین خان، نزدیک بانه کشیده شده است. قلعه زنجیر . کوه دالاهو در درون همین

¹ T. C. Plowden.

سرزمین است که در باختر ذهاب پایان می‌یابد. شرف‌یانی‌ها و باجلان‌ها، ایل گوران را از مرز جدا می‌کنند.

رییس کنونی گوران‌ها حسین خان منصور الملک امیر تومان پسر اسداله خان بوده که هم سرتیپ است و هم حاکم ایل و بلوک گوران.

محمودلی خان (خان خانان) میرپنچ پسر منصور الملک، نایب حکومت است. چند سال پیش سلطان‌های ایل به تحریک آقا سید رستم بر علیه منصور الملک قیام نمودند. او برای این که قدرت خود را دوباره به دست بیاورد، مبلغ زیادی هزینه نمود. از آن زمان تا کنون او مقدرار زیادی از دارایی و نفوذ خود در میان ایل را از دست داده است.

جمعیت گوران چهار تا پنج هزار خانوار است که از میان این‌ها ۲۵۰۰ خانوار "ده نشین" یا "بیلاقی"، یعنی یکجانشین هستند و در روستاهای گوران زندگی می‌کنند. بقیه "گرمسیری" یا کوچ نشین هستند و در زمستان با گله‌هایشان به دشت ذهاب می‌روند. سردسیر گوران کوه دالاهو و دامنه‌های دور و نزدیک آن است که ایشان تابستان خود را در آن جا می‌گذرانند.

ایل گوران به شش تیره‌ی اصلی بخش شده است:

(۱) گهواره (۲) بازیانی (۳) نریژی (۴) قلخانی (۵) بی‌بیانی (۶) قلعه زنجیری (Kalleh Zanjiri) و دو تیره کوچک جاف به نام‌های جاف قادر مرید ویسی و جاف طایشه‌ای.

سران ایل گوران شیعه هستند. شش تیره‌ی بالا پیروان یارسان و دو تیره‌ی جاف سنی هستند.

این دو تیره‌ی آخری که در دشت سرقلعه در شمال ذهاب جا گرفته‌اند، جاف هستند؛ ولی از ایل بزرگ جاف سلیمانیه جدا شده‌اند. محمودپاشا رییس ایل بزرگ جاف به تازگی تلاش نموده تا این دو تیره را وادارد تا دوباره به او بپیوندند، و گر نه مورد مجازات شدید قرار خواهند گرفت.

ایل گوران یک هنگ سرباز پیاده در اختیار حکومت می‌گذارد. این هنگ دارده هشت گردان صدنفری است که یک سلطان بر سر آن فرمان می‌راند. این هنگ دارای گروه موسیقی نیست.

جدول زیر نام سلطان‌ها و نام محلی که سربازان (هنگ گوران) از آن جا آمده‌اند، آورده می‌شود:

| | | |
|------------------------|---|---|
| ¹ Baziani. | 0 | 8 |
| ¹ Niriji. | 0 | 9 |
| ¹ Kalkhani. | 1 | 0 |
| ¹ Bibiyani. | 1 | 1 |

| سلطان‌ها | سرزمین |
|---------------------------------------|--------------|
| جهانبخش یاور، فرزند فرامرز سلطان..... | تخت گاه |
| حسین علی خان سلطان..... | گهواره |
| سهراب سلطان فرزند فرج سلطان..... | ایل بازیانی |
| صفرخان سلطان..... | ایل نیریژی |
| جمشید سلطان..... | قلعه زنجیر |
| شیرخان سلطان..... | |
| شکراله سلطان..... | ایل بی بیانی |
| علی بگ سلطان..... | جاف‌های پلان |

بازیانی‌ها، هم‌چنین نگهبانان شخصی ریس گوران را در اختیار او می‌گذارند که با نام تفنگچی‌های شناخته می‌شوند. آن‌ها در سرزمین کوهستانی شمال گهواره زندگی می‌کنند. گفته می‌شود آن‌ها گاه به گاه صد نفر سواره را در اختیار حکومت قرار می‌دهند. هم‌چنین گفته می‌شود که آن‌ها توان آن را دارند که در صورت نیاز تا ۴۰۰ یا ۵۰۰ سواره را با تفنگ‌های پی‌ول-مارتینی به میدان بیاورد.^{۱۲} با وجود این، من تاکنون نتوانسته‌ام آگاهی‌های ریزینه‌ای را در این باره به دست بیاورم.

بخشی از درآمد گوران که از سوی سران آن‌ها برای پرداختن هزینه‌های هنگ گوران نگاه داشته می‌شود.

در سال ۱۸۳۴ میلادی هنگامی که افسران انگلیسی به ارتش ایران پیوستند سرهبری راولینسون هنگ گوران را بنیاد نهاد.

گوران‌ها دارای شمار فراوانی گوسفند، بز و گاو هستند؛ ولی شمار اسب و مادیان آن‌ها بسیار نیست. زمین‌های آن‌ها ملکات است.

¹ Peabody -Martini

هنری راولینسون در باره‌ی این ایل چنین می‌نویسد:

"به تارگی پس از زمان سلطان مراد، ایل کلهر که از درتنگ و درنه بیرون رانده شده بودند، نام 'گوران' را برا به خود دادند؛ نامی که در گذشته در برابر کوچ نشینان برای کشاورزان گُرد به کار برده می‌شد. و این گوران در همان زمان به سه تیره‌ی قلعه‌زنجیری، کرندی و بیونج بخش شده بود که این تیره‌ها نیز نام‌شان را از محل زندگی خود گرفته بودند. گفته می‌شود که بدون توجه به حکومت کرمانشاه، آن‌ها باجلان‌ها را در نزدیکی سال ۱۷۰۰ میلادی از درنه بیرون انداخته و آن‌ها را واداشتند تا به زندگی در دشت‌ها پردازند. مدتی پس از آن پاشای باجلان شهر ذهاب را بنیاد نهاد."

از پژوهش‌های ریزیان‌های دکتر مان چنین بر می‌آید که در دوران‌های کهن مردمی یکجانشین در این بلوک زندگی می‌کردند که زبان‌شان گونه‌ای تاجیکی از سرزمین‌های درونی ایران بوده است. این مردم تاجیک زبان از سوی کلهرها و زنگنه‌ها از میدان بدر شدند و ایل جدیدی به نام گوران به وجود آمد. خانواده‌های یکجانشین گوران زبان خود را نگاه داشته‌اند؛ در حالی که کوچ‌نشینان به گویش‌های کردی کلهر و زنگنه سخن می‌گویند.

یادداشت‌هایی در باره‌ی روستاهای بلوک گوران:

گهواره روستایی اصلی در سرزمین گوران است. این روستا در آن سوی کوهستان قلعه قاضی^{۱۳} در شمال خاوری کرند و در ۴۰ میلی باختر کرمانشاه جای دارد. جمعیت آن نزدیک به ۳۰۰ خانوار است و باغ‌های سیب آن ستایش برانگیز بوده‌اند. ولی بدبختانه درخت‌هایشان را کرم‌های صدپا ویران کردند. اکنون کشاورزان تنباکو می‌کارند که بخش بزرگی از آن به کرمانشاه صادر می‌شود. گلیم‌های خشنی هم به دست زنان و بچه‌ها بافته می‌شوند که تنها از سوی کوچ‌نشینان به کار می‌روند. گفته می‌شود که زنان گوران در گذشته بهترین فرش‌های ایالت را می‌بافتند؛ ولی امروز به ندرت چیزی بافته می‌شود.

بلندی گهواره از روی دریا ۱۰/۱۵۰۷ متر است.

چیابر یا چیغه‌بر^{۱۴} در نزدیک مله‌ی امیرخان در نزدیک جاده‌ی ماهیدشت است که به سرزمین گوران می‌رود.

¹ Kala Kazi. 1
¹ Chiabur or Chigabur 1

3
4

توشامی - روستای آقا سید رستم از سران کردان یارسان است و در ۱/۵ فرسخی گهواره میان آن جا و گهواره جای دارد. این روستا نزدیک "زمکان" رود است که از سرتنگ بیونج سرچشمه می گیرد که در یک فرسخی توشامی و میان این روستا و بیونج جای دارد. بلندی توشامی از روی دریا ۱,۶۳۳/۲۵ متر است.

قلعه زنجیری - دومین کانون شهری ایل گوران است و در شمال خاوری دالاهو جای دارد.

بلوک کرد

کانون شهری: کرد.

حاکم: نعمت اله خان صرام الملک، پسر ملک نیازخان و برادر زاده‌ی علی مرادخان احتشام الممالک.

بلوک کرد دارای بخش‌های زیر است:

(۱) دشت کرد که در آن شهر کرد و روستاهای بسیار مانند حریر و خسروآباد جای گرفته‌اند.

کرد در عرض جغرافیایی $34^{\circ} 16' 49'' N$ و طول جغرافیایی $46^{\circ} 14' E$ جای دارد. بلندی از روی دریا ۵,۵۰۰ پا (به نوشته‌ی ژرار^{۱۶} در ۵۶ میلی باختر کرمانشاه، بر سر جاده‌ی کرمانشاه بغداد است.

به توصیف فریزر^{۱۷} کرد به جای این که خوش نما باشد، به شکل شگفتی در دهانه‌ی یک دره‌ی تنگ میا دو تپه‌ی نارسا خوابیده است. با وجود کوچکی خانه‌هایش، شسته و رفته و پاکیزه و به شکل تراس‌هایی بر روی سرایشی تنگ ساخته شده‌اند، در حالی که صخره‌های برهنه و پاره شده به ناگهان از بالای آن‌ها سر بلند کرده‌اند. باغ‌های پر بار که تا گردنه و در کناره‌ی پایه‌ی کوه گسترش یافته‌اند و میوه‌های گوناگونی را تولید می‌کنند که در میان آن‌ها می‌توان انگور بی‌دانه‌ی پرآوازه‌ی عسکری را نام برد که کرد به جهت آن شناخته شده است. درختان بید و سپیدار در کناره‌ی رودخانه‌ای که کرد را به دو نیم بخش نموده است، با اندازه‌ی بسیار بزرگ می‌شوند. رودخانه آن‌گاه به کانال‌های کوچک‌تری تبدیل می‌شوند که آب باغ‌های درون دشت را تامین می‌کنند. شمار فراوانی چشمه که از دشت بیرون زده‌اند که سه میل پهنایش است. (ص. ۵۳) این چشمه‌ها

| | | |
|----------------------------|---|---|
| ¹ Zimkan River. | 1 | 5 |
| ¹ Gerard | 1 | 6 |
| ¹ Fraser. | 1 | 7 |

آبشان به چشمه‌های بی‌شمار کوهستان افزوده می‌شود که با هم آب‌کند را به وجود می‌آورند تا شاخه‌ی شمال باختری رودخانه‌ی کرخه را ایجاد نماید.^{۱۸}

کرنند دارای ۱,۲۰۰ خانوار جمعیت است. مردم از راه کشاورزی زندگی می‌کنند و از یک مقدار بازرگانی که وابسته به رفت و آمد دایم زائران است. مردم کرنند به بافت گلیم‌های زیبا می‌پردازند. ساخت کارد و چنگال، ابزارهای فلزی و ساخت تفنگ و جنگ افزار از کارهای اصلی این شهر می‌باشد. یک گونه‌ی زمخت از جنگ‌افزارهای پی‌بادی مارتینی^{۱۸} و هنری مارتینی^{۱۹} در این جا ساخته می‌شود که از سوی کوچ‌نشینان خریداری می‌گردند. فشنگ برای این جنگ‌افزارها در این جا ساخته نمی‌شود. فشنگ‌هایی که یا از بغداد وارد می‌شود و یا از سوی قاچاقچی آورده می‌شود، با دست چندین بار پر شده و تا کامل از کار نیفتاده باشند باز و هم‌باز به کار برده می‌شوند. مردم کرنند از گردان یارسان هستند.

(۲) دشت بیونج دارای ۱۴ روستا هستند.

روستای اصلی آن شیخان است که بلندی آن از روی دریا ۱,۶۴۸/۲۰ متر است.

حاکم آن ظاهر خان است که یک مالک ثروتمند است و همه‌ی زمین‌های میان ریجاب، یاران و زرده دارایی تو هستند.

روستاهای دیگر:

ولایی نزدیک بانه‌بان که میان توشامی و بیونج جای دارد، چيامیرگه، سرتنگ، ده جامی، ده لطفه (لطفه نام کدخدای آن‌جاست)، ده اجاق گلی (اجاق گلی نام کدخدای آن‌جاست)، کنهر، نیامه،^{۲۱} مملی، بیره‌شاهی، قرچی‌باشی،^{۲۲} آسیاب تنوره. همه با هم نزدیک به ۴۰۰ خانوار یا خانه هستند. مالیات بلوک بیونج برای هزینه‌ی دو گردان از هنگ سربازان کرنند به کار می‌رود.

(۳) روستاهای کوهستانی مانند ریجاب (ریزآب)، به بلندی ۱,۱۵۱/۵۰ متر از روی دریا، ۱۵۰ خانوار، باغ‌های فراوان، مالیت ۴۵۰ تومان.

روستاهای گردنه طاق گرا: (گرا نام یکی از افسران خسرو پرویز بوده است).

پاتاق (پای تاق گرا) غرض جغرافیایی N. ۳۹' ۱۲' ۴۶*، جمعیت ۲۰ خانوار.

| | | |
|---------------------|---|---|
| 1 Peabody- Martini. | 1 | 8 |
| 1 Henry- Martini. | 1 | 9 |
| 1 Kanahar. | 2 | 0 |
| 1 Biameh. | 2 | 1 |
| 1 Birreshahi. | 2 | 2 |
| 1 Kurchibashi. | 2 | 3 |

بیشتر زائران در همین جا پیاده می‌شوند تا مجبور نباشند در روستای میان طاق نگهدارند. مردم این روستا به زیاده‌ستانی و بهای بیش از اندازه از مسافران برای غذا و علوفه شهرت دارند. میان طاق (یعنی در میانه گردنه تاق‌گرا) که کردها به آن سرخه‌دیزه می‌گویند، دارای ۸۰ خانوار است. در این‌جا یک کاروانسرای بزرگ وجود دارد که نیاز به بازسازی دارد. روستاییان همان‌گونه که آمد نسبت به زائران گران‌فروشی می‌کنند. علاءالدوله دستور داد تا دو سه تن از این روستاییان را به جهت آزار زائران به دار بیاویزند.

تدارک آذوقه بسیار کمیاب است و باید از دور آورده شود. سرمل (سرمله یعنی بالای گردنه) که نام دیگرش "تور" است و دارای چهل خانوار می‌باشد.

در باره‌ی جاده از این نقطه سرهنری راولینسون می‌نویسد:

تاق‌گرا بر سر جاده‌ی ذهاب به کرمانشاه ایستاده است. رد سرپایینی از سوی شمال باختری از ۲/۵ میل از خان سرپل ذهاب آغاز می‌گردد، با جاده‌ای زمخت که بسیار توان فرساست که به صورت زیگ‌زاگ ساخته شد؛ توده‌های شل صخره‌های افتاده و تخته سنگ‌های بزرگ مانند یک نقش از تکه‌های سترگ سنگ.

بلندی این جاده از روی دریا شاید ۲ درجه است و در سرابالایی دشوارترین بخش گردنه که درست یک ساعت راه از دشت بشیوه است. در نیمه‌ی راه به بالای گردنه یک تاق پرارزش از مرمر سفید که به جهت آن نام تاق‌گرا آمده است. بی‌گمان این تاق از آن دوران بسیار کهن است، ولی نه دارای سنگ نبشته است و نه هیچ نقشی دارد.

پس از دور شدن از پیچ‌های تیز که جاده به سوی بالای گردنه می‌رود، وارد یک دهانه‌ی تنگ می‌شود که بلندی‌های زاگرس را از قله‌ی بلند سلسله‌ی بندنوح جدا می‌سازد. این سلسله در باختری‌ترین کوه‌های ایران است که سد سترگی را ایجاد می‌کند؛ از یک سو میان دشت‌های آشور، در خاور دجله که اکنون عراق عربی خوانده می‌شود و از سوی دیگر بخش‌های کوهستانی ایران.

جاده به سوی بالا ادامه پیدا می‌کند، از درون یک دره‌ی تنگ در راستای ۱۳۰ درجه‌ای، تا این‌که به روستای خان سرخه‌دیزه می‌رسد. از آن‌جا از یک جاده‌ی زمخت می‌گذرد، جاده‌ای که چنان تنگ است که گاهی کاروان ناچار می‌شود تا صورت تک نفره بگذارند. در این‌جا مدت دو ساعت می‌انجامد تا به خرابه‌های قلعه‌ی سرمل که در دوران کهن تور^{۱۲۵} خوانده می‌شد

¹ Tur.
¹ Tur.

2
2

4
5

می‌رسد. از سرخه‌دیزه تا این محل به نسبت کلی ۱۳۵ درجه است. از آنجا تا کرند از میان یک دشت می‌گذرد.

به تازگی جاده‌ی میان پاتاق تا میان تاق از سوی یکی از زائران به صورت وقف ساخته شد.

۴) دشت بشیوه شمال سرپل میان آنجا و پاتاق.

این دشت قشلاق شماری از کوچ‌نشینان ایل کرند است و شش فرسخ از ییلاق‌های آن‌ها دورتر است.

این دشت دارای شمار فراوانی روستا و کشتزارهای رنج است.

کرندی- یک ایل کرد است که بیشتر یکجانشین بوده و در دشت کرند زندگی می‌کنند.

گفته می‌شود این ایل و هم‌چنین جمعیت یکجانشین آن با هم چهار هزار خانوار و یا به باور برخی ۵,۰۰۰ خانوار هستند.

بخشبندی این ایل به گونه‌ی زیر است. نام‌ها از روی نام روستاهای اصلی محل‌های گوناگون اقامت ایشان گرفته شده است:

| نام روستا | نام کدخدا |
|--------------------------|----------------------------|
| کرندی..... | نرمت اله خان (نعمت اله؟؟؟) |
| بیونج..... | طاهر خان سلطان |
| بشیوه..... | مهدی قلی خان |
| حریری..... | احمد خان مشرف |
| سرخه دیزه..... | فضل اله سلطان |
| ریخانی..... | میرعلی سلطان |
| رشید علی (کوچ نشین)..... | عباس خان سلطان |

ایل لر جلاله‌وند که دارای ۵۰۰ خانوار هست و در بلوک هلیلان زندگی می‌کنند که نیز زیر نظر حاکم کرند است.

ایل کرندی یک هنگ سرباز پیاده را در اختیار حکومت می‌گذارد که دارای ۸ گردان بوده که هر یک دارای صد سرباز است و یک دسته موسیقی نیز دارد.

هنگ کرندی از گردان‌های زیر ساخته می‌شود:

| | |
|-----------|----------------|
| از: | شماره‌ی گروهان |
| کرند..... | ۲ |

| | |
|--------------|------------------|
| ۲ | بیونج..... |
| ۲ | جلالوندها..... |
| ۲ | رشید علی ها..... |
| ارکستر نظامی | ریجاب..... |

سرتیپ این هنگ علی مراد خان احتشام الممالک است که در گذشته حاکم کردند بود. این ایل کردی که شاخه‌ای از گوران شمرده می‌شود، گفته می‌شود که ۱۴۰ سال پیش شهر کردند را از رییس گوران قلعه زنجیری خریداری نموده‌اند. در سال ۱۸۸۱ میلادی پلاودن^{۲۶} در باره‌ی تاریخ معاصر سران گوران چنین نوشته است.

پنجاه سال پیش فرماندار کردند حیات (هیئت؟؟) قلی خان^{۲۷} پسر ملک نیازخان بوده، مردی به نام حاجی خان که یکی از ترکمانان خوبی در آذربایجان بود، حاکم کرمانشاه گردیده بود. در یک زمستان که حاجی خان برای دیدن کردند آمده بود، نه تنها به ستم‌گری آغاز کرد و درخواست مال آن‌ها را نمود، بلکه آن‌ها را مجبور می‌کرد تا برای خوشگذرانی زنان و دختران خود را در اختیار او بگذارند. سیدهای کردند قرانی را به نزدش آوردند و لابه و التماس نمودند تا از چنین رفتارها پرهیز کند. ولی حاجی خان به آن‌ها گوش نمی‌داد. در پایان مردم شکیبایی خود را از دست داده و بر او شوریدند و به خانه‌ای که در آن اقامت داشت یورش بردند. حاجی خان همه‌ی درها را بسته و برای چند زمانی در برابر شورشیان پایداری نمود. ولی شورشیان که به هیجان آمده بودند، از روس دیوار بالا رفته به تراس رسیده و از روی سقف سوراخی ایجاد کرده و وارد خانه شدند. آن‌ها به تندی حاجی خان را کشته و به دنبال آن کشتار همراهان او آغاز گردید. شورشیان هر کس را که واژه‌ی "گوشت" را مانند ترکمانان بازمی‌گفت را از پا در می‌آوردند. پس از این رخداد حیات قلی خان تا زمان مرگش کم و بیش پیوست حاکم کردند بود.

"او دارای ۴ پسر بود: ملک نیازخان، عباس قلی خان، علی مرادخان و کریم خان. پسر بزرگ‌تر جانشین پدر شد؛ ولی جان خود را ۱۵ سال پیش در یک لشکرکشی بر علیه احمدوندها (همه‌وندها) از دست داد. اسب او رم کرده و او را به میان دشمنانش برد که در آنجا تیر خورده و کشته شد. پس برادر دوم عباس قلی خان به جای او نشست؛ ولی ۵ سال پیش به ناگهان در کرمانشاه جان سپرد. جای او را علی مراد خان گرفت که هم اکنون نیز بر این جایگاه نشسته است و من در پاتاق با او آشنا شدم. او مردی خوش‌چهره است که ۴۵ سال سن دارد و دارای پوستی روشن مانند هر مرد انگلیسی است. او رفتاری باادبانه دارد و انسانی ساده و بی‌پیرایه است و سخنانش در باره‌ی

¹ T. C. Plowden.

2

6

¹ Hyat Kuli Khan.

2

7

رخدادهای کنونی ریزینه‌ها و با حساسیت می‌باشد. او دارای همبستگی خوبی با برادر جوان‌تر خود، کریم خان است. برادر جوان‌تر او در کردند زندگی می‌کند و به امور غیرنظامی و سرپرستی آموزش و پرورش می‌پردازد؛ به همین گونه‌اند دیگر جوان‌ترهای خانواده مانند پسران علی مراد و ملک نیاز خان در گذشته.

علی مرادخان به کارهای مرزی می‌رسد و در حال آمد و شد از محلی به محل دیگر در گرمسیر است. داستان زیر در باره‌ی دلاوری‌های او بر سر زبان است:

"دوازده سال پیش که مدحت پاشا^{۲۸} و آلی بغداد بود، یکی از پسرعموهای علی مراد، همراه چهار نفر از نزدیکانش برای خرید اسب به خانقین رفت. مقام‌های عثمانی به بهانه‌ی این که او برای انجام کارهای ناروا به آن جا رفته، آن‌ها را گرفته و زندانی کردند. علی مراد به سرزنش و نکوهش این کار، چه در سطح محلی و چه در تهران و بغداد نمود؛ ولی نتوانست آزادی ایشان را به دست آورد. پس ناچار شد که با شتاب شبانه راهی خانقین شود.

او شمار نردبان و ۵۰ سواره به محله‌ی افسران (سرای) متصرف خانقین حمله‌ور شده و همراه پسر عمویش چهل زندانی دیگر را نیز آزاد نمود. در این هنگامه یک تن از یاران او و دو تا سه تن از ترکان نیز کشته شدند."

علی مراد خان سپتامبر ۱۹۰۲ میلادی حاکم بلوک کردند بود که به هر دلیلی این مقام خود را از دست داد. ولی او هم چنان سرتیپ هنگ کردند است که از سوی شاه برگزیده می‌شود.

نرم‌اله خان صرام الممالک^{۲۹} پسر ملک نیازخان و پس از او برادر زاده‌ی علی مرادخان احتشام الممالک رییس کردنی‌ها شدند. کردنی‌ها و جلال‌وند‌ها پیرو آیین یارسان هستند، ولی رییس آن‌ها شیعه می‌باشند.

مبلغ مالیات بر شهر کنند

| مبلغ به تومان | |
|---------------|--------------------------------|
| ۲۵۰ | خاروبار فروش‌ها..... |
| ۳۰۰ | داروخانه و ادویه فروشی‌ها..... |
| ۴۰۰ | پارچه فروشی‌ها..... |
| ۵۰ | نعلبندی‌ها..... |
| ۷۰ | دباغی‌ها..... |
| ۲۵۰ | قصابان..... |

¹ Midhat Pasha.

2

8

¹ Nerमतullah Khan Saramul Mamalek.

9

| | |
|-----|-------------------|
| ۴۰۰ | شرابی‌ها..... |
| ۲۷۰ | قهوه‌خانه‌ها..... |
| ۹۰ | رنگرزی‌ها..... |
| ۳۰ | کبابی‌ها..... |
| ۱۵ | نفت..... |
| ۵۵ | راهداری..... |
| ۱۰۰ | نانوایی‌ها..... |

از هر باغ دو تا چهار من، شاهی یا کرندی انگور (یعنی دو من تبریزی)؛ از هر خانه دو تا چهار خروار سوخت؛ از هر چراگاه در نزدیکی، دو تا چهار من روغن.

بلوک ذهاب

این بزرگ‌ترین بلوک ایالت کرمانشاه است که گذشته یک پاشالیک در دولت عثمانی بود. این بلوک برآستی در دست منصور الملک امیر تومان است، ولی قلعه سبزی و قصر شیرین از آن بیرون است و خودشان یک حکومت جداگانه هستند و در دست شیرخان صمصام الممالک است. سرزمین باجلان‌ها از شمال قصر شیرین تا مرز را در بر می‌گیرد. در جنوب قصر شیرین تا لرستان، گرمسیر کلهر است و نزدیک‌تر به قصر شیرین گرمسیر سنجابی می‌باشد. دشت ذهاب از تابستان از آدم خالی می‌شود. تنها چند روستا وجود دارند مانند بیشکان که در آن باجلان‌ها زندگی می‌کنند و ذهاب که در آن جاف‌ها زندگی می‌کنند.

در شمال دشت ذهاب سرقلعه گرمسیر دو تیره‌ی جاف است که در درون کنفدراسیون گوران هستند. (ریج اژ یک روستای "سرقلعه" نام می‌برد که در ۹ میلی خاور ذهاب جای دارد؛ ولی این دشت اکنون روستایی ندارد.) در شمال این دشت، دشت‌های هورین^{۱۳۲} و شیخان جای دارند که زیستگاه شرف‌بیانی‌هاست.

در دشت سرقلعه دیگر کشت نمی‌شود. دشت‌های هورین و شیخان به خوبی آبیاری می‌شود و اندازه‌ی بسیاری غله و برنج از آن‌ها بر داشت می‌شود.

همه‌ی تیم بلوک در هر اس اشغال شدن از سوی جاف‌ها به سر می‌برد. قادر آقا باجلان برای جلوگیری از جاف‌ها ۵۰ سواره را برای نگهبانی در بیشکان نگاه داشته است. این پست نگهبانی در یک پناهگاه است که از شمال دشت ذهاب به سوی دشت سرقلعه کشیده می‌شود.

| | | |
|--------------|---|---|
| 1 Sarkalleh. | 3 | 0 |
| 1 Rich. | 3 | 1 |
| 1 Hoorin. | 3 | 2 |

همچنین عزیزبگ شرف بیانی برای همین منظور از حکومت کرمانشاه مبلغی را دریافت می کند تا صد سوار را نگاه دارد و عزیزخان باجلان نیز یک پست نگهبانی با صد سوار در قره تو (که ره تو؟) را به پا کرده است.

باجلان - در ایران به سختی دارای دویست خانوار هستند. عزیزخان در کرتو^{۳۴} و قادرخان در بیشکان از سران ایشان هستند. قادرخان و عزیزخان در یک دشمنی همیشگی با هم به سر می برند. در ماه مارچ گذشته پسر قادرخان کشته شد. برای جلوگیری از جنگ و خونریزی میان این دو خاندان، حاکم کنونی کرمانشاه قادرخان را از بیشکان به کرتو فرستاده تا این دو را از یکدیگر جدا نگاه دارد. باجلان ها سنی هستند.

شرف بیانی - رییشان عزیزبگ است که در هورین زندگی می کند. شرف بیانی ها هزار خانوار هستند. آن ها به گویش جافی سخن می گویند و اهل تسنن هستند. گمان می رود که آن ها یکی از تیره های ایل بزرگ جاف هستند. آن ها می گویند که در زمان صفویه از موصل به ایران آمده اند.

سنجابی - آن ها زیر نظر شیرخان صمصام الممالک هستند. گرمسیر آن ها میان فصر شیرین و مرز عثمانی است و سردسیرشان در شمال دشت ماهیدشت می باشد. سنجابی های اصلی به سختی ۵۰۰ خانوار می شوند؛ ولی به همراه کوچ نشینانی که در زمان های دیگر به آن ها پیوسته اند و همراه جمعیت یکجانشین روستاهای آن ها، گفته می شود که شمار آن ها چیزی نزدیک به چهار هزار خانوار است. آن ها از کردان یارسان هستند. سنجابی ها ۲۰۰ سوار را در اختیار حکومت می گذارند. سنجابی ها به تیره های زیر بخش می شوند:

جدول ۵۸

| فرمانده | گردان ها | لشکر |
|--------------|--|-------------|
| الهی خان | چلبی؛ چلبی الهی خان..... | چلبی..... |
| نصور بگ | گل گل؛ سرخه ووند..... | گل گل..... |
| عزیز خان | سرخکی؛ عباسه ووند یا هواسه ووند؛ رهبره ووند..... | دالیان..... |
| جان خان | در خور؛ جيله ووند..... | در خور..... |
| علی محمد خان | صوفی؛ موجولیلان یا میرجیرولان..... | صوفی..... |

گرمسیر آن ها در آفاداغ، قطار^{۳۵} و باغچه در نزدیکی شهر بان است.

1 Karatu 3 3
 1 Kuretu. 3 4
 1 Agadahg. 3 5
 1 Kattar. 3 6

سوزمانی- این ایل که شمار آن‌ها به ۱۲ خانوار کاهش یافته، در زمستان در سرپل هستند و در تابستان به دشت دینور می‌روند. آن‌ها دارای یک زبان ساختگی ویژه‌ی خود هستند.

سرپل ذهاب (به معنی بالای پل ذهاب) که بیشتر "سرپل" خوانده می‌شود. این یک روستا با ۶۰ خانوار است و یک کاروانسرا در کناره‌ی راست رود حلوان در ۲۹ میل از کرند جای دارد. یک دفتر تلگراف در این جا وجود دارد.

شیخان- روستایی در بیست میلی ذهاب است و دارای سه یا چهار دهکده می‌باشد که مهم‌ترین آن‌ها در دهانه‌ی یک دره‌ی کوهستانی جای دارد. دهکده‌های دیگر در بلندی کوهستان دارند که نام خود را از دو تن از پیران اهل سنت گرفته که در آن جا دفن شده‌اند. آرامگاه آن‌ها با گنبدهای سفید بالا آمده که آن‌ها را باغ‌های میوه در آغوش گرفته و چشم‌انداز زیبایی را ساخته‌اند. مردم شیخان همگی با هم صد خانوار هستند. در نزدیکی آن شماری پیکره‌های باستانی وجود دارند.

پیران، یاران و زرده در کوهستان شمال خاوری ذهاب جای دارند.

یاران- جاف، اهل سنت، مالیات ۷۰ تومان.

زرده- از کردان یارسان، گویشور کندوله‌ای

بابایادگار حسین- یک ساعت تا زرده، امامزاده، دو خانه.

همیشه شمار فراوانی زائر یا پناهنده در این جا هستند، بلندی از روی دریا ۱,۴۰۵/۳۵

قلعه سبزی- پست مرزی ایران در حاده‌ی میان قصرشیرین و خانقین بوده و دارای ده خانوار زیر نظر شیرخان صمصام الممالک می‌باشد.

قصرشیرین- عرض جغرافیایی N. ۶" ۱' ۳۰ * ۳۴ بلندی از روی دریا ۲,۱۳۰ پا (به نوشته‌ی رازاریو)^۱ این روستا در کناره‌ی راست رود حلوان ایستاده است و دارای صد خانوار جمعیت و بازاری با ۳۰ فروشگاه می‌باشد. تدارک آذوقه فراوان است. در این جا یک دفتر تلگراف و گمرک‌خانه نیز هست. این روستا در این سال‌ها بسیار پیشرفت کرده است. شرکت‌های استخراج نفت که در سه فرسخی این جا به کار می‌پردازند، برای کارمندان خود در قصرشیرین خانه ساخته‌اند. ساختمان دولت که از سنگ ساخته شده بر روی یک تپه در جنوب باختری شهر جای دارد. مراد از ساختن این

¹ Razario.

ساختمان سنگی بر روی تپه، این بود که در هنگام حمله‌ی دشمن مانند یک پایگاه بتوان آن را به کار برد.

کُهر^{۳۸} عرض جغرافیایی N. ۲۲' ۳۵" * ۳۴ یک روستای کوچک است با جمعیتی ۳۰ خانواری که بر روی ویرانه‌های یک شهر بزرگ ساخته شده است.

راولینسون پنجاه سال پیش نوشته است:

"دسال پیش شهر ذهاب از سوی یک پاشای عثمانی ساخته شده، حکومت در خاندان این پاشا ارثی بود تا زمانی که این پاشالیک به دست ایرانیان افتاد. پایتخت این پاشالیک دیوارهای گاه گلی داشت و در آغاز یک هزار خانوار شهر نشین در آن زندگی می کردند. به جهت مرزی بودن این شهر مورد ستم و تاراج بوده‌اند، و از این رو هم اکنون یک ویرانه بیش نیست که شهرنشینان آن به سختی به دوپست خانوار می‌رسند."

به گفته‌ی ایرانیان در هنگام جنگ محمدعلی میرزا ذهاب هزار سوار با زره زنجیری در اختیار دولت عثمانی گذاشته بودند.

راولینسون در باره‌ی ذهاب می‌گوید:

"هاب از شمال باختری در مسیر رودخانه‌ی دیاله و از سمت خاور با کوهستان و در جنوب با ود حلوان هم مرز است. این یکی از پاشالیک‌های وابسته به بغداد بود تا این که ۶۰ سال پیش محمدعلی میرزا شاهزاده‌ی کرمانشاه آن را گرفت. بر پایه‌ی پیمان نامه‌ای که میان ایران و عثمانی در سال ۱۸۲۳ میلادی نوشته شد، قرار بر این گردید که سرزمین‌هایی که در جنگ گرفته شده‌اند، دو باره باز پس داده شده و مرز به زمان قرارداد دوران صفویه باز گردد. در پیمان‌نامه‌ی دیگر بنا بر این شد که ذهاب به عثمانی باز پس داده شود. ولی نه ایرانیان گرایشی به انجام این پیمان‌نامه را داشتند و نه پاشای بغداد توان باز پس گرفتن آن را در خود می‌دید و در آخر با وجود این که بر پایه‌ی پیمان‌نامه‌ی پورته^{۳۹} به عثمانی تعلق دارد، ولی هم‌چنان در مالکیت حکومت کرمانشاه مانده است.

به جهت این که ذهاب در جنگ به دست آمده، زمین‌های آن نیز خالصه یا زمین شاهی هستند. این زمین‌ها از سوی حکومت کرمانشاه به صورت سالانه اجاره داده شده است؛ یعنی به سران ایل گوران که ایلیاتی‌های خشن آن‌ها، در کوهستان‌های نزدیک زندگی می‌کنند. در آمد برداشت به اندازه‌ی

¹ Kohar.

3

8

¹ Porte.

3

9

بسیار فراوانی وابستگی به بهای برنج و بذر و دیگر کشت‌های اصلی آن دارد. ولی در سال‌های خوب که بهای این کشت‌ها در پایین‌ترین اندازه‌ی خود قرار دارد. باز هم اندازه‌ی قابل توجه‌ای برداشت افزوده در دست اجاره‌کنندگان باقی خواهد ماند. همیستاد یا سیستم اجاره‌ی این بلوک بسیار ساده و در سنجش با دیگر بخش‌های ایران، بیشتر برای سران ایل‌ها خفت‌آور می‌نماید، که خودشان مستقیم در کار کشاورزی دست ببرند. این سران در میان وابستگان خود غله بخش می‌کنند و در هنگام برداشت سهم خود را دوسوی برداشت برنج در ازای بهره‌برداری از آب برای آبیاری که در مالکیت مالک یا حکومت شمرده می‌شود به سختی می‌توان آن را بدون هزینه و کار به دست آورد.

آبیاری کشتزارهای برنج ذهاب با کانال‌های ساخته شده‌ای انجام می‌گیرد که آب رودخانه‌ی حلوان را در ده میلی می‌آورند. گفته می‌شود که این کانال‌ها بازمانده از دوران باستان هستند که نزدیک به صدسال پیش به شکل کنونی بازسازی شده‌اند. این کار بازسازی از سوی همان پاشای عثمانی انجام گرفت که شهر ذهاب را نیز بنیاد نهاد. "در آمد میانگین دشت ذهاب سالانه ده هزار تومان است." سرهنری راولینسون تخمین می‌زند که برداشت سالانه بلوک ذهاب دوهزار خروار برنج و دوهزار و پانصد خروار گندم است.

در هنگام حکومت عثمانی، برداشت ذهاب با سرزمین‌های وابسته به آن سالانه سی هزار تومان بود. ولی در آن زمان بخش‌های پربراری وابسته به ذهاب بودند که اکنون از آن جدا شده‌اند. هم چنین در آن زمان دوهزار رعیت بر روی این زمین‌ها کار کرده و زندگی می‌کردند. ولی امروز شمار این رعیت‌ها به ۳۰۰ خانوار کاهش یافته است. بیشترین بخش کشاورزی در دست ایلیات گوران است که پس از کاشت غله در بهار به چراگاه‌های تابستانی خود در میان کوهستان می‌روند و تنها شمار کمی کارگر را در دشت می‌گذارند. خاک ذهاب بسیار پر بار است، ولی به جهت توجه کمی که به کار کشت و کال در آن می‌شود. کشاورزان ده از یک را یک برداشت خوب می‌پندارند. آن‌ها هرگز از کود استفاده نمی‌کنند. پس از هر یک بار کاشت برنج، زمین را برای چندین سال بایر می‌گذارند، تا توان خود را باز یابد و یا این که تنها به کاشت غله‌های سبک می‌پردازند.

زمان بایر ماندن میان دو کاشت برنج هرگز کمتر از هفت سال نیست و حتا این هم گویا زمین را تهی می‌کند. چنان‌چه امکان‌پذیر باشد، بایر گذاشتن زمین تا ۱۵ سال نیز پذیرفته شده است. به سختی می‌توان گفت که حتا یک پنجم زمین‌های کشاورزی این بلوک هم اکنون زیر کاشت است؛ در حالی که با توجه و روش بهتر می‌توان در آمد، این بلوک را به ده برابر مبلغ کنونی رساند.

بلوک ذهاب هم‌اکنون به سران گوران به مبلغ ۱۲,۰۰۰ تومان اجاره داده می‌شود.

احمدوند چلبی - یکی از تیره‌های ایل بزرگ همه‌وند که در همسایگی قصرشیرین و سرپل ذهاب زندگی می‌کردند.

پاشای بغداد ایل احمدوند چلبی را شهروند عثمانی می‌دانست.

پس از مرگ جان میرخان، آن‌ها از مرز گذشته و در کشور عثمانی ساکن شدند. یکی از پسران جان میرخان چند ماه پیش در کرمانشاه بود، ولی حاکم کرمانشاه با ادب از او خواست که به ایل خود پیوندد.

بلوک ایوان

یک بلوک بسیار گسترده که زیستگاه ایوانی‌هاست. ایل ایوان دارای پیوند نزدیک با ایل کلهر دارد. گفته می‌شود که ایشان در گذشته زیر فرمان کلهر بوده‌اند.

آن‌ها دارای دو هزار خانوار هستند. ایوانی‌ها کشاورز هستند، ولی دارای شماری گله هم می‌باشند. آن‌ها مبلغ ۲,۲۰۰ تومان مالیات سالانه می‌پردازند و دارای هنگ سرباز نیستند.

سران کنونی ایشان احمدخان، امان‌اله خان و هدایت‌اله خان هستند. سرزمین ایشان تا کومه سر‌آذر نزدیکی مندلی گسترش دارد.

آب کان گیر^{۴۱} که آب شهر مندلی را تامین می‌کند، از نزدیک سومار سرچشمه می‌گیرد که سرزمین ایوانی‌هاست. برای همین سالانه از سوی شهر مندلی صد تا صد و پنجاه تومان برای آب به ایوانی‌ها پرداخت می‌گردد.

یک بلوک کوچک به نام "هرسم" هست مه اسمی بخشی از ایوان شمرده می‌شود. این بخش زیستگاه مردمی است که هرسمی خوانده می‌شوند و از بازماندگان مردمی هستند که از کرمانشاه به آن‌جا کوچ کرده‌اند. این بخش ۲۰۰ خانوار جمعیت دارد.

بلوک هیلان

این سرزمین در ۳۵ تا ۴۰ میلی کرمانشاه است. سوی خاور بالرستان و از شمال با بخش هرسم و از سوی باختر با بیجه‌وند^{۴۲} هم‌مرز است. این بخش زیر فرمان علی‌رضاخان میرپنج فرزند والی پشت کوه

| | | |
|------------------------|---|---|
| ¹ Kumesang. | 4 | 0 |
| ¹ Kangir. | 4 | 1 |
| ¹ Bijavand. | 4 | 2 |

باشد. این بلوک زیستگاه ایل لر است که به نام هلیلانی شناخته می‌شوند. و به گروه‌های زیر بخش می‌شوند.

داجی‌وند^{۴۳} دژیست خانوار، بالاوند ۳۰۰ خانوار سرخه مری ۲۰۰ خانوار زیر فرمان علی رضاخان پسر حسین قلی خان سرهنگ.

با وجود این که این بلوک در ایالت کرمانشاه جار دارد، ولی زمین و ایل‌های آن از آن والی پشت کوه هستند.

عثمانوند و جلاله‌وند - نخستین سردسیر خود را در ماهیدشت داشته است. آن‌ها زیر فرمان ظهیرالملک زنگنه هستند که به هنگ او یک گردان^{۴۴} می‌دهند. ایل جلاله‌وند که یک گردان به هنگ کردند می‌دهند، گرمسیر خود را در هلیلان دارد.

چوپان کاره‌ها - شماری ایل کوچک هستند که روستاییان کرمانشاه در فصل زمستان رمه‌های خود را به دست آن‌ها می‌دهند. آن‌ها زمستان‌ها به این جا می‌آیند و از کوچ نشینان هلیلان چراگاه اجاره می‌کنند.

لیست گردان کردستان

| زیستگاه | مالیات به قران | شمار مردم | Tribe | ایل |
|--------------------------|----------------|-----------|-----------------|---------------|
| روستاهای امان‌اله خان | ۱,۸۲۰ | ۱۵۰ | Abdurrahman Beg | عبدالرحمان بگ |
| روستاهای کردستان | ۶۰۰ | ۴۵۰ | Burkayi | برقعی |
| گاورود و ییلاق (Eilak) | ۳,۲۵۰ | ۱,۵۰۰ | Belilvand | بلیل‌وند |
| اسفندآباد . | ۳,۰۰۰ | ۱,۰۰۰ | Purbisheh | پربیشه |
| ییلاق (Eilak) | ۵۰۰ | ۳۰۰ | Tamartoozeh | تمرتوزه |
| حسن آباد و ییلاق (Eilak) | ۷,۳۵۰ | ۱,۲۰۰ | Buradji | دورجی |
| روستاهای کردستان | ۴۴۰ | ۳۰۰ | Sagvar | سگور |
| | | | Sheikh Ismaili | |

¹ Dajivand. 4
¹ Contingent. 4

3
4

| | | | | |
|-----------------------------------|--------|-------|----------------------------------|----------------|
| اسفندآباد | ۳,۲۵۰ | ۱,۶۰۰ | Karakeh | شیخ اسماعیلی |
| بیلاق (Eilak) | ۸,۴۵۰ | ۱,۵۰۰ | Givehkish and Kharrat | کرکه |
| روستاهای سنه و کردستان | ۲,۱۴۶ | ۱,۰۰۰ | Kalbaghi and Ahmad Zeinal | گیوه کش و خراط |
| Karatavereh, Saral and Hussenabad | ۱۱,۴۵۰ | ۳,۰۰۰ | Kuvik | کلاغی و احمد |
| Javerud, Kelatarzan | ۳,۳۸۰ | ۱,۰۰۰ | Ketki | زینل |
| روستاهای نزدیک جوانرود | ۱,۳۵۰ | ۱,۵۰۰ | Lur and Kollahkar | کوویک |
| " | ۱,۳۵۰ | ۷۰۰ | La'leh | لر و کلاه کار |
| بیلاق | ۱,۷۶۰ | ۶۰۰ | Mahmud Jebraili | لاله |
| " | ۱,۸۵۵ | ۴۰۰ | Mandumi | محمود جبرایلی |
| حسین آباد | ۳,۷۴۰ | ۲,۰۰۰ | | مندونی |

تخمینی فارسا از جمعیت استان کرمانشاه

| شماره‌ی خانواده‌ها | |
|--------------------|---------------------|
| ۲۰۰ | هرسم..... |
| ۷۰۰ | هلیلان..... |
| ۱۰۰ | سامره..... |
| ۲,۵۰۰ | زنگنه..... |
| ۴۰۰ | عثمانوند..... |
| ۴۰۰ | احمدوند بهتویی..... |

| | |
|--------|-----------------------------------|
| ۳۰۰ | جلیوند |
| ۲۰۰ | مافی |
| ۳۰۰ | نانکلی |
| ۴,۰۰۰ | کلیایی |
| ۷۰۰ | صحنه و تابعه |
| ۵۰۰ | خدا بنده لو |
| ۱,۰۰۰ | زوله |
| ۵,۰۰۰ | گوران |
| ۱۲,۰۰۰ | کلهر |
| ۱,۰۰۰ | شرف بیانی |
| ۴,۰۰۰ | سنجایی |
| ۴,۰۰۰ | کرندی |
| ۲۰۰ | باجلان |
| ۵۰۰ | جلالوند |
| ۳,۰۰۰ | چمچمال و دینور |
| ۳,۰۰۰ | هر سین و دورو فرامان |
| ۵۰۰ | ایل های کوچک ماهیدشت و غیره |
| ۱۲,۰۰۰ | کرمانشاه |
| ۵۰۰ | سراب |
| ۳,۰۰۰ | بالاده و پایروند |

| | |
|--|--|
| | |
|--|--|

در کل ایالت کرمانشاه دارای ۶۰,۰۰۰ خانوار است که یا هزار خانوار ۵ عضو، جمعیت کرمانشاه نزدیک به ۳۰۰,۰۰۰ خواهد بود. برخی جمعیت ایالت کرمانشاه را ۳۵۰,۰۰۰ می‌دانند، ولی باید به یادداشت که این تنها یک تخمین است؛ چه بسیار دشوار است که در ایران باید به یک آمار درست دست یافت. کوچ‌نشینان همیشه آمار ایل خود را بسیار پایین‌تر بیان می‌کنند. آن‌ها می‌ترسند که با دادن آمار درست، ناچار به پرداختن مالیات بیشتر بشوند. البته خود ایشان نیز به سختی به آمار درست دسترسی دارند.

کوچ‌نشینان در فصل زمستان کار زیادی برای انجام دادن در روستای خود ندارند. آن‌ها در خانه‌ها یا چادرهای بزرگ گرد می‌آیند و در حالی که چارپایان به دور آن‌ها هستند، به دور یکی از باسوادان ایل می‌نشینند تا او برایشان شعر بخواند.

ادیات کردی به سیصدسال پیش باز می‌گردد.

برخی از خانواده‌ها در ایل یا روستا با نام چوپان‌کاره یا گله‌دار (چوپان) یا عسل بر (کسانی که عسل گرد می‌آورند) و مانند این‌ها شناخته می‌شوند. برخی این خانواده‌ها را، با تیره‌های ایل اشتباه می‌گیرند. پیش از به پایان آوردن این نوشتار باید چند سخن را نیز در باره‌ی کولی‌ها یا غریبل‌بندان (زنبیل‌سازان) بیاورم. این‌ها را گاهی می‌توان در ایالت کرمانشاه نیز پیدا کرد. آن‌ها در عثمانی، افغانستان و کردستان نیز یافت می‌شوند. در عثمانی آن‌ها زیر نام چینگانه (زینگانه) شناخته می‌شوند و در جاجای دیگر با نام قره‌چی.

”آن‌ها مورد نفرت و تحقیر قرار گرفته و بی‌اندازه ناپاک پنداشته می‌شوند. مردم بر این باورند که ایشان به هر کار مزدورانه و بد دست می‌زنند. چنان می‌نماید که ایشان هیچ دینی ندارند و یا این که ایمان ایشان بسیار کم است. آن‌ها به خوردن هر چیز خوردنی باشد می‌پردازند. آن‌ها به همه جای کشور کوچ می‌کنند و رویه و آیین‌هایشان همانند کولی‌های (اروپا) است.“⁵

¹ T. C. Plowden, 1881.

پیوست III

ارتش و جنگ افزار

به صورت رسمی توان ارتش ایالت کرمانشاه چهار هنگ با ۸۰۰ سرباز و ۱۵۰ سرباز توپخانه و ۴۰۰ تا ۵۰۰ جنگجوی جنگ‌های نامنظم می‌باشد.

هنگ‌ها عبارتند از:

کله‌ر - سرهنگ: محمدعلی خان کلنل صمصام السلطان میرپنج برادرزاده‌ی محمدعلی خان

کرد - سرهنگ: علی مرادخان اختشام الممالک

گوران - سرهنگ: حسین خان منصور الملک

زنگنه - سرهنگ: محمدرضا خان زنگنه ظهیرالملک

توپخانه زیر فرمان ظهیر الملک است.

آگاهی‌های بیشتر در باره‌ی ساختار این هنگ‌ها را می‌توان در فصل‌های این کتاب یافت که در پیوند با ایل‌هاست.

در پایین لیست سواران نامنظم که از سوی حکومت حقوق خود را می‌گیرند، آورده می‌شود:

| شمار سواران | نام ایل |
|-------------|----------------|
| ۲۰۰ | سنجایی..... |
| ۱۵۰ | احمدوند..... |
| ۵۰ | نانکلی..... |
| ۱۰۰ | شرف بیانی..... |
| ۱۵۰ | باجلان..... |

این تنها در سال‌های کنونی بود که باجلان‌ها و شرف بیانی‌ها برای نگهداری سواران خود از سوی حکومت پول دریافت کنند. شمار سوارانی که از سوی ایل‌ها در اختیار حکومت قرار می‌گیرند و کم و زیاد کردن بستگی به خواست حکومت کرمانشاه دارد.

فرماندهی کل سپاهیان، حسین خان قاجار سام الدوله^{۱۴۶} امیرتومان پسر علاء الدوله می‌باشد.

همیشه یک هنگ در کرمانشاه هست که سربازانش مقیم در پادگان شهر نیستند.

کمتر دیده می‌شود که بیشتر از ۵۰۰ سرباز با جنگ افزار آماده باشند. جنگ افزار آن‌ها تفنگ ورندل^{۱۴۷} است. که باید هنگام رفتن به انبار جنگ افزار پس بدهند.

انبار جنگ افزار دارای ۷۰۰ تفنگ ورندل^{۱۴۸} است. همه‌ی جنگ افزارها در میدان توپخانه هستند که از

شماره‌ی ۱۶ آن دو تفنگ ته پر اتریشی،^{۱۴۹} سنتیم،^{۱۵۰} ته پر قابل حمل با استر،^{۱۵۱} سنتیم، ۴ شش -

پاوند اتریشی،^{۱۵۲} تفنگ‌های سر پر کن^{۱۵۳} ساخت تهران، همگی با ابزارهای یدکی. هم چنین ۱۰ سر

پرکن کهنه در اندازه‌های گوناگون، ۲۰ سر پرکن کهنه در اندازه گوناگون در جنگ افزارخانه، ۲

خمپاره که یکی بر روی گاری سوار می‌شود.

| | | | |
|---|------------------------------------|---|---|
| 1 | Sahm ed Dowleh. | 4 | 6 |
| 1 | Werndl. | 4 | 7 |
| 1 | Werndl. | 4 | 8 |
| 1 | Austrian Breechloader. | 4 | 9 |
| 1 | Sentim. | 5 | 0 |
| 1 | Austrian breech loading mufe guns, | | 1 |
| 1 | Austrian 6-pounders. | 5 | 2 |
| 1 | Muzzle loading. | 5 | 3 |

گاردهای جاده- برخی از روستاها شماری گارد جاده را بر جاده‌ی بغداد و بر جاده‌ی همدان قرار داده‌اند. جنگ‌افزارهای آن‌ها تفنگ‌های مارتینی هنری^{۱۵۴} است.

در پایین لیستی آورده شده که از ایل‌هایی به من داده شده است که می‌توانند هنگام نیاز نیروی نظامی آماده کنند:

| شمار جنگجویان | نام ایل |
|---------------|--|
| ۲۰۰ | زنگنه: ظهیر الملک..... |
| ۴,۰۰۰ | کلهر: داودخان ایلخانی..... |
| ۵۰ | کردی: احتشام الممالک..... |
| ۲۰۰ | سنجایی: شیر محمد خان صمصام الممالک..... |
| ۵۰ | احمدوند بهتویی: محمدخان فتح الممالک..... |
| ۱۰۰ | باجلان: عزیزخان شجاع الممالک..... |
| ۵۰ | باجلان: قادر آقا سرتیپ..... |
| ۲۰۰ | شرف بیانی: عزیز بگ شهاب الممالک..... |
| ۵۰ | نانکلی: ظهیر الملک..... |
| ۷۰۰ | کلیایی: نصراله و امین‌اله خان..... |

بیشتر این سواران جنگ‌افزارشان ساخت بومی از تفنگ‌های پی‌بادی-مارتینی^{۱۵۵} و مارتینی هنری^{۱۵۶} هستند که به سران آن‌ها تعلق دارند.

¹ Martini-Henry. 5 4
¹ Peabody Martini. 5 5
¹ Martini-Henry. 5 6

در سرپل ذهاب سه عدد تفنگ سرپر^۱ با شماره حلقه‌ی فشنگ وجود دارد.

پیوست IV

در آمد و هزینه‌ی حکومت

به دست آوردن آگاهی در باره‌ی در آمد و هزینه‌ی یک ایالت در ایران کاری برآستی دشوار است. درآمد زمین در ایالت کرمانشاه را روی رقم ۷۲,۰۰۰ تومان قرار داده‌اند؛ در حالی که در آمدهای دیگر، گفته می‌شود که به رقم صد هزار تومان می‌رسد. این دربر گیرنده‌ی "اصل" یعنی مبلغی که بر پایه‌ی کتاب دولتی باید گردآوری شود. "فرق" مبلغی است که گردآوری می‌شود و اندازه‌ی آن را تنها می‌توان گمان زد. بخش مهمی از درآمد برای هزینه‌های نظامی هنگ‌ها در میان همان ایل و در میان روستا باقی می‌ماند. هزینه‌ی پذیرایی و نگهداری زائران و بزرگان کشور و سران ایل‌ها از سوی خود حاکم پرداخته می‌شود. مبلغ هزینه‌ها برای این پذیرایی گفته می‌شود که سالانه دوازده هزار تا بیست هزار تومان می‌شود. به من گفته شده که در چندسال گذشته حکومت کرمانشاه ادعا کرده که سالانه سی هزار تومان از اداره‌ی دارایی برای جبران هزینه‌های انجام شده در خواست کرده است. با یک همیستاد درست مالیاتی و گردآوری درست درآمدها و صادرات آزاد غله به بغداد، این ایالت دارای در آمد افزوده‌ی بزرگی خواهد بود تا به پایتخت هم بفرستد.

¹ Muzzle loader.

پیوست V

بهای کالاهای مورد نیاز روزانه مردم در شهر کرمانشاه

| بها به قران | | اندازه | کالا |
|-------------|-----|-------------------|---------------|
| تا: | از: | | |
| ۳ | ۲ | بار (بیست من) | سوخ |
| ۴ | ۲/۵ | " | زغال چوب |
| ۲,۵۰ | ۲ | من | نفثا |
| ۰,۵۰ | .. | " | یخ در تابستان |
| ۲,۴۰ | .. | " | گوشت |
| ۰,۲۵ | .. | " | نان |
| ۴ | .. | " | پنیر |
| ۰,۲۵ | .. | " | پیاز |
| ۰,۵۰ | .. | " | سیب زمینی |
| ۱,۶۰ | .. | بسته‌ی شش دانه‌ای | شمع |
| ۱۰ | ۸ | من | روغن |
| ۴ | .. | " | برنج |
| ۲۰ | ۱۶ | صدمن | گندم |
| ۲۰ | ۱۴ | " | جو |
| ۵۰ | ۲۸ | " | شبدرد |

| | | | |
|-------|------|---------|-----------|
| ۵ | .. | " | کاه |
| ۲,۲۵ | .. | من | نخود بومی |
| ۵ | ۴,۵۰ | " | شکر |
| ۱۵۸۱۶ | ۱۴ | " | چای |
| ۱ | .. | هر دانه | مرغ |

هزینه‌ی ساختمان در کرمانشاه

| هزینه به قران | اندازه | |
|---------------|----------|-----------------------|
| ۵ تا ۳ | Diem | بنا |
| .. | .. | شاگرد بنا |
| ۲ | Diem | ناوه کش (برای حمل گل) |
| ۰,۱۰ | بار | خاک قرمز |
| ۱۴ | خروار | آهک |
| ۱۲ | " | گچ |
| ۲۵ | ۱۰۰ بار | سنگ |
| ۱,۵۰ | زرع مربع | سنگ تراشیده |
| | | آجر |

^{۱۵۸} برابر است با نزدیک به ۱۱ دی هر ایی
یک من برابر است با ۶,۵۰ ای بی اس

| | | |
|--------|------------|-----------------------|
| ۳۰ | ۱۰۰۰۰ دانه | کوزه پز |
| ۱۰ | " | خشت |
| ۴ | دانه | تیر |
| ۰,۵۰ | بار | برگ و پوشاک برای سقف |
| ۱,۵۰ | جعبه | جعبه‌های شکر برای سقف |
| ۱ | بار | کاه |
| ۴ | من | میخ |
| ۰,۳۰ | شیشه | شیشه‌ی پنجره |
| ۴ تا ۳ | Diem | کاردردگری |